

تالی افند منشی

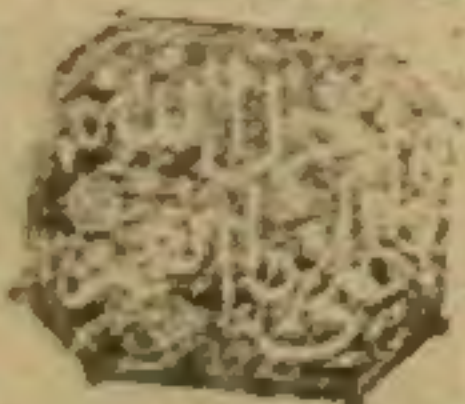
نخ



۷۸۷

استنصحت هذا الكتاب وأنا الفقير
السيد حاج احمد بن ابراهيم بن حاج محمد
بن عيسى غفر له
صلى الله عليه وسلم
الحق

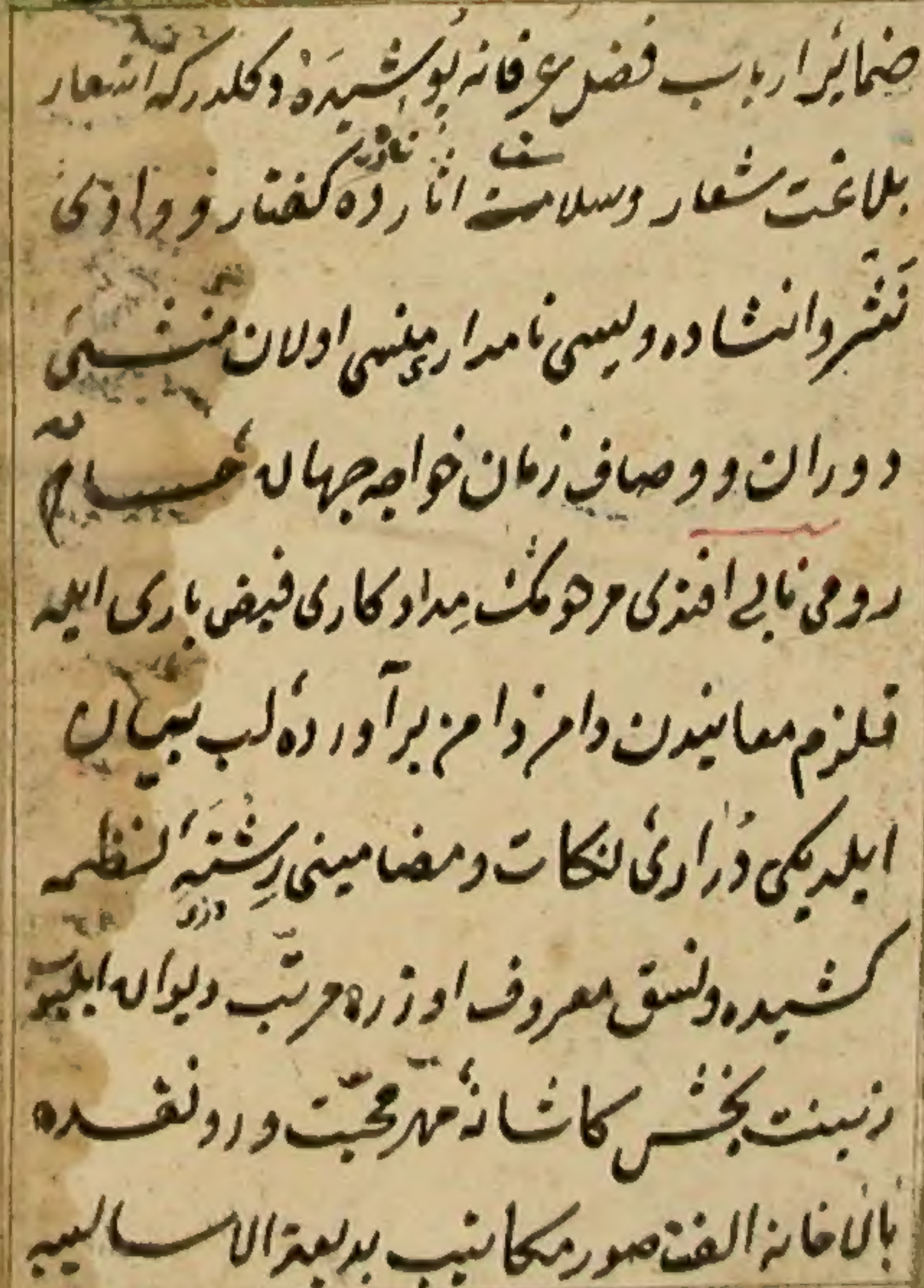
۷۹۰



۷۸۸۲

حضرت خاتمه بی کسینها اولی
بزم مخد عاقل اوزیر
کرده یونیک بولغویو لکچر
صفه کاتب کبر

میرزا



۱۰۰

[illegible]

در دولت ثاب ولى النعم عهت نه رخصه ده ایمیکه
جود کار رسیده بدگره ای که کند نه بانه طوف
حرمش بدیده لعظیم ترانه سیده سرانباله عارف
پیشگاه اصفید باز باغ معنی خوش بهار
از ابر تو تر نیست **سروا** و لعظم نیست و سیر و از
مضمونیه گویا اوله قه کلش طبع نواز تحیه من
شد سیر و ترا براد جود نیست و مراد اعلاک
خ خطابه رسیده **شمع**.

عجب اینک المیرزا که
 واری ترک اندر
 بوشلر دوستانه
 یس قضا بایند
 عسکر در دلا
 ابر فغان

جبا وصال ارحون ال فالد مدام
اول خبر قبول او خبر بدست

بوصورت اول
نموتو سوسو تنو بهر او در سر بر ابرم حضرت نیک
نماهی نشاط و آباد مسرت بنیاد لرینه غدا کار خونه
روحانیال اولغه شایانه نداله نمکله خوش
چاشنی دعا اهداسنه متعاقب برادرده مخلص به
ریال لر بهر که جناب شیر فکرا یله چوقده ندایره نشیاه
خواجگه همیت و نمک لیس مایره الفت اولق کیلار

[illegible]

مورد گفت دیگر

بود و فقیر و کم درآمد

[illegible]

پارسیان

الحسين خان محي وكبيره صاحبته واولاده

حسن

عن نه از ان می بود و ما بکجه انه نفس لقال حایل
فربيه مهر الورا و بخته کردن ادم چا بکجه سحر
اولیو محل بود فعل در انش استیا قدر شک
صحه مخنه انش نفس سم سمند تثیر نلر بله امکو کبه
ایسمه پیر وری اغر منسا ندر

پادشاه و خیر آخر در کم

هفت رنگ پیشگاه رفتن به رواجیاب خدادگاه
 ملکوت اولغه اریزاله امتعه دعوات روحانی
 ایها اسنه شکره سرمانه دارم ^{کامی} عرفانه اولان
 ذات دقیقه دانری ایله مخزنه ایس و اتحاد تنک
 کنای حریه موانست و اندازه بیپای کریمت
 و الفت اولق ز اویه کبر کردانه سرای ضمیر خادمانه
 انشائیسمای زریه بند رج جیه کناره
 اطلسم فلکده صورتی نمیکه اولدین شکامه
 رباط ^{ششمه} دلالت شمرده موازنه اجزای مهر حیت
 ایکنه تحریک ترازی قادیه عریضت بیرونلری
 سنجید ^{ششم} انتظا حرورال

[illegible]

امید به خدا
معه شکسته کاغذ
فوق او در یک
نماز اید اول

[illegible]

نکبته زرین شمس تابان چو کبوده قام اسنان
لحان ابتدی دمه اثر نقش قدم میمنت
نوا مری ابله صیغه ساحه غم خاطر ورق مهر
و خوشا اسباب سرور نشا ما شوقه طغیان
سر طور بیور مری سر طور جریده اما در باغ

بود و طور دیگر در

حضر نیک مجلس سرت نظام و بشارت آریا
صوبه وجه انگیزه محافل قدسیه و حالت بخش
مجامع روحانیه اوله جوق راست رود عیون
اهداسه ضنده سرور نیر کرین اخلاصی بود
جناب بلند جا بلریک آوازه حسن سیرت و صفت
صدای لطیف طبعی که آوازه کبر استعداده
افکنه مسامع صنار و کبار و حرکات مطهره
کارینه نقش اصول و جنبش معتدله لری پایه
احسن قبول اولمیه فردا دانه ذوقه خورشید
دست راست که در دونه بدیدار اولیو افتاده قدم
سعادت لرزه لرزه خانه خاص شاعری اشرف

ای پری دوی زینت ماهتابی
چشم جانم علم نصیر کتابی
سیر ایدر وجه بالک باوعد اسمی
و صدای لطیف عادت کرم باجی
بمکتب صوفیه لطافت معنیست
کل جمالک سیاه سواد کالبدی
لباس به طایان زلال کمال
باغ غنچه او را غنی گفت شوی
نار غنچه بوی می دوزش بقیه
هنگام خنجر زخم قالی باقی بقیه
لهره جامه دگر خالوم بقیه
ای عجب حکام هر بابک تدبیری

مقامات و سر افتخار میاد اصل اوج مباحات بر روی
خلاصه اما لرزه زای عرصه دایره

بود و وضع دیگر در

حضر نیک سر پرده اقبال لرزه مه طنباب
دعا و وضع خلک تنه خلا لنده بر داشت
داعی با بر جالری بود که دامن خیمه دلده نقش
افلاصکز دوخته و سنون ضمیر اشتیاق
ایله افروخته اولمیه انه فی لغالی صاحب
فرمانه عالمکشی چیه کمر سپاه سیه لوی
ظلام و فتح قلعه نیر خورشید ام ایچون سپه
نیرین بلادش و شمیر اشعه ایله خوش خرد
ایله بکنده جناب ستوده صنات ایله سایه
حصار ملاقات راه کنه اربمانه جوهر و طایفه
اوقات اقدم ملت سائر

بود و وضع دیگر در

حضر نیک کیمیه مسارف و خزانه جوهر
و لطائف ادلاله شبیه غریبه مرسله

ایادیده باند کمر غنچه عاقل
مناع و صلاهای با خیمه صلیق شاد

اکابر فضل اولاد و یو انکار صنی الاتسام
 و متکای صیاحی الانشغال لری ساحت
 رسته ناربو و تغییراتی چرخه نکات ایل یافته
 و کارگاه اخلاصده شادمانه بسته تفتیش
 و ناکوی نوجوش تعظیمات ایل یافته و نواز
 الفاظ مؤثره کشنده و ورق مجلای صدف
 پیچیده واسطه تجدید اهتمام ملا اعدا
 شایانه و تمغارده اجابت و تابی اولمغه حبیه
 امنه نادیده دعوات نادر و ختمه واقعه
 ناشنیده حیات نافر و ضمه رسم ادب
 شرمسار نه و وضع تداعی نیا رسیدن ایل
 دست او نه عا جرایه قلندر زیننده عرضه
 و ایستاده داعی در پی عنایت دیده لری بود
 جناب شیرازه بند اجرای کائنات کل
 نشسته کیاب کتابخانه وزرات اولاد
 ذات کو مدرسه تحفظه و قایم ربانین
 مکیده و معنای بهائیه صورت دولت

اولاد

اولاد وجودی حکیمه مفهوم بحر طول حیات
 و امتداد نباشد مجموعه مقام سعادتمند کامیاب
 ایله ایله و در سدر لام
بیرون و بیرون و بیرون و بیرون
 سعادت و عبادت و در لو نور با صوره افتخار
 و انبیا جم او غلم سلطانم حضرت نیک مقصد
 استنای اعالی و افاضل و واجگاه اجناس
 معالی و فضایل اولاد پیشگاه مکارم و شکا
 لسان شوق اخلاص اصطلاح صدق اخلاص
 اودره تحفه مجالس قدسیه و هدیه مبارک
 و احایانه اولمغه شایانه نشسته نواز تغییر
 دعوات سریع تاثیر و رساله نوتالینف
 تجلیات بدیع التحریر اهراسه مجلای صوفیات
 قوسیه اولاد فمیر خطیر لری پرستی ایل تکمیل
 و نوطیه اولندر همواره قرب سایه یزدانیده
 رو به روی نور جمال و کمال و ذالو نه برانوری
 شاه عاقبت و اقبال اولاد لرا کرمت شاعل

فان در شایان آوردن شکر شایان آوردن
 حقیقت لذت ملک سعادتمند قایم و شایان
 مان در شایان آوردن شکر شایان آوردن
 او چون قوت و سیر و در دین و شایان
 جابر رحمت لری و لری لری لری
 اعدای لری لری لری لری لری
 جابر رحمت لری و لری لری لری
 اعدای لری لری لری لری لری
 جابر رحمت لری و لری لری لری
 اعدای لری لری لری لری لری

خدمات همایون بینند. نفوس حال را ز لرز لرز
 فرستاد و خول او ملق شرفه نایل اولور که بخدمت
 نبی خان هنوز مجله جار فی بون میسر ازده بنده انکاس
 گسته اولیوب حاشیه مرآت و عالمی میرانده
 مهتی اوقات فلتحی الشرف اشتیاق ابدیکی غلظه
 حقیقت بی عافانری نه نابوشیده. در غلظه
 امانی حلیه بعضی کوشه دامن اقبال کمره و اصل
 رومال و سامه لری ناطقه عنایت اندوز کرده
 فانی لال مقال اولندر بر طرفه کله که بویید روحا
 پرو و رنگز احواله تحریک لب استغفار بویید رنگز
 نقل انیلر که مراغ صافج عاجرا غرغ غرقوا فیل
 سرور دل ویرا غرغ غرغ اولمینی اولاد عیال
 ایله دعای ریختن زده مضطر و مجبور ایله بیکر نامشور
 بنم عیال کو مکر مندر سلطنت خضر نری هر بار طرف
 اشرفه کستخانه دعایه تحریر یلم اوقات
 عزیز گری تصبیح و سمر مبارکه گری تصبیح
 منافق شرط ادا بملاحظ اولمینی بولوقه

استغفار

استغفار بولوقه زده روضه طبیعت میرانده
 سر زده اولمش بر قطعه لغت نبوی اهدا سیده
 یتیمبدرت اولندی درگاه الهیده. قبوله به اشتباه
 اولمینی جناب عذرت و سائر خوانا و شنوا
 نایم حقه فیض امان رنگز اولان و رقبه
 عنایت امیرانیه سرافشار و استلزار
 بر ادق سیمایه روحا بایند
 لطف کرم و قلم جناب
 کرم الشانکدر

بود و این مشیر بلند استغفار اول وزیر پیر
 اقتدار مطلع مرآت ایلان زده دانه دانه
 وزارت امان و اتمام رکاب فخر و ان
 ایله به تمام طلوع زده بر این امان
 سده و اولمینی ارسلان
 ایله بیکر رفته نبوی زده

سعادت و سحر پورتی شارق حیاتم و نور با صوره
 میبایتم سلطنت احواله بعاه حضرت نیش

قبله امان فضایل مندان و دورین و متفانه امتعه
فضل عرفان دیوان رصیص الالهی فی منبع الانوار
ساحنه سایش پیشانی نوازش و مالش
جبهه تضرع تجرید اولغه قدسیه سوره شریعت
حاصبت اکندره مضمیر غنیمت پاره دعوت کواکبها و غیر
م م روحانیات طینت برکت مکتوب است
مخمر شکوفه رنگارنگ نجات نرپیدا نشانه
مستاقب عرضه داشته داعی درین ثنائی
مکتوب بود که حضرت مصطفی کتایب خانه و
مؤلف تراکیب بود بنود جل شانه نشانی
اندکیاب ذات معالی سماء و دارالافلاک
مراتب دوله پیوسته شیرازه گیر عاقبت
و محفظه نشانی سلامت باغبان چمنظر از افروزش
عزت الاوه ارایش حدیقه سعادت و لطافت
اولان نهال قوی النمای وجود یکتا لرزه
لاهور رؤس حاجتمندان ایام اود زده سایه
بخش لطف عنایت ابله ایی بکجه بر طبق

نیر حکمت اندوز تجربه ربانی و بر وفق
تعیین اراده ازلیه صدای ذات محمد روح القدس
بهمه انبیا که هدیه بصناعه جوامع استعداد
و سوق لیاقت مادر زاد ابله ارفع مواقع جاه
جلال و امتع مواقف عز و اقبال اولان رتبه
علیای وزارت اعتداد درجه والای دوستی
ارتقا پیر و رب نسبی دولتشرای سلطنت
و بیاجه تمامند مغیوط خیام گردون اولان
و یوانخانه معدلت پناه خصوص هر لرحه
وزیر اندوده منزلت سنده محسود و قیاب
مملکت اولان زیر قبه سعادت دستکاه
حائز مرکز تعین و فائز درجه عاکمه اولان قری
پیام بشارت فرجام بود داعی کرم دیده لری
نشانه یاب سلاطه انشراح انکیم ادای
لا زده تهیه اقبالی لری منطوی بر دغانام
ایله تجرید برات اعلی و داعیه سنده ایکن
سابقه صدر والای و حال محافظه

شهباز پشای نادرا لاکر کیم خضر نوری شیکامند
کمال اتحاد و اخلاص و علیّه انکسار و اختصار
ناشیخ اطارد بهور بلان و رقا و کندر و از رفیع
روحاندری حاشیه سنده بوغلق الماحد لایعظم
زبانگذار التقات سلام بهور لکون غنی ایله دهره
پر کسمان بوی پیر این یوسف عملی اجراء و طوطی
ناطقه فقیر انگری به اختیار غرق شکر ستانه
و عا و وقف خدمت دعا ایله به ریای ابدی کی محاط
علم جناب کبر باد ریای لطف
احسانه دولتمند سلطنت
حضرت نیکدر

بود و در کنار نوشته در

بنم سحر تو غیبی سلطنت خضر نوری اگر چه نبل
درجه سامیه سعادت و در رتبه عالیه
وزارت هنگامند سده و زرای عالی جای
طواق کاه صحایف نهانی قلنم رسم قدیم
و دای سلوک ابدی کی معلوم و مشهور و رکنه حق

الانصاف بود و کیم خضر نوری به عهد یکنوز اول
قاعده کمرایه و فوار قلم نسخ بهور و ب
رتبه علیای دستوریت و القاب معانی وزارت
سلطنت کی بهور الجوانب بر فاضل بکانه نک
سده رفیع انساب ایله کسب علوالت حرم
ایستاد بکند و ناشی تبشیر نهینه رتبه وزارت و فر
شایان تر و در و بوی تبشیر تحریر واقع حاله موافق
و مطابق و سلطانک ذات عالیه شایان
بهو معنایه لایق اولمینی مبالغه و انوار شاعرانه
مقوله سنده اولمینی امضا کرده اصحاب
النصافه جناب حق مبارک و بهتمه و نور
عنایتله چشم انبیا لکری روشن ایلمه ایلمه
حالاتی و غایطه شهباز و زریه نقیر سنده را
حضرت نوری بو طرفه تشریف لری ایامند حلب
رشد کلش بهشت اولوب هر بار
شرفیاب مجلس انساالتس معالی نظامی
اولد فی علم سلطنت مدایح جزیره و مکان

ز طبع انزوا اولاد داعی به ریا لرزیدن خیال انعام
 قوایم مطایای دعالیه پیوند و مدد و یاری نظاره
 امانه نگاویز تبارینه سپینه بند لوب و دین
 سیم ریزه فرسخته خرام دای دولترینه رباب حکام
 سرشک الوده سوزال رخش عافیتلرینه جواب
 اید یکی مانده عنده مسلم قربضاء فانری اولم
 پیشگاه دهن دراکلر نده احاله اسب ادعا
 اناره غبار ریاده مفرآ اولمبل راه داسته
 کتبخانه باعث کسر عقال بکست خام پریشانه
 مقال بود که بودای سالخورد و باقر سوده لنگ
 یاده به آرام حیات مراد حله بعضی کنز ابته کله
 چو شصت آمد نشست آمد به بیدار طیفی استخوان
 ساق عجم ساق بیدار غرق قله اله قصاب غلچیده
 و شر آمداد قوت نه خاله و غفده زانوی ناله غر
 کاس طنبور اساءوق خشک باله اولم
 نایع مانده قلم قوایم مطینه انگشت نده استاره
 حرکت و در یوزه آمداد قوت انده مضطرب

کتبخانه

مرکوبه اشدا حینا جرمه ترا ولوب بلوط فلر ده بولنده
 مطایا مقوله سیم اشغابی ترکاله و عرب شکله
 سیر و رهو و جیش کوه سیم اولمبله هنگام
 شمع خرو و پله مرکوبه نه همه اسامه و جیش تند
 نر نر نه نرسیده آیکه شمدی بوایا مده بحر ناوانده
 سوار اولم و کل بلکه مجالس شنه مده نصا ویرنه نکرانه
 اولمبله بله توغره اولمبله نه ناشی بالضروره روم اینک
 رهواره مدیم رفتار بار کیم موزونه کمر واره اشدا
 احتیاج جز قوت و بود و بار لوده امتناع وجودی بوکونه
 رفیع غاشیه نهم حجاب داولترش رکاب کتبخانه
 سودی از تکاب اولمبله غلیظه مکارم اصفا ندر نه
 فراموش زوایای صطلل افتد ارری اولال بار کمر
 کهنه سالد نه بر کینه و کمر انا خود روی خورش
 منظر کمر کرد و نه و موزونه بیکر نهم خوی مشکینه
 بوی قوی لیست سندن و دشت طاد و دم ماکه
 سیم بار کیم چک اصیل به نه ناله توغره افاده
 روح به بد و پینه و پراغری خاکه نه رفیع لغت بیت

و نمیدید بهر ملوک چنانچه داشت توقع مستند بود و در کتب بنام
 سلطان ریزان به بیمنت است که کسب نبرد مساس
 اید کلبه یکی درجه علیا و مرتبه علوی چنانچه منارفته
 سبب اوله جعفر لغت برده امید در که معتقد به فالوف
 اوله یزدخت بساط حله نه دخی بهر اوله یزدخت
 و حجت و آلات زینت جدا آنکه سبب سدی یونان را
 قصیر گزانه اخنه غرضه زمینی اتمه میانت مشفقان
 علاقه مروت لسان بهر ملوک بایند لطف لسان
 دولتمدار سلطانم حضرت نیکه رانده شایان بوحسنه کن
 عشر امثالیده روزم ندر و اصل طوبیله اقبال گز اوله
 جعفر الطاف خفیه الهیه متکلمه بدنده اقدم و در
 خاک غرضه دعاغا تحریر ادلتیبه کی که الطاف ده
 چند روز توفیق واقع اولمغه بود دعاغا اثر ایله
 دوش بدوش و اصل اوله جعفر محتمل اولمغه نکران
 استشغال بهر محو بایند مکارم و طبع لریانه کول
 اولمغه لطف کرم دولتمدار سلطانم حضرت نیکه
 بود و خواص این از مضمین بلا غفلت متذکر

نمیباشد این یکی سبب بهر ملوک چنانچه داشت توقع مستند بود و در کتب بنام
 سلطان ریزان به بیمنت است که کسب نبرد مساس
 اید کلبه یکی درجه علیا و مرتبه علوی چنانچه منارفته
 سبب اوله جعفر لغت برده امید در که معتقد به فالوف
 اوله یزدخت بساط حله نه دخی بهر اوله یزدخت
 و حجت و آلات زینت جدا آنکه سبب سدی یونان را
 قصیر گزانه اخنه غرضه زمینی اتمه میانت مشفقان
 علاقه مروت لسان بهر ملوک بایند لطف لسان
 دولتمدار سلطانم حضرت نیکه رانده شایان بوحسنه کن
 عشر امثالیده روزم ندر و اصل طوبیله اقبال گز اوله
 جعفر الطاف خفیه الهیه متکلمه بدنده اقدم و در
 خاک غرضه دعاغا تحریر ادلتیبه کی که الطاف ده
 چند روز توفیق واقع اولمغه بود دعاغا اثر ایله
 دوش بدوش و اصل اوله جعفر محتمل اولمغه نکران
 استشغال بهر محو بایند مکارم و طبع لریانه کول
 اولمغه لطف کرم دولتمدار سلطانم حضرت نیکه
 بود و خواص این از مضمین بلا غفلت متذکر

الحلس پوشش التفات نامه مشتمل بر
کریبان شیدنه لمعانه ابدنه افتاب است
روزنه انتظار حره پر تو افشانه عنایت و مایه
همای مبارک بال سر تاب اما غره سایه اندازد
اولمقله روح ناتوان افشانه حیرانه استنباط
شما بانه دکالتال سطور پر نور زنده کلیدی
نکته جادوانی اولوب فر صوصا حاشیه
ولار اسندن مهر نقطه دلشینی سوبه اقلوب
روحانیدن غریز تر و هر حرف معتبر حسینی
خواب حور العیندن ناز کمتر و هر کلمه زبکینی منبج
روایح معانی عالیه ابد مملو فواح مسکن از فردن
معطر قدر اولان چکیده خامنه خاصه عنایت
فرمالری ترکیب معجوله جواهر دنه افروزه تفریح
در روز و تنویر چشم حیرت غده ایکی ساعت
به احتیاج فوران سرشک سرور ایل مالش
دیده تعظیم بشنده غوغای ممانعت بیداد و ادای
لازمه تشکر ایل تعبیرات تنهای دانت

کریبان شیدنه لمعانه ابدنه افتاب است
روزنه انتظار حره پر تو افشانه عنایت و مایه
همای مبارک بال سر تاب اما غره سایه اندازد
اولمقله روح ناتوان افشانه حیرانه استنباط
شما بانه دکالتال سطور پر نور زنده کلیدی
نکته جادوانی اولوب فر صوصا حاشیه
ولار اسندن مهر نقطه دلشینی سوبه اقلوب
روحانیدن غریز تر و هر حرف معتبر حسینی
خواب حور العیندن ناز کمتر و هر کلمه زبکینی منبج
روایح معانی عالیه ابد مملو فواح مسکن از فردن
معطر قدر اولان چکیده خامنه خاصه عنایت
فرمالری ترکیب معجوله جواهر دنه افروزه تفریح
در روز و تنویر چشم حیرت غده ایکی ساعت
به احتیاج فوران سرشک سرور ایل مالش
دیده تعظیم بشنده غوغای ممانعت بیداد و ادای
لازمه تشکر ایل تعبیرات تنهای دانت

برآمدند و غنیمت شد شاه بهر
 احمد شاه ایدر اند و ایچاه
 و لغو ایستادند اول بهر دار
 چاه اولان بیرکت در ایست
 بلی ایله کشف غیر سیاقینده
 سلطان ندره مناسب دیوانه
 از خا بهر و چاه و برزیه
 ایله دست را افشاریه
 تره ایله کوری
 برای تو کیم در

بنم پر تو دیده حیاتم سلطانم حضرتی عایانه
 مت هد تو جها نگر دل نا شیع جنا بکره
 کسب علاقه ارتباط اولمقین بوشده ضعیفه بلکه
 معلوم تر نیکتر اولمق احتمالیله تجربه مبادرت
 اولندی توصیه مشفقانه خیر و در که شوکتگر استر
 ظهور فی الارضیه خلیفه روی زمینی افندی
 زنهار و زنهار سائزانه قیاس بهر میوب

ولی مطلق بیلوب خدمت شیر ندره ادا
 اولیایه رعایت بهر سر ختم الولا یب المحمدیه
 و الکبریت الاحمر شیخ محی الدین العربی قدس
 سره الخیر حضرتی بلغه القوام من نام بر تالیف
 مستلزمه السلطان ادا کماله صالحی فیه
 عن الاقطاب و ادا کماله غیر صالح فرهم الایام
 تعبیر به تصریح بهر مشرور در اید ال اقطاب
 بر درجه منتزل اولان فرق نوا اولیاء الله اطلاق
 اولند زحمه و شوکترا فیه در درجه اقطاب
 ولی مطلق اولدینده قطعاً اشتباه بهر میوب
 اولنظر الیه ایدر پیرانور لرینه و انقاس منبر که لرینه
 فیضاب اولمق سنی بهر بهر سائزانه و لایزال
 شبه و اراما انکرک و لایزال ندره شبه یوسف حال
 موجود اولن مشایخ رسوم انکرک درجه سنی زیاده
 بیلد کوره فرمود که ظل الله اطلاق بر اعتبار بهر
 غنیمت بهر بهر علم و شکر بهر کینه پیر شری الیم
 کیم بهر کیم و کونند زید زید و کونند سوز و ب

وسيلة استفاضه روحانیت و
محرم صلد اشیا به بر عالم که بر لایق
مجدد حقیر نیک محرم مصاحبه
واسطه سید یکرده سینه قد حضور بهمان
من زمت شرفه واصل و انواع التماس
احسان به نایل اولی میسر اولوب
خط بهایه لری احسان به کمال زفا
زیارت حرمی میسر اولدی اما اول آملره
بد معنای غافل بولمده نماند حال اول
ایام فائده به ناسوا بنده هم جنایک باری
بوسه رتبه محرم اولمکر انجون کشت
و نخر اولدی اما لطف ایدوب بوسری
نامی کشت انجیب کنه بکثر معنی اولی
فرصت فوت انجیز بهر بار جنایکزه دعا
نام بخرینه فرصت و دستم باری جناب
سعادته بر حکایه دوا به عالم حال شو کشت
افند بکشت کرامت و این بخر این هم خدمت

رب العرش کبریا سعادته منو بویا
دایم بهر ناله به جازوه سال اولدی
ایضا بهر ناله بهر ناله بهر ناله بهر ناله
بسیار کندی بکرمه قره افغان باغ سینه
در حرم افند بهر سلطنت محمده طالب شرافه
حرم بهر ناله بهر ناله بهر ناله بهر ناله
عزیزت اوزره ایله مکر حال شو کشت کرامت
افند بهر ناله بهر ناله بهر ناله بهر ناله
افند بهر ناله بهر ناله بهر ناله بهر ناله
بسیار کندی بکرمه قره افغان باغ سینه
بالتحریر درت بشیر کو چکر عاب صاحب
جکله بهر ناله کشت ایدر که بوفتیری اوزر افند
کو روب لسته مبارک بهر ناله کل افندی
دعوت بهر ناله بهر ناله بهر ناله بهر ناله
انده قریر الی اولی میسر اولدی بوفتیری
سرسند واروب و امنه مبارک بهر ناله
ایضا بکرمه اوزر بهر ناله بهر ناله بهر ناله

پیشگاه سعادتمندان و اولاد و فرزندان
 بر زمین بر زمین قوی و سبب کندی بدو
 لرزه دستار فقره نصاب بهر در و در
 واد و سعادتمندان و عیال ایدوب به نفعیه
 شروع ابله بکده افندم پوشکوفه نیک استی کز
 زری در آما زری دیک النعمه دیکه شهر
 لگت احسنه این یک اد بر زری در دید بکده
 ان شمس تا الی دفر و بر دم دیو و عید و
 حرم سلطه در صراط است ادملده بیدر و
 افندی که مترا بیده بوا فدی و زنت
 اولننه کرامات و غریب حالات بحساب
 پدر و تبار در بیکه ختی بد قدر آدم کج
 بریسته نقد المیوب سزی بوالشانه شخص
 بیور و ب قدر بکزی بله کزی دفر ختم کرامت
 محض اولیو بیداد در و بیدار است
 بنده نمره حده افند بکرت لطف نظمیه
 اولد و نمره دیو بکزی بیور و بیدار و زبانه

در عین حقیقت نقش ایدوب هر بار زبان
 کندی و عیال بکده هم بنم سعادتمندان
 در حقیقت رایحه احتمال کذب و طمعیه خاله
 و طمعیه بکده حساب به کورینور اما علم
 و کندی شهید واقع الحال در بر حرف زیاده
 بکده طمع احسنه عیب دکل اما حاشا که
 بنمیش باشند بکده طمع زخارف و نبوی
 اکنون از کتاب رسیاهی دروغ اولننه
 منصور شوکت افند بکرت کرامت بیده
 جنابگری خلوصه بکده رالی علم شوکت افند
 مظهر لطفی اولیو جریده نقد بر السهید
 مظهر اولیو الثقات سابقه لرزه مشهور
 اولننه واسطه و عد بر سلطه اراغا اولوب
 شمدی دفر منافع حصول بکرت اراغا اولوب
 وجودی اولیو دلیل و افند راجح مقدمه نتیجه
 منظر حقیقی اولننه سبب الاسباب بکرت
 قرکه همایون بکده صدر در ایدوب اکامنه

اولوب بود فقیر کون تجوز لم یفوج بهر سو
اندر توین کارگاه بود قلمی که کل احزاب و قلمه را
کار موقوف بودست که چون رسید **خود را**
رمانده که گمانزل **جای** بگریزده اولان لرت **عقاب**
مورث الطناب اولد یغیزه عنو گزرجا اولمور
لذیر بود حکایه دراز تر گفتم **چنانکه** حرف
عصا گفت موسی اندر طرد **شب** رفعت
و حدیث مابینا نه رسید **شب** راجه کنه حدیث
جا بود دور از باقی ایله و سایه بود آن اسود
بود و حضرت ولی الله رکاب همایون شهر
بار بعدت سابت حکم دار نامدار و زبیر ایم
پاشا خرمیوه ارکان او نه مکتوب بود
خمر نرنگ خمر و نوق نرنگه بهشت سیاه
و خمر نیت صحبت خانه قد سیاه اولان
پیشگاه ولارای روحانی نظر مریه شایان
قماش اشعار تازه زمایه رنگینه پرنیاه نو طرح
دعا و متاع نو طرح ز آثار شکسته پیر تو ظاهر

نما

نما بسطه بهر بیت خنده غصه داشتند داعی
ولید بر لری باده که بنم موفد سلطنت سلطنت
چند روز مقدم محافظه خطه شهاب و قلم را بر هم
باش **خمر نری** نما و رنگزه خمر بر بوی باده خلوص نامه گز
حاشیه بنده بود رنگزه دلا پر و رنگزه قلم
مخصوص کوهر رنگزه متن شرح سلام صدقت
فرجام و پر کشش خاطر بشارت نظام گزله یاد
بیور و رنگزه مورث اربهای طبعات مسرت
اولمدر احوار سایه ظل الهیه آسب
اکه ارکونیه و نه اسوده کبی موصوده حفظ
ربانی اوله سرامی جناب سعاد گزکی بر ذات
قد رشتاس یقین ایله وزیر کرم الاخلاق طیب
الاعراف ایله اغوش یکت و رفته ده انزانی بشیه
نسطیر و هم بهلوی رابطه تخریر اولی و فاشقه
بر سعادت رعایا مخصوص **ما از تو جرایم بصورت**
نه معنی چون فاضله بیت بود غاضله مامفوره
اوزره بجه **نعالی** صدق انکار خلوص و داد و ده

و رسا طنیزه ظهور اندکند و مکرر زنده میمانند
 ظهور ابدی حکم و الهیة عقل افکار و درجه بهیچ
 الهی نور و بین عالم بانه اولیة آفتاب فلک سیاحت
 بهمان و قایم الحفظ صد البند
 معروضند ام ایله ایله
 و احد بشارت انظر انظر الشمس و اخر
 قطاب فلک سلطنت خاریس ملک ملت
 شمس شاه و و راه غازی سلطانه احمد
 و غیره بیک او کیم نشین انزوایه کنیز خود
 اعطا و ارسال بیور و فلک زرق
 و مواضع دست سوال درگاه
 تاجی الما بانه بار خجسته
 مکرر زنده بر دوار
 ادب و مکتوب
 اینست

مساوت و غایت نور با صوره انهم سلطنت
 هم هر شت انچه هست اولیة بینگاه مکارم

دلتکا

دستکا طرینه اجایت خانه ربانیده امضای حد
 قبول سراقباله دیات زود تاثیر و مدد
 ملکوتی تحسین و نور طایر جسمه اخری رساله
 تحیات تازه تعبیر نثاری کستما خانه اسم پوسشی
 خاطر مبارک لری ایله تزیین اولیة بهمان و مار نوع مدارج
 غایت و ارفای معارج مساوت اولیة مرکز قریب
 خدمت ظل الهی و مفید خدمت روحانیته و غیره
 شاهد امانه اولیة له حال داعی غایت دیه لری تعلی
 گاه چشم تغذیه بر بلور کیمه سبحانه
 هنوز نار انقاس حیات ناکسته اولوب
 متهم دعای خود و وقت شایسته دعای
 ذات خیر لری ایله تحسین اولیة نور عدله عرفان مرینه
 پوشیده در چشم و کوششون اند و عرف و ف
 اراه انتظار ایکن مبارک کتبه او قانده نمیده حکایه
 تعبیر زرافسان لری حمامه حرم کی بهر افغانی روزه
 سیه کتبه اولیة دل نشاط نامه لطف
 جو کو دکان صد باره خوانده و دیگر از سر گرفته

است طبعی او زره میان دست و لب چشم و گوش
و سروده ظهور اید نه غوغای تقدیم قبل نظم سگر نند
صکریه در دهن حکمت مشی نند مخزنه اوله نمودن
شارده آسمان سلطنت اید و ابقاه در غن
یعنی بواحد دیره قدر عجزیه عنایت عطیه
جهانداریکه با عسل اسرع فی النجاح من اصغر
مدور صحاح و صاحب مقامات لولا التقی
لقلت له جل قدره تعبیر ایش پشانی اشتیاد
نمایان اولد یو حاله عینی اید دینه یعقوب
خرنینه پیرامن یوسف عزیز دهن حاصل اولان
نور سرور کن نموده سر ظاهر اولوب بی اختیار
دست دعا فرشته بارگاه کبریا قلند
اول نشسته روحانی و ذوق وجدانیتک
بین نشسته شایسته تعبیر هنر ز شکرده
نور ظهور تنهاده اسم کی لغت امکان تا پیدا
اولمعی ادای حق شکر زبانه حاله حواله
اولمش در جناب صوم حرم چشم کائنات

اوله ایست همایون نرسه مدی الدمر بالای صومیر
است کندی بیه نگاه داشته وقایه الحفظ
ایست و سلام اید و بسایه همایون نرسه متارق
احسان دیره کانه زایش ایلک ایلی بونگینه
بی کیاقت خطه بعین ده حواله کرد ضمیمه کرامت
مقرونه و زبانکده ارباب یونیه بوردن پیر نا توانی
نایل عمر نانی اتم کل یقینه حیات وفق عود صحرای
قلند را خرمی اید همایون قدر میدن
مالوف زیارت اولد یو خرنینه همایون سرایه
ظهور ایتیکله عاشق کنگر دیا ب چشم
ور و یمنه مالیه تبرکات صدق تعظیله نهفته
قلند رشو کلدر کرامت و لی التوا فنه کرم
نهینه جلوس همایون نرسه اچن نه ایلک اوج سینه
مقدم بر فریده غوغا نظم اولنرب لکن فخته
عادتاً ملحوظ اولنبر اکی مورخ حجاب
اولمعی ارسالنده نرسه اولمعی کای جانی
همایون پیشی ظهور ایتیکله ارسال جبارت

اولندی ولاده های نو نوری تاریخی در غایت
 نظر نورانی او ملتی احتمالی لایله صورت ارشاد
 بروقت مناسبت عرض و تملق وابسته رای عالی
 اولیا به لطف کرم جناب رفیع الشانکه ربهم در
 سلطانم آثار فقیرانگیز نمایان ارشاد وقت اولدی
 اما سبب جلب مندی که اکبر زاده ولی الله نما
 بر نسی نسبه گنور شد در رغبت به بر سر
 انکرون استنساخ به بر سر بودای و له اده
 الله تعالی طریقه معامله غم خو از گنور شد به
 فقیری کسافی انکله زاویه خاطر خاتره اما
 عالمه باقی قلعه از روی لطفه که مالحو لیا افسانه
 ابریکی به اشتباه در حضور سعیده عرضا عدا
 داعیه سیر حلی اندر حال اولیوب لکن بر طرفه
 شرم حجاب مانع اولمندی کسافانه کمال تردد
 اید به برداشته موقع انها قلندر که اگر تربیه
 مشفقانه گزاید عالم بالا و نه نکر راجع
 صورتی نمایان اولور سه بیت مکرر کس

بخیر اولمندی سببی مستحقه اعطا
 اولمندی که بدنه مقدس قبله عالم انشعاع
 معانی اولان کور کلون بزجکی اید بودای
 بهر مانده کوی احیا بهر بهر راجه جسم
 خلافت پنا بهر سینه بکیر قوت حیات
 انچه بکوز غیری تا بقیامت اولاد اولاده بهر
 مبادات و افتخار اوله جو به بهر در محرم منور
 بهر رطله اشیا و الا کور هر لری افند خردن بر دفعه
 سوره های بوندره بر بر جمادیدر کن نه در کنار این
 بالکن غرلی اسماع دا انحصار بهر و قلندر
 و بر دفعه و فرج منیر لید نه کلوب تحفه الحرمه نسبه
 عرض انچه بکوز فرکی بهر بوندره بر کور کن
 سحر احسانه عظمی اولید بقولت هنوز مانع
 جانده باقی عالمه مافیه شی را اولد فریشت
 منور منک انما الله تعالی مع ایدیه بود افند کن
 احسانه نه ظهور انک مالحو لیا سیم و خود
 اوله مدینه کسافانه اولورده زبان قلم قلندی

لکن بواجباته لیاقت خدمت اولادش بهر مرقم اقام
 اقبال تابانک نوری بسطیده نعلیق ایندیگر قدر
 افتابه مورت نفس اولادش معنی تسلیم تحت خاطر
 ترقی و اولاد و در نصرت کرد و رای حکیمان بگز
 اولاد و مودی رجحان طبع همایون اولاد
 ضیاء لطف کرم جناب کریمکدر و انانیتا فخر
 بهر مکرزده و در معنی جناب سعادتمند ندرت
 حکیمان سینه حواله او کمد رشم سحر نور سلطنت
 جناب سارنه اولاد لوت مخاطبات خیالیه
 باعث اطناب تحریر اولاد یغنی عنو کورجا
 اولاد لایزال بود حکایت در از کفتم جناب که
 حرف عصا کف در سیم اندر طوری باقی است
 لطف عنایت جناب علی قانکدر

حضرت ولی الله فرشته مرسل اول صاحب
 معارف کمال و اولی طب اولاد مشیر
 بهر کمال ابراهیم پیش به نوبت سباحت
 ارسال بهر دقتی مکتوب اولاد

لکن ندرت و مشارالیه که مدایحی
 تحریر و بنامه سید

بشمار ندرت سها حذر مکرزده نور با صبره
 اقبال جم سلطنت حضرت ندرت صف اعلای
 در لطف ای خاص و مستند بلند مقامات
 اختصاص اولاد مستورینو نظام وسیع
 الاغنیاء صوری پیشگاه دست تعظیم به
 شکوفه دانه رنگارنگ ثناء بسط خوا که
 کونا کونه دعا عقیقه خلاصه منورم رفوعه
 به ریادر که جناب حق جلشانه مجموع دست
 اعتبار اولاد ذات معارف مشهور ندرت بحفظ
 عنایت ربانید مکرم و اجزای اقبال و اما لایزال
 اغوش شیراز صیانت صمد الیقین مستحکم
 ایلیه غلبه انجذاب طبع تا ثمر غلبه عنایت
 منبع مکرمت نامه صمدینا ندری و روری دین
 پیر کفانه پوی پیرای بوسه عمل افاده ای و
 دل دین اشتیاق اندود لبر ندرت اولاد

فوا که بیان

فضل قبل عالمیان و کعبه حاجتمندان اولاد
 پیشگاه روحانی شریک غل صمدی زبانگزار
 تربیت و تعریف بیور لیر تعجیرات غیره سواد
 علاقه باج و افتخار اولوب دعای امیر
 عمر و دولت و ادای شکران نعمت دریا لری
 دست زبانه شنا و رانه ایکن حکمت مکتوب دل
 اشو عنایت مهر بکرها فقه حقه شهرها
 وزیر لیر نظیر سواد لیر ابراهیم پیشایوم نر و لری
 مصادف اولوب البته اشرف مدافنده انکر
 پد کمر عیال نر و بودا عیال و اصل اولوب حاصبت
 مکتوب شمر بکر مجلس اولوب معامله الفت کشتی
 باعث اولوب نر و غیره اول صحت روحی تمام
 اداره سیمینا و اعاده خیر و ماکزله ختام بود
 حاشیه مکتوب غیره و زنگزده اصوات رالیه خرنری
 مه اجنه تحریک بیور و لیر کلمات پاکیزه سہات عیہ
 واقع و لری الا مطایب اولوب نو حاج کلام و کل اما صی
 بود که هر قدر رمت فاشی نر و اولوب انکر بالای

استعداده قاصد و انکر کن جلال او صافی مہ ارج اخلاق
 صمد و تعجیر و تحریک و متعجیر و متعجیر و متعجیر
 شیر نر و و دلیع الہی اولوب معارف و فضائل و عقل
 و دانش و تقوی و سایر اقسام طبیعت
 و حروت متولد لری و جنابکز و مہ عالم اولوب
 او صاف جمیع لرنیک لری لری لری لری لری
 لیر و تحریک و کلام راجحی لری مشہود و مکرر اولوب
 بود که و انکر نر مکرر اولوب جو اہر اصالت
 مجلس و طاهر اولوب خط شہباز شیر نر
 اکابر و اصا غریب و اصالت النفا حیکمانہ
 و مجازات لازمه خاکانہ و اولوب حرکات معتدله
 لرنیک عنون اولوب بالانفاق اندرون
 و بیرون دعای دولت شهر باریدہ ہنرا بال
 اتنا اولوب لیر و علم لیر لیر لیر لیر
 و استعنا عصمت و کمرن اجرائی لیر لیر
 حکم مشہود لیر لیر لیر لیر لیر لیر
 اثر مہمت قدر و لیر نر و نر و نر و نر و نر

جلیده واقع اولان ادرن بفریکر میفریکر سده کک حصص
فقال و سناک مقوله لر ندره لاورت بشوشن که بفر
والی جدریکلد که انا محکری ثمر لر ندره خلاصا جدریکلد
بجمع و مواخذه ایدوب بجه جملری ایدوب مفسدین ایدوب
ایدوب والیدره سلیم اولند قد ازانده
لری بنیازمند اولمیر ایدوب والیدرک بعضی
طمعند و بعضی عجز لر ندره اطلاق ایدوب
اگالی شدره دوزیاده قصه انتقام مقدار لری
اولنا مشهور حریم لر ندره بوندرک زمانده دوز
مواخذه اولند قد مجرد نظام مملکت اچون اجرای
صفه تفصیر بیور میوب جزای ثمر عیله تریب
بیور طریقه تمام اگالی حلب عید روز جریب
ودعای دوزخ لر ندره وقف زبانه اتم لرد
بنم نو چشم ادر غلم سلیم بویه حکم معذل
ایامنده اهل عرض راحت اولمده بود اعیکنزه
بو کزیره بجه اختیار اولد یقنده آرکاب
تفصیل اولمده حساب سارکن حضور عالی

نیز

نیز با بونده بونیمیری تربیه شکرینه فادر دکل
ایکیم و بونیم شارا ایدو ندریک ثمر بونیم شکرینه
دو ایدوب ایدوب بونیم بونیم ایدوب
بونیم شکرینه شکر فرطه سده وقف بیور دیکر ایدوب
ختم ایدوب بونیم بونیم سده شهر بونیم بونیم
سایه معد لندر نه اسوده ایدوب بونیم
فر ایدوب میندا انیمک ربا اولمدر بونیم ایدوب
شهراده ثانی حمر ندریک دلاوت بونیم بونیم
بر نارنج دوز لفظ وارک اولم شیدی ظاهرینه
تربیه کریم بونیم مظهر اولم شکرینه رانک دوز و صول
اخبار ندره ممکن اولد بونیم بونیم قلم کوهر شاربور
ببونیم لطف کرم جناب کریم ایشان بونیم بونیم
سلطنت خمر ندری نام بونیم لری نارینه بونیم
میزه تباعی بونیم بونیم بونیم بونیم
کش انظار اولم بونیم بونیم بونیم
میسرا لری قصوری انداخته وادی تغافل
و سراج بیور لری مجبور بونیم بونیم

ناظم امور مملکت و ان الشیخ المحدث الامام
رحمته بایه تحسین احوال و فتنه ساز امور و چنانچه
اولمعه (سج) نور لرزه نمانش سید ایاکة نو او
از طریقه و غیره فیه مالکانه سنه توبه انکاء
رحمت پروردگار و فتنه ساز طریقه جواب نامه و
سعادتی سها حلو عینک و پور و تو حدیقه حیاتم
و دل پروده مینا نام سلطنت حضرت نیک نسی
انجمن قدسیه اولان پیشگاه غایت
عنوانی نداشت او بر خلوص ایند دعوات اجابت
پیوند وره آورده تاثیر انگیز تحیات کرد و بپسند
نثارینه متعاقب عرضه داشتند اوصاف
علیه السلام که بنم سی سلطنت حضرت نوری روزنه ساعه
انتظار جزو و دافله پیام عاقبت ذات سبزه
صناعت پرینه کشاده ایکنه اسرار حیات و جود ارحم
قولی اید التفتات نامه نشاط بخش لری
ورودی دین ضمیر غری فریاد بکنند ماعد الحکم
نوا و الطریقه ده علقه مالکانه توجیه ضمیر بهر لعل

بعد از یک کوه نظر لری بو طرفه تعلق ایند کنند فایز
درجه سرور نا محصور اوله بنوعه قلب مقفالی اعدل
شهرود در خصر صهار ارضی منده ده بسط
ابطال تعلق بیدر لوق منده بهمنت و برکت
اوله یز منی موجب استیشار ضمیر فقیر و لشد
حضرت خالق و دود مبارک آیام منافعه ممدود
ایله حاله فظ شسبیا اصف بلند ابراهیم پیک
حضرت نوری ثناء و رنگز چو قد دار فو لیکز اید مقرب
اغالر دین بر پسر بیده کوندر و ب امانه فراد نه سینه
ما ضیه محصور لنتخص ایند کلر نه بعد الحیر کسری
بیر یوز غوغا فریب دفتر اید و ب کتور دیکر
اگر دوز یاده جه اهتمام اولند رسد بر مقدار
نرفی بوله جو حقیقه رسو باشق رسر حاصل اولن کر که
نوا و مر قومک فرا سنگت محصور لانه شور و خنط
مقوله سنه نه انجمن نقیض لری مرنه به اولوب
اراضی لری اکثر اشجار زیننه اولمعه و اشجار کث
هر یوز اغا جند به بندر نه متعارف رسم مستقیم المیز

باد و خانه پر مهر زده خری شیار و دایره
 بیدر دینگر دین به اختیار و شش رشت
 سرور و بیخ نهال اخلاصه امدا و اینک کل
 میوه دارد عار سیده سدره المندی قلعه
 خط دلیر برگز هر دهر فخر و مد صاحب
 پست خطنگ شبیه یعنی اولمفل چشم
 خمر نگزد باعث تنویر اولمت **و** متصوره
 عزت و هیبت و اراد **و** کلزار اما سیده
 کل در خار اول **و** سر سبز قلیوب دخت
 بخشک مولا **و** سن سایه رفعت بر خور دار
 اول **و** با خصوص فلک هفتد از جود سپهر
 ثواب و اعلا اولم خضر بهایین شهر باری
 ابد و ابقاء بود عید کفتری زبا نگار قریه
 و ثریف بیدر دینگر دین بر وجهه فراتر
 اولم جوی احسنه دکلر بر لطفنگ
 ادای شکری بیرون خوصد قلم ایدگی
 بیدر حضرت **و** عظیم است و جود

بسم الله

همایون لوی الی الدهر و الی الیش سریر
 سلطنت ایله بوقیر ناجینرک او مجلس
 قلم خطامده نه کور اولم نه حد عز و رکندی
 محال کمر ملر بر دعا ی عود و خدر نیک عاقه
 بیسی او زره و جود شتر عیند غیر
 بو عید فقرک عروق و اعصابی لغت احسنه
 چهره عالی کور بهشت معرو و نریم برورده
 اولم نفس حالاد غای عود و خدری استایرد
 زیاده بو عید خیره فریضه دمت قلند نو عالم
 و الخفیة عباندر بعد از این به وقوع مشا سیده
 حسن تربیه لریله دعا ی صیر غری اغتنام
 با بند لطف کرم سحر اولم غلم **و** الهام
 خضر تننگد ریم سحر نو سلطنت خضر نری طلوع
 کوکب مسعود شمراده افتاب و جود شوقه
 کارگاه غیب مفادنه ایکی قماش ناریخ لطف
 یافته ناگوی قلم اولم عید عید کافه درق
 قلند نادوی دولت دست او بر کتاف

قلندری به شبیه تمام نماند بر وقت شب
عوضی داشته پیشگاه جهان پناهی قلمش
بایند و رای کرم سلطانم کند رنجان حیات
فقره اعز و رجاء نردبان هفتادی شکر
انبیای اندر است معترفان بالای صفت
عاجز اولوب بود و نه بسته انجی در حقیقت
رس میسر اولمش در قصوری حواله نظر
ساحت بیرون وجود ربو مقوله خدمت
وظیفه قدیمه از اولمغله بین ادا سینه ساحت
اولندی بنم نو چشم افشایم نسبی خیر باد
شمر به درگ رسیده نظر انور یکنوازد که سیه
انا طریقه رضائیه فایان افندی نام
دعا جگر و نه مطالبه به بهمت بیرون سینه مطهر
غلطه فست و ایله مشتهد بر منور زاده بود و
نسبش کنور شد رفایق افندی داعیه
نخیر و سلطان اقبال ایدر لر حواله
شهر باری دواد شده ابقا اولمش در

باقی لطیف کرم حیات عیالست کند رنم عیال
او غم سلطانم خضر نوری سعادتمند و وضو
صهار اعظم پدر یکنور خضر نوری بود اعز قدیم
ایله التماس با بقا صا دمانه لر ندر نه ناسخ
پرو عیال نامه تحریری عقیده بر نو اشتهافه
علیه لری نوارد ایدوب نغمه خاطر کیمبر
بهر رملری اید بجهت بر دای خدمت کسار
ایند یکنور و نه غمیه ناریخ فقیه نکر بر صدر
اندر طرفه ارک اولمش و اخرون استماع
ایتموری فمیه اندر لر به مورث کدر اولمش اچون انور
طرفه ارک اولمش در پیشگاه جهان پناهی عرض
اولمش و اجبه سیم خاطر شریف کز دل سر زده اولور
لطف احسانه بهر و ب نسبی به انور طرفه
نقش بهر و ب بنه اندر کن رای و تصور بیل به عرض
بهر رملر بود عاجز که وقت افت احسان
بهر رملر اولور رنم و فتنه دار زاده علی افاد لکر کنه
از فائده بود عاجز کن خانه سینه مدانه اولوب

مندر پادشاه لریده دخی الفتم اولمقله کبریه در حدیثی
 خاطر کتب اولنوب شهبانو ز سر نو سلسله
 مداح اخلاق و حماس او صافتری نشی لریده او کاره
 انده پوز لکنه بود بارده دلسته اولوب بو طر
 سطر اموش اقامت نیتی ایله بر شمشیر خرنه
 نیازمند اولمقله کند و به بعد کبریه بو فقیر کوزه
 به اینک و جهیل منو لکنه مساعده
 علیه کوزه و زنه بود و اعینکن
 وسیله منت اوله جفر
 لا ربه ربانی

بود و فرمود بر صورتی که مخلصه و سر شد

عن سلطانم اطالیه لغالی بقاد حرم نیک
 احسانه فلک نهم و همپایه مستوفاهم اویرشیکه
 قناییل نریا و سها و امین شکر طویف اولی التهر اولان
 دیواله خانه مکارم اساس علیی ماسلر نیک و رجه
 پاییه و حرقات پسینه وضع جدیدی فخر ایت آبی
 خلافت معروض داعی کثیرین بود و کجانب حق جلت

قدره

قدره کوه و دریا و دولت اولان و جو و معالی بنا علیه
 درج اولمقله نیک و مهر سپهر رفعت و فضیلت
 اولمقله ذات علیجا علیه بر ج عاقبت و غنیه سوده
 نیشی ایرو ب لمعه غنایتلرین حاجتمند لایه و بده
 بقدر فرقتن زایل ایله امیه برادر جاق محمود نام نیک
 بهر و ناتوان اولوب محافظه سعاد و تلو یوسف
 پشت پد رگزله عرب سفر کچون حلبه کله کله قدیمه
 نصر فنده اولان زعامتی حسن رفعت علیه صلی و غلک
 جاق محمود و اسمیچیل نام قوللر یکنز قصر پد ایرو ب
 وزیرت رالیه حضرتلری تحویل و نه کمره احسنه
 اینملر لک اشانه دولت و برات احسنه اولمقله
 ایچون ایل اولمقله رجب النعانه القیم
 و رجب الطریق المسلوک علایقه السهر لک صور نیک
 حول اولور نعم المامل و الالو عاتقه اشکال
 و تعویقه دوچار اولمقله و افع اولوب
 دولت و سلطانک تحریک انامل التملرینه و بسته
 اولمقله صورتی نمایانه اولور و دولت و سلطانک

هیو ب نسیم نعت و شفقندری چنانچه نیاز
 فقیران در بود ای کشته لر نیک اعتقاد و مصالح
 ضرورت و غرض و دولت و سلطانیت جریده التزم متعین
 مسطور و محرم مناب خاصه اصنافی اقبالی
 معدود و بیرون حریفه لری جرم و خوار و مغنی
 عاجز از تصدیق و مفهوم اعتقاد صادق و قاطع
 و تصدیق بیرون با بنده لطف احسنه افرام
 غنی و سلطان غنی تر نیک و بنم منبع و معدن
 مروت سلطان ضرورتی اگر چه اطناب نفع دانه
 حضور شریفه از کتاب کساف و خورده شرم حجاب
 متور اما بوفیر حقنه رایحه فایده توجه التماس
 شمس اولمخلد بوموله حالات لا ابا لیا نه اجتر
 اولمخلد رعد ماله و اعینکزه باب فیض و مادی
 شهر باری طرقتنه متناج اولمخلد جناب حق انور
 شهر خاک قد سلطانم و لعل ابله کربا
 پرورده احادیث اولمخلد مصاحب پیش
 قدر سرتنگ سده سادته ربط خاطر

انتمشده

انتمشده خورشید نور دین محضر صغیر مغفور از
 ستانک اکثر اقارب خدای خدمت علیه لری
 مشرف اولوب باب اجانبه کشته کلمه نه و ف
 فیت فت مسور اولوب طرف اشرفه
 محلا قه اولمخلد فقیران متضا عفا و قدر
 فطرت اصلیه کزده اولمخلد قدر شمس
 بود داع حقنه ظاهر را بدنه سوا این التماس
 عنا بملری خود دین و غیره خلیفه اسباب
 سعاد کزده بنده ایلد بیکانه سلطان
 و فی مشهور افتاب حنیف لری ربی و افق اولمخلد
 تحریرات منشوقانه و تغییرات به تکلفا لری
 لذت فحاطه خیالیه ده به اختیار لغز حلاله
 بود داع بملری حقنه جریانه ایدنه ذلال التماس
 النقطاع بولم اوزنده سایه شجره
 مکار مری و جلیه لری التماس اولمخلد
 باقی لطف کرم غنی بملری و قدر
 ذات بلند جاهلر سنگنه
 بسده یوسف ناله

حکم ابرار و انکه گزیری غرضه
 نه از این

بانی شکر و دو خیمه که جلیه کسب اولاد
 رسوم قریه و معاظفه مع مالکانه سینه
 و شکر است که در جایله مشهور است
 بود طبق به سینه و التماس نامه در

سعاد و نگو نور با صرة انبهاجم اغای عالین حضرت
 هم رتبه باللس قدس با و هم و در می خور و جانین
 اولاد و دی رفیع الشان فیض بیلست اندر نه اف
 اخلاص و التواضع اخلاص ابد ضمیمه او را و کتر بیای
 اولمغه شایسته ایف دعوات صا و اولطائف
 کجیات لایقه نزاری زیلنده عرض داشته و ای و بر نه لری
 بود که بنم نور و یدم سلطنت خف نوری تحریر نه شروع
 اولنجه ماده بود اعلی کز لایسته و نه جناب
 علیت نکت سمع شریفه مناسب مفاد کل اما جناب
 شیر کنگز دهم امیدوار لطف عنایت او بود و نه شرم
 شرم حجاب ایله تصدیقه امید غفور تقدر بحسب جرات
 اولندر خلاصه تشبیب بود که حطب حطافه مع
 به جیم حطب معاطاتنه بر معاطفه ناجیه بنده زاده
 گزاد ز رینه مالکانه ایتد رخصت ایدی مشفق بها
 معاطفه ابتدای ظهور مالکانه ده چاکن کشنه

دینا پرست متولد لری به بوده چنگال تصرف
 ایدوب ای فایده لری بزاج سینه محصله کسب سینه
 فالوب تحلیم رینه سینه طایله رینه التزام و بر
 اندکی اوج درت سینه دهم صکوه محصله کز غرضه
 حطب خروغی اوزره طایله مالکانه اولمغی نه
 نگر که فرناندر عار داد لمغی حطب تخمیه اصل مال
 اگر چه التبع بیک یوز غرضه اولوب کتم بعد اد
 و حجاز طر فخر نه و و و دی معن و اولان
 اولان فیه منقطع اولمغه محصله ضروری
 بشیر بیک غرضه محصله غرضه مالکانه برات
 اولنجه ایدی اورت بشیر سینه دهم بر و علم
 و علم اما لای حطب بشیر بیک غرضه و نه نا انبیا
 اولنه میرب بر مقدار ضرر از نکاب انحدوز
 بر محصل بود نه زبان کزار اختیار سینه ماضیه
 محصل اولان عبد الرحمن نام مجید و مکار بود بر بکزه
 سواد اولان هم پیش حضرت نوری محصله کز ضایعه
 لطایف پیدا و برزم اس غرضه نقل و انبیا انمکله

۹۰ بر قرم کر جکه در بخش فاطمیه و به لحاظ
 سودا سید متاعه مرقوم نک تفاوتی در
 بیک روز غرض بقایا نامیده عرض ابد و بیک
 فرمان ارک ایندیکه حالا اولاد محض است و
 قوت طامعه می نشیند محض اولاد بود بیک
 مدت عمر زده کور مد بیک محض لا بطا و گرفتار
 اید بر این اثرش طور نده محصله ضرر ادا
 اتیموب ایندیکه تقدیر و مسموع اولاد اعظم
 شروطنه ایکن محصله اصناف اتیموب کینه با پیش
 و خراش و فروخت ایندیکه بر روی قالمیک
 ناکاه نسیم عنایت الهی و زاره اولوب
 حضرت خدای بچول سدره صواب کرم
 صدر الصدور اعظم فخر و هرنیک سید
 دولتی و ممالک عالمه زائر الیه حقیقت حاله واقف
 اولاد کرم حضرت مدد رس کی فرمانه عنواست
 امداد فرخه ایر شوب عینم ایله حجت اعناق منکره
 بر پیر تا تو انچه مطالبه ایله اید ازاد

لا بطا و

بیرون

۹۱ بر قرم کر جکه در بخش فاطمیه و به لحاظ
 سودا سید متاعه مرقوم نک تفاوتی در
 بیک روز غرض بقایا نامیده عرض ابد و بیک
 فرمان ارک ایندیکه حالا اولاد محض است و
 قوت طامعه می نشیند محض اولاد بود بیک
 مدت عمر زده کور مد بیک محض لا بطا و گرفتار
 اید بر این اثرش طور نده محصله ضرر ادا
 اتیموب ایندیکه تقدیر و مسموع اولاد اعظم
 شروطنه ایکن محصله اصناف اتیموب کینه با پیش
 و خراش و فروخت ایندیکه بر روی قالمیک
 ناکاه نسیم عنایت الهی و زاره اولوب
 حضرت خدای بچول سدره صواب کرم
 صدر الصدور اعظم فخر و هرنیک سید
 دولتی و ممالک عالمه زائر الیه حقیقت حاله واقف
 اولاد کرم حضرت مدد رس کی فرمانه عنواست
 امداد فرخه ایر شوب عینم ایله حجت اعناق منکره
 بر پیر تا تو انچه مطالبه ایله اید ازاد

کتابخانه بر و ضابطه کتب و خط

اولندی غایبانه غم خوار غیر نکتز که مجد و نفاذ در حجاب
ساز نکتز اولی خلق خیالی ضمیر کبیر بد بر پیرده چاک کبیر
سرای همایون نثر لطف پیور و قدری انشاده سعاد
او غلم خضر نری و فو صد کوزه و دوشی لسان نیاید
نفرایم کیفیت حاله مافی الضمیر کز اولان لطف
عنا یتراجرا و بود ز ناتوانی سن هشتاد و شش
اشناسنده عنا یتدله احیا و بهیه الناس شرم
حجاب بد نه را و برات قریم اوده انبار نوبه
تا نکتز نیاز اید رز جناب حق نزلری و فو هنگام
پیر تا توانیده اضطراب و افتقار را ابله
ایده بنم نور دیدم علم هر یکی انفا تو کنگر باور و کا
ایکته نماز صبح اشنا سنده نکاش ابله کجرا و نکتز
پرست نه تعبیر نغز و غماض چشم تسامح بر کج
حضور بر قاج کنگه مقدم بر غل نوریدی سر زده
اولی نکتز پیش از نور سعادته اید بهشت اولی
بوده نکتز افروخته و ای انعم معارف و جمال
جانبه نکتز آبا نام نایف و صند بهایون و نکتز

بجای نکتز ای کبریا مکتوب ای نکتز اشک
نکتز افای کرم الخصال خضر نری هم رنبت
نکتز روحانی به اولان بهشگاه بهشت
ایستلری ترانه ر بجانم رسته و عدات حورا
پشت نکتز ناری عقین و عرض داشت داعیه که
من حق بسی نجیسی کارگاه وجود جلال
انامه سجد عقد اللال متربی شرسشاهی اولان
یکتا کوه ذات کرا نکتز لرین پیوسته ارایش
دست رنجبت و پیرانه شاح الصد سعاد
ایده و سمر کز عالیدر نکتز غایت و رنبت سلوک
نمایند اولان مدارج وسیع و مناصب رفیع
سرافراز ابله ای ساعده قیفا نکتز جلال اولی
سینه لرین ترمیم و معالای اخلاق علیه لرین کلش
اولی نکتز فضل طینی اند از صانع اوقاف
اولان اداره فضایل و معارف شهرت علوم عارف
لرین ماسح اگران لبر نکتز بکنه لرین اختیار
خانه کهنه نکتز بسته دل و قف دی ک عمر

کتابخانه کتبخانه
از زمانه باز برون
کتابخانه کتبخانه

بنام سید نور اغا او علم سلطنت حضرت قری غبطه
ترتیب مینو اولال ساه نادى دلجو لیس
دست لفظیم اشتیاق امینزایه وضع شکره
وان دعای اجابت نوزمینده غرض داشت دعا گیر
طرف اثر قد و سایه تعریفات اصنی ابد صورت
پیر اولال رابط انجذاب غایبان بیانی کرا
اسبغت انجذاب محتاج کلفت بیته و کله راتا
بر مده تیره پرواز ستاره استقلال دکل خوانشی
مکاتیب علیه لرنه بیلده صله سلام عدم نیلن
نوعامعانی نیانه و تغافل ابراث این جک
افکاره فردی اولده در غرض تحریک هر رشته
حجته روالا طریفه نه سر زده اولان شوق
خلد صغایر نیسانه نه مصونه اولده صغیر مجزومه
بر ساعت مرد و رانم که مجلس خاطر نوز و فیافروز

اصنی

اصنی و محاسن اخلاق کرم بکر تذکار و دعای
غیر کرم بکر اولانیه هان جناب الهنیک حفظ
ماننده منیم و بروجه دلخواه ساینر
جهاله پناه حانانید مستنیم
اولانیه نرانی ایام مرام لکام یاری

اصنی و محاسن اخلاق کرم بکر تذکار و دعای
غیر کرم بکر اولانیه هان جناب الهنیک حفظ
ماننده منیم و بروجه دلخواه ساینر
جهاله پناه حانانید مستنیم
اولانیه نرانی ایام مرام لکام یاری

وسیله و قول مجلس عالی اتحاد انجمن بهر سبب در این کار
 همیشه نیاز اولوب بود و ای کینه نک سر کشیده
 و قوت مواضع با باب و اظهار جواب یاس مؤدی
 شرم حجاب اولمغین بالضرورت و تو سلطان
 علیه عنونسا محله بنه اعتماد اکشتاخانه کجای
 ارتکاب اولمشدر نمیده رسنه ضراعت حیا اغا
 بنده کز گذشته جریده بند کانه محضه اولمغین
 نمایان نظر اکسیر انزبهر طلی امر نه لظ سلطانکده
 سلیمان پشازاده بدو نیک بنده کز خاک غرنه
 دعایام کجایم اولانم نصیر لعل نگری عفو پیر
 نیاز نه اولدینور و غیره کاه کاه ابرام اصیل
 بو کونه نصیر یعانه زحمت علیه لوی
 صدر دینی مشورات سایلرینه
 امیر و ارز اولیا پده امر غره
 محمد سلطانکده

درگاه عالی قیوسی پاشا در این سبب
 زاده یوسف پاشا در این سبب

بنو قریش را بیدار بشکاه و ایام و زمانه
 سعادتمند بنده عسکر افندم مستطعم طالع
 بنو قریش بنک در جات عرفات دیوانخانه
 دولت قیالدر بنه خطوط جیه تقطیم و تواضع سبده
 و بده کشف باب سعادت اجلالدر بنه پیشانی بکرم نصیر
 مالیده قلوب احم وظایف منتر بنه اوقا غره اولاد و ای
 دو اتم ذات عالی اهلری ادا ای عقیقینده عرض داشته
 داعی منور الانحفا صوری بود که رقیه رسنه ضراعت
 مالوف قدیم سر بر آبی درگاه عالی غرنو یوسف
 بنده کز عیش سلطنت حاضنه بنده حصادی داعی
 منحق و مستحکری اولوب اسکتاب نمیده
 فیه اعزری دولتو سلطنت منتر بنک خاک غرنه
 وسیله ملاقات واسطه بنل الثفات عدا تمکی
 کشتاخانه کجایم اولمغین شایانم نظر
 الثفات بهر طلی اغره مطالب عاجز اغره زخم منور
 افندم لظ منتر بنی سلطانک شوق در طالع
 الثفات در بنه فریا اکثر قیود نه سر زده اولمش

بعض سینه پر مرده آثار پریش نمر بلا واسطه خاکبوس
 ساداته عرض و ارباب حجاب اولمینی غریب و درمی غریب
 و عاجزانه تحریر و سلطانک مجلس بهشت ایامی غریب
 رفع و ایصال اچولا توصیه اولمشدر رسیده نظر کعبه
 اثر یکنز اولدقده نمرای کوش چشم الثقات بیرون
 امیدوارم ساداته صد جدید هر ترشک نشریف
 مسند وزارت بهر دقلر نه ایکی نارنجک واقع
 اولوب لکنه با وقت کنه رایتی بولندوب با فرد عدم
 رغبتی احتمال مانع ارباب اولمشدری یوسفیک
 بنده و بریلوب لکنه تبلیغ و یا تفاضل احرای و قتل
 سلطانک رای عیله بنه قلیوب اولمشدر
 اولیا بهر احر قرمانه دولتشدر سلطانم هر ترشکدر
 جانب شهادت افتاده دوانه بهر و غریب
 او زره آتش را بهر بهشتگاه دولته یاز بهر
 ای لطف خدا و اثره کرد حرکت وی خطا کمال
 خاکبوس فلک ای اصف بهر عدیل آخر روم
 چکری بزمی شوق روی مال قدیم بنم و قتل

بعض سینه پر مرده آثار پریش نمر بلا واسطه خاکبوس
 ساداته عرض و ارباب حجاب اولمینی غریب و درمی غریب
 و عاجزانه تحریر و سلطانک مجلس بهشت ایامی غریب
 رفع و ایصال اچولا توصیه اولمشدر رسیده نظر کعبه
 اثر یکنز اولدقده نمرای کوش چشم الثقات بیرون
 امیدوارم ساداته صد جدید هر ترشک نشریف
 مسند وزارت بهر دقلر نه ایکی نارنجک واقع
 اولوب لکنه با وقت کنه رایتی بولندوب با فرد عدم
 رغبتی احتمال مانع ارباب اولمشدری یوسفیک
 بنده و بریلوب لکنه تبلیغ و یا تفاضل احرای و قتل
 سلطانک رای عیله بنه قلیوب اولمشدر
 اولیا بهر احر قرمانه دولتشدر سلطانم هر ترشکدر
 جانب شهادت افتاده دوانه بهر و غریب
 او زره آتش را بهر بهشتگاه دولته یاز بهر
 ای لطف خدا و اثره کرد حرکت وی خطا کمال
 خاکبوس فلک ای اصف بهر عدیل آخر روم
 چکری بزمی شوق روی مال قدیم بنم و قتل

ای اصف بهر عدیل آخر روم
 ای اصف بهر عدیل آخر روم

ای ولی النعم اصفه عالم فطرات
 الوده کرد محلات
 اولدقده نمرای کوش چشم الثقات بیرون
 امیدوارم ساداته صد جدید هر ترشک نشریف

خاک باد خیزه هوش و بخش غفلت خاک قدم کثرت باران
عرضه ناله داعی هوشیار پریشان گفتار که بزم خود
افندم لطف خضر نوری روز قدم اسیران اصیل نرینه یونان
سارکنده لری فرقه باران فیض خاک مویتل نرینه یونان
مردنری اوزده ریزان اولان عطیه امتعه گرانیه پاک
اولا بای دفتر خوش منظر نرینه محور اولان اسای
فاطر بکسند لذت صرف نظر منفرد سنده قطع
نظر نرینه خوش فاش نرینه شمع نرینه نرینه
ولمانه رسته سینه لری اولان نرینه نور شمع نرینه ریزه
انیمکی خناینده اوزده چند سطر دلشای عادات بالای
پیش منامنده خط کتبت خنینه دارا دکن اعتقاد
اعراض نظره غفلت اولمنشایدی اماینه غلبه صدق اولان
انظمام غیرت الهی بر فاع کونر نرینه نرینه نرینه
حرفه اما نه نظر اقتضای موجب اولریش خار
کلسنه خروقتن اطارد لایر نگاه اولننده منوم
عنایت ملزمنه هر نقطه ششم سهارستانه مکرمیت
و هر کده سیم شاف سیم نرینه کتبت حریف خنیت ولی لغت
اصف نامنریت اولریش شهود چشم طلاع اولننده
بغندنه نرینه شکر شرم و نرینه ریزه ریزه ریزه

و درین

درین مجلث و ممرت ایکسر بر منبده خواران ایدرک
قلم مثال سجاد و ورق اوزده مالش پیشانی دعا به
مهاذرت اولمنشایدی نرینه دست بر سگری اولان اول
نورق باران عالیه خواران اولان نرینه نرینه
میان چشم و دماند محو رسم خط غنیه ایدرک
حریت لری نرینه بالغ اولننده در جنان الهی یکانه کوه
امکان اولان و جود و عیش نرینه نرینه نرینه
حفظ و رج افرو دامن ایدرک صفا که قدر شمس
ولایق نواز لوی صحیفه سنده کندی قلم مکر نرینه
کینه قدر نرینه و اهل بر و لکن میران نرینه کوی مسافرت
دست امثال نرینه ریزه ریزه ریزه ریزه
بر وجهله عا و صحیفه مدح نرینه نرینه نرینه
ایده جکده سحر حیرت اولننده ریزه نرینه
و الحف کماله که کجده نرینه نرینه نرینه
از لیه ایدرک دولت نرینه نرینه نرینه
رضای فاطر و اشیه سنده نرینه نرینه
سدا با خلاصه ارزوی ایدرک نرینه نرینه

بیدار باده عطیه عبیده نک رسم کمال گزیده
 فضل کنده فلم مبارک کنده برگ نهاده در دست
 تعبیر باده خاک را کن هر افتخار نه اسانه بر نه
 بیدار بیدار کن ادای شکر می حوصله طاقت
 بشیر نه بیدار نه و طرد و حروف کنجایش مرید
 افزون نه ربه تعبیر عبیر اید و گز قلم زربه ایله
 ارایش کنایه طاق فلک و دعای عروج و شکر و بیاض
 زرافت نه اوراد ملک قلعه درجه سنده در
 بالاتر در جناب حق وجود نازینک بیدار و ام
 انشور **م** عزایک رجه سالم در و نیک شاد کام
 انشور **م** بر معاضه متواضعانه دشته سالک اکثر
 حق بود که مقرر امانه و بنوی و اخروی و منتهی برگاه
 صوری و معنوی اولی و افضا کرده محققانه احباب
 قلوبید رو بوجه نه بلندی جاه منزلت و علو آن
 رفعتله بیکونه سلک در و پشانه و منزلت بیوجود
 نشوز نفس شریف بیدار حق بر مقتضای حق الاله
 مشایخ عصر و نه بیدار صدوری نا محتمله رخصت
 علیه از زالی بیدار رسد ذات عید المناکثره انجم

الناک

انشور **م** بیدار بیدار و اولاد اولاد نه نه
 خجسته بیدار اولاد بیدار بیدار و خور خور
 عبیر نه بیدار و نه بیدار و طاق خاخره تعلیق
 اولاد نه بیدار و در ابتدا و در و دنده بودا
 بیدار نه شکر غلبه غفلت حقیقت امره ربه
 و فوف اولاد نه بیدار نه لازمه شکر و دعا
 کز بیدار ابتدا تعبیر اولاد نه بیدار نه طاق نفس بنفس
 غرق لجه شرم حجاب و گرفتار اسباب اتصال
 و اضطراب اولاد نه بیدار بیدار نه تعبیر در
 رجای عفو احسان و سید قوی و واسطه شنبه
 عوالم خیل و تفکر ده لغفص اولاد نه بیدار نه ایله
 زمبندلی و افتابک سهاد نه و عزم شرم نیک
 نه عاصیده اعتذار زمتایه و رقیبانه التماس
 لرنه اولاد نه بیدار نه اعتذار غنایت امیر لرنه
 غیره دست رس ممکنه دکل بوضعه سنی
 نه بیدار نه ایله الله غنی **م** قد رتبه نه افته نه ایلی باها
 سنی **م** تا ابد دایره که او غرامید دیر

رشته دولت غارت اوله پیوند
اشیا عید ده منظر عظیمه لری نه بنیاد
ای بهمن کوه سلک وزیرا نشی جامه خلق نکو
ایسون عید کی هم سعید اوله س دولت امرانو
ایرس اول سنه نک عید نکم کورس بیسی
القدر سنه دو بنم دولتی والی انعم اندم سلطنت
حضرتی جناب الهی کوه کینه فضل و کمال اولان
ذات کریم لری محظوظه و قایه الارض عنایت ابله
ایله صیغه بناده اولان عظمی داعیلری تحریر نه
صکوه عطیه کریم لری واصل و نازل اولوب
داعیلرینه قوت قوت غرق کجه شرم و احسان
بیر مشرود عای غرور و قیاس تقدیم جلد امور
قلنج التزای ارونه میرد خاتنه بنده کیه سرایت
ایله یکی خدایه عباد جناب حق بهت باب
سعادته به مشتمل سرات دعا گو یایه ابله ایامه
وزیر حود و نه ملایه قوت عالم جامه تبارک و تعالی
واقع اولمغله پیشگاه و نعلین بر قاجار
دلارا ابله عرض آنها ساقیه یازم شد

وزیر سلک خوشدل ارپشت که پیر خرد ایلش از فرزند
علی اتم اول اصنف پان دل کم تشا سید
ریرانه اید رفاه قند پسند ایلوب د وادوب
سلوک کوه ترازوی صهرینه ابتد پیوند سلمه لری
چراغ ابله کوه اولوب تان اصفینه خرسند
چمنه ارجاه نهال وجود ابله حضرت
حق بهت برده مندر اوله شمه جلد دش
پای برج کلتاه اقبال جا هنده کلخند
زبان دمانه زمانه دیری یارخ دعا ابله بالی وزیر خردمند
شعر مود الیه امید منسوب الیه عظمی
پیام خرد لطف کن و کوش امید قبا ی و کوش
بتشیر بسنه دوش امید نظیره اولمه فلم ندر
ملوفانه نفس بنفش خوارانه اتمه خردش امید
اور رسینه اراده ساحل یاسه بر ایکی کورن دفر
لبان لمر سه جوش امید و مادوم اولمه کورانه خبله
نیز نه سنه یاس جامه پدش امید قدر اکر دبی
جوق کوه سفند اناسم رمید ابله نه نابا خوش امید

خاکپای کپای سیمای ولی النعمه هذا رثتم جلیب
 مالش جیبی نیازمندی زبیشه عرصه و است
 بنده گستاخ بود که مناع صبر به ایدر هر صدای
 تلاش خاطر امید واری بر بیلور ز مصداق غنیمت و غنیمت
 و سوسه اشتغال دامنگیر و لطفی گستاخ و غنیمت
 و ضحالی اجترالدندی نصیم مناکره بیرون نل نل مناک
 وافع و لطف بهر کفایت حال پریشا غنیمت بانگزار
 استخبار بیدر لطف اصنام و اردو جای بخیر حدیث
 اولمیرب ترک ادب منقول سیر اولمیرب معلوم بنده کبر
 لکن اگر بوشب روی ماه مجلس و الایه رخصت
 علیه ارزانی بیدر لطف عرصه فطره فرمان
 منامنده بیدر و رفیقه جزئی اوزرد قلم مبارک کلام
 لطف لا و نمدت بر لطفی اشارت بیدر لطف نسکبه
 اضطرار اردو محو بنده کبر عنایت بیدر لطف
 العارف نیکه الاشاره مدلوله اوزره نسکبه
 و راحت کسب اولمیرب معلوم عالیه بیدر امر مراد
 اصف بیدر لطف و نیت و نیت و نیت و نیت
 صحبت سنگ ای اصف پاکینه خصال

اولمیرب حرم به نیت و ایمه اشتغال بود
 بودم کذا را غنیمت بودم خصا صک طوفان
 خالی اولمیرب و این غنیمت خصال خاکپای
 ولی النعمه عرصه داشته داعی گستاخ
 بودم کذا و این غنیمت نوافل زوار اجماع
 نواری ایتدیک بنده کاه محضه دوسری
 و پروانه کاه النوار التفات اولمیرب بچاره
 س معده و با صبر به موجب اضطرار او شد
 اگر ارایش انجمن صحبت و غنیمت و خلوت
 خاصه و نه فقر بیدر و نیت و نیت و نیت
 نیت و نیت و نیت و نیت و نیت و نیت
 مرقوم است انحصالی غدا بیدر و حانیه بیدر
 شتاب احم مالدر امر غنیمت و نیت و نیت
 بود و نیت و نیت و نیت و نیت و نیت و نیت
 غبار قدم ولی النعمه مالیش بیدر نیت و نیت
 زیننده عرصه داشته بنده خاص داعی بود که
 بنم سوار نکوا و علم سلطه افندی فقر تری

ادا کا قواعد سوم و دو و یاد شد که اینها را در ده روز
 بود که وطنه اولان را ملاقات داشت و در آن روز
 ابوالفضل صلوات الله علیه بهشت برین رسید
 هنگام خروج جلوسه ابتداء وضع جفت و زراعت
 بپدر و قلدی توانگر نام فریاد اصرار می نمودند که بر خیز
 مخصوصه ده درک اولان بعد از این نه طبع اولمیش
 بنفوس در تم برادر بختیبه کابرایکی دقیقه ارسا
 اینها که دولت اقامه مکن مطمح میگردیدند و پاد
 معهود بسیار سنده طبع احوال و حضور شریف
 کوندر لری شفا کمال و برگشت محض ابر یکی
 که اراجوب و بلبل حرم بود و اهل بیست
 معروف و مشهور در خاک غزلینه عرض می نمودند
 این طبع ابتداء بر سر رای جناب کنگر که رستم غرور
 او غلم خاطر و نه کتم کل حاشیه کتیر او بود
 هم ما معجز خلیفه و هم ایوب بنی صلوات
 الله علی نبی و علیما شفا یاب اولدیو جانک اعلال
سلطان علی پادشاه سزایه تاریخ در

حضرت اصفیه بیست و دو و عبدل
 کایمیش و ضیاعه دانته عصر
 واحد الوقت او وزیر مکتب
 که وجود یله مبارک در عصر
 یاندر کایمیش که سیر چفته
 و بدو جایز که صلوات الله علیه
 فکر تا سخن ابد رکنه نای
 جانب حق در ابر و ب موجب نصر
 دفع ایدوب دست و پاشدیدی
 علی پادشاه مبارک اوله عصر
بر قاجار تصویر اراءت او در قمر و ارباب
 بنم غرور او غلم خزینه دار اغا خضر توری بعد از غایت کمره
 گزیده و قلد افند کمره تصویر لری الیتر بهر ریش
 کتیر بهر یا خود کوندر سزایه تصویر اولمیش
 اگر چه صورت بپروم متا پسند اولدیو غرور
 ناشی بر دود اخل اولوب بیده کتوریک فهم اولور
 اما صراحه استلال اولمیش جارت اولمیش مدینه

ارسال اولی در روز شنبه نوزدهم و در کمال غایت
اولی در صورت خدمت و عالی مرتبه و عالی
اوست ابو الحسین ایل ایل ابو الحسین

غیر مکرر اولی در علم جامع ستور و میر خضر تری
تأدای عقیقه بزم ابو الحسین ایل خاکهای اصفی
وست او بر ناهیه خاک و غلظت لب و ناز و نیش
ایری صریح قبوله جاکیم بر بلبل و غرض نیلغیری
ما مولد و فضا را غلظت اولی لظم و ابیات
نقشه نسبت لفظ خط مهر عتک تا نسی
کلنه نسبت صورت چلی کجرا اولی و صبیح
اولی را دیک کجرا بندر بندر و سود پر نشانه

اولی استخوان و غیره اولی منزه
تبیض اولی و رفته نک بر صورت
بزم مجموعه قید ایل و
بهر مکن مرصود

بزم و ایل ایل ایل ایل

بزم و اولی علم جامع و ایل خضر تری ادا

لازم

لازم و ایل ایل ایل ایل ایل ایل ایل ایل
مجموعه قید ایل ایل ایل ایل ایل ایل ایل
بزم و ایل ایل ایل ایل ایل ایل ایل ایل
کجرا اولی ایل ایل ایل ایل ایل ایل ایل
و ایل ایل ایل ایل ایل ایل ایل ایل
ایستراق کبیت حال و بوی پر کجرا ایل ایل و غده غده
بزی تخلیه جاکیم و کجرا ایل ایل ایل ایل ایل
داشت انظار از باقی غت افزون مار

بود و غلظت ایل ایل ایل

تأدای عقیقه بزم ابو الحسین

بزم و اولی علم جامع ایل ایل ایل ایل ایل
خضر تری لازم ایل ایل ایل ایل ایل ایل
ضمینه انهای کجرا ایل ایل ایل ایل ایل
عالیجا و غلظت ایل ایل ایل ایل ایل
کشیده سکت نیاز اولی ایل ایل ایل ایل
الحاق ایل ایل ایل ایل ایل ایل ایل
لکته مرقع مناسبه کجرا ایل ایل ایل ایل

مقدمت و وصوله لازم کلیله ماکه غزیه اریک اولدی ایام
بوقصر کتقدار بیت و سواولر یوزانما
 بنم رفعتلو مکر منکر نور ویدم اغای کریم الخصاله
 قواعدا کرام احترام اوزره مبانجیات مطبوعه
 افوضا مندر برداشته پیری بود که دوله
 اصف بلند جناب افند مکرن برافراخته معمار مندر
 اولان قصیر حدید بیدر کتکنا بلرینه چند بیت
 ایله مدحیکه نکارتارا اولی قدمت واجبه عز اولوب
 لکن محل کنجالبش ابیات غریبه اولر یوز معلوم اولممنده
 زمینی دلشیاک قیاح بینک سوسرینه
 اشارت بیور ملری عروج و ریاضی ایام

بوده تکرر حضرت اصفیه

غزلو اولم خزینه دارا غایب کلام خاکپای اصفیه
 بومفتول اصفیه مدیه ارشاد الوعاسو، ادب اولر یوز
 ظاهر در امانام شهر یاری خانه افتاب ایله سطور
 اولر یوز غزلو سزای چشم الثقات اولن احتمال
 مودی جبارت اولدی بلن بیدر دمه ملاطبه و مخ

بیم کینه کیندر مشرنگه بر سید ربانی الهی
اشعار و الالمیو بکون نوبته و ریور
 بنم غزلو اولم خزینه دارا غایب کلام اولممنده
 حضرت غیری چند روز مقدم بود اعیلرینه بر ماده نک
 بخیرات رت بیور ملری بر قیاح کوندر نه بری افاده
 فلتمند لکنه طرف اشتر فلرینه اشارت منتطع
 اولممنده عدم مساعده خراج کویملرینه حمل ضمنده
 ظهور رابده نوسه اعیلرینه بیتوار انبکله
 مزاج عالیله یانه کینیت اوزره اولر یوز ک
 بنم غزلو ال یوز کزایله افاده بیور ملر یوز کزایله

دی اللمیو ویر یوز بار کیمر حیا بکون تکرر

بنم غزلو کلام دارا غایب کلام اولممنده
 جناب افند بخر حضرت غیری اللمیو ایلمیه بود اعیلرینه
 بار کیمر احسانینده خاکدنه رفع بیور مشرک ابلو اعیلرینه
 انداخته خاک ایدیه یک ضمیمه انور لرینه دغدغه عارض
 اولر یوز معده ما اشعار بیور مشرک ایدیه انور کلام انور
 نوبته و الثقات غیری بود اعیلرینه ایدیه اشارت قوت بارو

اینکه ضلعه خیره در محضه را یکی بر یکدیگر می کشند
احتمالاً در دور آنکه سبب اولوب رخت و لبها
که اندر روز مکرر بسا که چرخ آلوده فیه این که قرار
ایستد و بدو اما نه زمینه انداخته این جای که در
نزد رانده خال و کله واقف ساره چه و بیایه بر کشته
بر رخت و بر اگر احتیاج فرستد در رگها بر و باقی
کشته و ناهموار در اندر کجول محتاج کون اولمق باشد
لطیفه نه چشمدانست لوقه در کنی لطیفه نه
گستاخی ابدی به غفلت لری الهی اولمق را
اول بهر نیمه شیمی فراموشی بیماری اولمق
خود را طب رجاسته شفا خانه کرم
استدعا سیافنده در حال
گوشه دانه والی النبی بالش چهره در دست
الوده بیمارانه اید مهرنگ سازه بهار قلند نوسبانه
عوضه داشته داعی نالذامری بود که تخمونه فرمونه
عظمت نری وارد اولمق غزال نوزده شبانه
واصل عید خیرس اولمق سلطانک شوق و النشانی

پراغ

پراغ لیست مورده فاضله روغ تازده اینمکه امثال
للهم العالی شکسته بسنه چند مقال به مثاله بشکاه
سعادته مهبال و ضحاک قلند ریم و ضلعه افندم
حال الفخ و تنفخ عارض اولوب قریباً الناس
حیاتم کشمکش سرپیچی یاس امید ده کدر اینمکه در
بوغرقه فنا نه بر و فواصل ساحل نجات اوله جفم
ابعد احتمال در بر ایکی طبیب حاذق شبانه روز
دائره پسته غریبانه دور اولمق عیالین الملتام
تبدیل است مشتقانه اهتمام اید لرزه و زرق
منه رونه و فیه و اجرب سازه حیاتنه بر مرت
دوامه جلوه الطاف ضعیفه الهیه و نه بعد رکله رکنه
ادیل بر ایکی طبیب دلسوز و فله بولش و عا جگر
وسیع افتد ارنده خارج اولمق مرصده سلطه ضروری
طرفه نه حکم پیش افندی دعا جگر اشارت در و نهمه
موفد اولمق کشتا فانه رضاه جبارت اولمق
اوشا حسنه سربلک آخرت حق حلال انوره
دلسوز و ارضه رفیع غنا و النفع السؤل آخرت

اولی محمدر لایق سوخته روح الهی ابدی است
 توحید در دین و بیرونش در امور دنیوی
 هر چه در منظرش نظر آید و در عالمش
 فی الواقع دولت و غنای بی غریب
 بر عافیت و کون و مک و واقع
 او غنی و غنی و غنی و غنی
 رحمت کند علیه

چون روح کین تابی در لجه تواند
 از تنگی و بنارست در دهر درآمد
 تحقیق شناسا معنی غیبش بود
 کدینه بنارنج تابی محض درآمد
 صادق افندی مستقر ایستاده و بارش
 صحرای تنگ قبله احباب امان او نشسته و رفیع
 پسته لب نظیم ابدی هر چه در کجایه قلندر سیاقند
 برداشته داعی قدیمی بود که بنم عیش و انجم
 جناب برانده ملک ملکوت ذات و ضایل سرشیر
 همدان ارایش صد عظیم القدر فتوح ابدی و

سایه اول مبتدیان در ممالک مسایل اندوه
 در راجحه محله جاذبه استعداده و ذات
 محسوسه قاجار مشبخت اسرار و رونق افزای
 تشریف اولی قدری اواز و سماع افاتی بر طنین
 ایدوب خصرها بود داعی دل بسته لریه رسید
 اعلای طینات اینها ج ایل شد جناب الهی
 مبارک مسعود ایلین بر رویه دلخوار کامرو
 اولی میسر ایلید بودند اسب غلبه مکارم ذایتند
 ناخوش بود داعی قدیمی له القنات فاعه علیه و محاطه
 کرامتری ایل بر افراز بیرون دلیله اوقات حیات
 عنایت افندی یک دعای دو قدرتی صرف اوقات
 اولی در بودند اقدم ضراعت نامه فیرا غز اید خاک
 غزانه آنها اولمشیدی شیدی کلینک و عالمنا اعلای
 پیوسته قلندر شهر تیا فته جامع قدس بانه ران
 نقالی دولت علیه لریه در حوضه سرور روحانی اکتسب
 اولی در کس خفیه الطاف صورتیکه امید و از با
 بود غز و حسن الکتاب راجحه ابدی بود

سعد تنو عنایت نور با صوره اینها هم او علم سلطنت
حضرت نیک کناره پشتی عنایت کار لرینه دست
نیاز در دیش نه ایله وضع شکوفه دسته شادان
و خود انشته داعی لر بر که بنم مایه طراوت حدیث حیاتم
او علم سلطنت حضرت نری جناب حق نقوده اجزای اصنام
اولان طینت پاکیزه لر به الایش عبار اکر اکر
مصوره و کناره زیل اقبال لر به تعلق خار خاطر اکر
ما مود ایله ایله بود داعی ناتوانی اکر نه سر زده
ظهور اولان معاملات عنایتی بر وجهه فراموش
اولم یوب شبانه روز اولاد عیال لر ایل انعام داعی
عمر و دخیل اقدم اعدو بر اید یکی محاط علم خدای غفور
حضرت کرم کارس از ذات کرم سر شکر می و کر غایت
زایل ایلیم اکر به مقاطعه اقدم السداد طریق فیه
سبیل مال مساس استیفا و نه فاهمه اید یکی
محققه را ما بی الناس نهی دست فالق عنایت
ارباب مجله فیه کلرب میان جمعه بر سر نهی
دست فالق نو کی بلکه دست اولان فیه نه دور اکر

سعد تنو عنایت نور با صوره اینها هم او علم سلطنت
حضرت نیک کناره پشتی عنایت کار لرینه دست
نیاز در دیش نه ایله وضع شکوفه دسته شادان
و خود انشته داعی لر بر که بنم مایه طراوت حدیث حیاتم
او علم سلطنت حضرت نری جناب حق نقوده اجزای اصنام
اولان طینت پاکیزه لر به الایش عبار اکر اکر
مصوره و کناره زیل اقبال لر به تعلق خار خاطر اکر
ما مود ایله ایله بود داعی ناتوانی اکر نه سر زده
ظهور اولان معاملات عنایتی بر وجهه فراموش
اولم یوب شبانه روز اولاد عیال لر ایل انعام داعی
عمر و دخیل اقدم اعدو بر اید یکی محاط علم خدای غفور
حضرت کرم کارس از ذات کرم سر شکر می و کر غایت
زایل ایلیم اکر به مقاطعه اقدم السداد طریق فیه
سبیل مال مساس استیفا و نه فاهمه اید یکی
محققه را ما بی الناس نهی دست فالق عنایت
ارباب مجله فیه کلرب میان جمعه بر سر نهی
دست فالق نو کی بلکه دست اولان فیه نه دور اکر

موانع رفعت اولان نادری ساد منظر تکریمه لفظیات و افیه
و تکریمات کافیه مفروم دست او بزد دعوات مقبوله
وره اور دکیمات مشموله تشاری لازمه پرسیش
خاطر ناز کتر لری ایلد تمهید اولغی سباقنده برداشته
نماوردی بودر که کجه پیچیده و تعالی اجرای پرست
تو کسب وجود خلق برانده و فراموز نبیره ازده بنده کسل
عاقبت اولوب تو بنو جناب کتر کن اداره اوراق حماده
اخلاق لری ایلد خامه زیبا غر حاشیه توبیس دعا و ثنا
ابدیکی علامه دقیقه و فائز ناپدید در بنم نور
دیدم نمیکه سانی استیجالدنه ناشی بود دفعه
دو تکر اصف عجبانه و صاحبخانه زمانه خضر شیرینک
خاک غنیمت نه محض صبر و عاناه کثر بر نه امکانه اولمکه نبینه
اعنذاره جناب کریمکر تو کیم اولمشد لطف حرور
بیور و ب تفسیر زری تفسیر و تریم بیور لحن و جا اولمده
قریب و بعید خدمت دعا لمر نه تفسیر اولمده لفرضایه
عیانده رخص صبر و اولمده حق دعا نامه مفروم امیه
وار اولمده خالیه اچکر هم رایک لمعه نه عا اولمده جز

حق

محقق اولیاده تغییرات طبعکارانه تحریری موجب
شترم حجاب اولیاده جناب من جمیع امور لریزه
ظهور و بالجملة اولاد اتباع علییه دستگیر لری اولیاده
مفادات نابیه نه براتش در که ذکر او نور
سدر نور فضیلتش در و نور نور و یم افندی
او غلم در نور نیک نادی رفیع سما و انجم منبع
بهشت نما لریزه انجذاب متشوقانه و ارتباط منشانه
ایده انکار آید در دعوات کس پیچیده انها لریزه
نجات کس ندیده اید لریزه پیر کسش خاطر
ایستاد ثمتا لریزه انعام و اکمال دهنده صکرده
بود که بران مسرت او انده انان بر اعره بشکباری
و مفاد و رنگی تغییر دلارا لریزه و روی بادبان
سفید زنت طاسحاب کشته از البساط اولیاده
فصلها شربت شفا بخش لریزه الطعم حرارت
روالری بهم شکره صلا زاده عصا ره عینیدر هم شکره
حرام زاده کسند نه افروز ایضا کشته انشراح
و مسند بیانه ایتمام ایلمند جناب حق اسوده حال

مَشَقَّة

مهربان اولان مدد و شکر بر نهاد امیر بکری صحاب

اماله جاری و کشف پای سعید کرد و رای استقامت اقباله متوالی

درد و شک زاده به نکر و
حقیقه فضل و افلا اولان ناد و الای شکوفه تن
ایشاری سبب فتنه فرستاده نکریمانه لری اولان
ایکی پیاویده نواز رسیده طرح قبول اولمش در
حضرت که فوز بجعلیس و اصل بهار زندگانی ایلیم
بوهدیه بهیته لری و سینه اشراخ در دن اولین
کی بیله من بیازده نهفته اولان شید
خوشنمای شکوفه و فوز نور شیشه ظاهر
اولین بهنگامه طی مشام اشام
اوله صوفی محققه راقی غر

مشایخ و ائمه باقی پادشاه و بزرگان امر و حاکمان

غیر حضرت و غلام جامع نذر و بدیم رفیع افندی
حضرت لری حضرت معارفه علی ناکته گریه موافق سلام
فخر و شیشه شکر نکره مصداق ثنائی خورشید شوق
نمایان و صفت برکش غلام آینه صفتی نادیده

انها کرده بودی بود که بوند نه افندم هنوز استانه ده
انها شکر آینه سنده و در و نیت گنواصل اولوب
مطایق نیت آینه استقام اولن نه رانی سوز
کندازی و اخلاص نکر انکاسیر بودید نکر نکر
انجری وجود افند و نیراله محبت جدید ایلندر
میر اوله نکر جناب محول الاحوال احسن و جود اوزره
تیسیر تلافی ایلد اب باش کالند نه بهر نه اولن استعا
سند و نکر جناب حق سعاد و نکر صفا کامکار
افند و نکر نکر نکر نکر نکر نکر نکر نکر نکر نکر
شبه و شایان و نکر نکر نکر نکر نکر نکر نکر نکر
ایلیه امیه لری نکر نکر نکر نکر نکر نکر نکر نکر
واصل اولدی عمر لری نکر نکر نکر نکر نکر نکر نکر نکر
لیوق اما عبد الرحمن کی سنگ خار ادره شئی
خصی شهنشاهه مسطور اولن آهس قلعه
پرویز نکر دبی جابن زحمه افراستاب
نکر نکر نکر نکر نکر نکر نکر نکر نکر نکر

شاید امیر

جناب حق حصول میرا بیه اگر چه حسن آفاق
نسبت منایم کوریندر اما صغیرتر از دروازه انکس
مشترک بولندی هله تو تو غر که که صفیاد فی آورده
کینه تصرف اینک لوی استیاده نه عالی و کلمه
بنم سوار تو او علم و فضل و صف بینه جناب اقصی
خاکستر نبرته بر موجب تقد و تقاضای
اخلاص بر نهینه نام انشا و ارسک اولمش
منظور دیده التنا نری ادمی امید اولمور
بحکم بر لوانه دکت بر وزیر عیثانک جریده
مناقب جلیده لری نگاشته اولدی تو بوفیری
جناب حق بر خدمتده استیخاج ابلدیکی جای
هزار شکر و سپاسد بر بنم سوار تو او علم
الدنیا الی موایلیه سوار تو پست افندی خردیش
اولمه حجت التنا انکرام علم که استانه نه
دور اولدنه بر دبر کینه دهم مختصر مشاری
کدر لمتد جنتر استانه دهم ظهور ایدنه معامله
غیر تکش نه بد جمله خربک لغیر علی اولدی تو خردمور

الکجه الی انصاف و بره حلیه ایکنه بنمورده جوب
ایده و انصاف الفی بکدر ایدنه منافعت
حق یوزس سباه ایلیه بینه کینه و لره
منافقتی شصته صابونه انصاف بهر دیر
حقورده ظهور ایدنه معامله قدرست ناسخ الی
عنا یتری بر وجه انکار اولمور فرض فقیر
انکار ایلسم خلق تکذیب ایدر لر علم خوشم
طمعکارانه دکل بیان حقیقته زیر اطلع شفا
پسندی وادی پست طمع نمنزل لوی بر یکینه
مخربیه اولمور لوی مملو ملر بر نه انکه بنمور لوی
وزارت غیر صاعد و ایراد لری اجرای مافی الخ
همته ناساعد ایکنه بینه سخی او کرملری خزعه
امید حظه باران اولمور بود فو خاطر خواص جناب
دو لجنو یانه اطاره طایر احمیت و احسنه لری بکن
دستگاه مکتب میرا و لمتد بهر طایفه ایدنه
اولدنه افزونه شایه بار لطف کرم پروانه
کلمت اولمور کرم دیده کانه کاهی دفنانه امید

و در شمس اولی سعاد و نور و بیس افندی او غلامی که به دست
 ریاست نرفته توجیه افندی برونه حاکم و بیس و بیس
 فکر ابر و حکایت بر قالدی همان بعد از به دو که صاحب
 مصروف اید رس و بوی و فکری کلمات شکسته
 ریزانک مناسکینه کنه یلر جاننده امید انجمن او
 زیرا انصاف بود که جناب عیله ریزه او نه بهت
 و غیرت ساینده مشاوه اولنمرد الله و ایم ایلدیه
 اندر کن ربه و زار و وصوله ندر حاکم و غدره تقبش
 در و غدره بیرون اولوب قریب و بعید بزم حضرت
 واصل اولم و او حاله را نه شصت قریب استاده
 خاک برینه ملاقات اولنور حلیه نشر نیکر بزله
 بر ایکی سینه در کنده لطفی مدار معیتم اولوب
 استانه جاننده ظاهر ایدنه و کنه مرگ تحریک
 نشر نینک شمس سید رستم او غلام بوجله پای
 قلم منشی اولدیر محله اگر تحریر اینه بکثر بکثر
 در صدر پاشا حضرت نیک طرف نشر نیکر بینه
 و لیرانه علانیه بر مندر استم کونه کلمات تحریر اتسکیز

وزیر

و در بیست و نهم رابعه حضرت غایت خطا ایدر کردی کله
 نفس الامرا کامتا و اولنور غدره فعتلر بینه کلمات
 و فوج بیانه فهم اولمید سرفکده بومنا بویله سر
 زده ایلدیکه بی نه کشته و اولنور اصغ عالینجیب
 غدره نیک طیرانه همان احسانری محقق در
 انجی ترسایک که هنوز بیضه اندیش ده نیکر محض
 مرتبه سینه فایز اولمفده اول دیوانه بیایدک
 سنک نفاذت کسته بال و بری کسته اولنور غلام
 دیوانه بیاید بلکه ضیعت مادر زاده بیس جیل
 ساز موافق مکر و ارجنوم فتنه انگیزه سفینه
 ملعنست جبره دروغ بویا بر زده شمس نیمه صری
 کنده و اسن ذاتم ولی نعمت خود کام تحقیقت
 بیوفای عالم و فاختلاف گوهر زده خویش
 کام نمک بحرام بازین غلام کلام ابره وقت
 ابد الحیل افی الکذب جده غلر ذباب کاسه نمت
 کنده کرم لاشه نمت خیاره باروت فساد
 خمیره لاج عباد و دشمن خانی استنای بیکانه

نرسایک
فوزند

بیست و نهم
ارغوا و هم

کرم و نورانی را با سبک نمایی انعامی از خداوند
چشمه تنیر زبان کیمی اکیه سخت بشیرال مهره باز
جنابت منوره به ساز شطرنج ضیانت کامل المکر خدعه
نافه الوضو انگشت غمار شتاب مکیه است اسباب
صدیعت خلایب انداز افتر اختلاش که ریاد و بر از آینه
فانده ان عصمت دیوار که کارگاه غنیمت گنج و بیش
در است نمانده باز شنبه سر اول معدلات واسطه
مبادلات به خواه خیر خوا ماه پاکیزه و سنجیده زرد
مناع موثرت رهزل کاروان الفت کدوب کسبی
حد و صبی و سواس این فتنه کفاسی بر کواس
رؤس نژاد منجوس نهاد قترای شقاق معنار اسیر کیمی
فرصت خورشید سینه ستامت لطف سینه شرو در رخت
پیا له شرو و شرو زنبور کن ساعت شیطنت
لیفه دوات ملعت اسیر کلر صرجه شکم فرصت
بیمه دنیا و دوروم کینگر عیوب دست انداز جیب
وارث شهادت زور و می خفیات شرو و ابریز زیر
گاه منافع کینه کناه ظلم بند غفو باز افسو کوان

بند

حاکم

سختی و محنت غنای حاصل حقوق بداه
ضیاع نیاز صمد و املاک فدایت بهمانه جوی طنبه
العلم ایه شکر پر شکایت ندیم پر حکایت
دولت قدر به وفا جرح قدر غدار بهمانه قدر منته
افتر قدر بی نبض قدر غماز سر نشسته قدر زبان
در از سهیل قدر خانه پردار مرض قدر زربا یگار
صداع قدر مردم از از لب قدر مکتب قبض قدر
نمکت حرارت قدر راحت فرساید دوت
قدر رعشه فرما طیب سکانت دل چاوش را
معا انعام او غلم پای قلم بدو حله رسیده او بجنوع
باری کنده بلغم فیه صفوی نانه نمکی بزرده بیلم
دیو دست النفاق دامینگر خانه طرفه حرکات
اولد یغنده غنیمت شخص مرقوم لاسهک بو القاب
طرفه نظام استحقاقی در عالم نرا اولمغی بهیم بار قدرم
غم خوار دیر بهیم علی اغاناک بنه بعض حربه خلوص بو گونه
صرف نازکانه باری اولد یغنده فقیر دق بو کردش
ضیالده منت کسیر اولمشدر بهیمه شادی نور دیومر

غیر اولان سعاد تو پشافتی بکر که بکر بچش
 ایله سرفراز اولشکی اکا اطلال زبانه نشیخ
 شرط حودت نه دور اولیغند فضل انور ک
 واثنا علی نیک خاری بزه کل و زهری بکر
 منزله سنده در امرک اونی سنک در کامرین
 اعتراف ایله زعدوی جنة اولدیغور خایه عیانده
 برنده صکره بنم جانم علی عالمنا کی فدا انک
 بچه منصور در حضور شریف سلیمان زمانک
 سر باکند صفا و سلام و دعا غری ابدان وجود
 باغ صوص سلیمان زمانه کما تقاضای اهل
 ایله دعا اولور جناب حق قریب
 کند بیری کو جک ماثون ایله
 باقی بجای مهرست

در بیسی لقا به راجه امیری زمانه در

سعاد تو و دوتو بانور با صرة امیرم او غلم
 افندی حقیر نیک سنک رکاب اقبال لدرینه
 انبار افتخار ایله سنده عز کیش سینه بند

سعاد تو پشافتی بکر که بکر بچش
 کیمت نبدان نور و قلم فرسوده پا بوجده جولانکو
 ساحه آنها اولنور که بنم عین لور جنبه غلم
 حضرتی اشرف از مانده تمیقه عنبر افش کنگره
 میصوب طویل الطاف کز دین براسب بری کردار
 روحانی رفقا را هداسیده بوبیاده قطع حور
 خاکه نه رفع بیدیش من حضرت وایب الحرات
 مالک از نه کائنات جل شانه هوار د باره
 اقباله ریز ران و عنانه عنینگری پیوسته
 راه حبید دلبان امور حاجتمند ان ایله ایله
 حوش سمند ملایکه حسن افتاری اولنور ردل
 غافه شبوه باری نکاهی غمزه جانانه تجسس ابر
 حرام دل کشته دل ویرن گرفتاری خصم صا
 جکیده خانه شیرین چراغ منادی اوزره کنده
 از موده رکوب شرف مدحی بکر اولدیغور وقت
 علاوه نشاط اولوب غلبه منجات حقیقه
 منجانه دین ماثیه معامله تقدیم و تادیه رسم ایثار

ابو یوسف را توانی را بفض نکاو و افکار
 حکیم چاره ساز قصه ضمیمه یکنوی و ایما جلوه نگاه
 اهتزاز ایلیم تناسب اعضا و توافق سیماسی خود
 زنجیر خنجر بر ایلیم لغیه غایله سنده وارسته در
 ارغمانه کسه اولور صبه هل تصویر ی بوقه را بحق
 اولور حق بو که حسی سیماسی هر نعل آینه روی شنیده
 بنظر صبر پرویز و هر موی حرکات چشم کلکوله رستم
 بر سینه اولمقله شایانه رطره حور از گانه کار بختیر
 نازنا صبه غنیزه و کمر جوز بل کرمه سینه بند
 سیمی اولن ادنا او صافیدر بنظر نغمه الطاری
 ملک حیرانه رفتاری نوله و دوشه خرام آید که
 حیرت زبر بالا ی محاسن بیکلر صوری سنده قطع
 نظر نیاز کر مصری نژاد و هر صبح اندام
 جاریه محسنه بیمار آید که هر موی بند نه یکج صا
 بر فواد لغز صدفای نیکو اه منوله هزار ال
 معانی و فیه منساق اولمه در جناب کرم افکار
 کسی بر نور دین اعالی و امامه سیماسی امانی بر کوش

کفره

در روی سینه نشسته اندامی سیماسی سیماسی
 و لایزال در شهر انقلاهی اعتبار اوله جز جریب تدبیر
 خداداد بر طر اولمقله امثال سنده امتیاز ای کمال
 اعضای خوشنما سیماسی کوبا جمیع اجناس مخلوقک منجبت
 اعضا سنده ترکیب اولنوب جبهه سیماسی کیش
 مینادند و چشمی اهو صمدند و کورده و کیسوی
 حوران بهشته و سینه سیماسی سیماسی سیماسی
 خم خمر و ایندند و پست سر بر اسکنه رانند و دست
 و پا سیماسی سیماسی سیماسی سیماسی سیماسی
 نثار دند و بلکلی کاو زمیندن و دوی طاروس
 جسته و کاسه سیمی منجانه جسته و قوت
 نشیروند و پرستی پلنگه مرکب اولدیر اوقای
 دلائل و احکم بر ایلیم امضا کرده اصحاب
 نظره قاعده کلیه سیماسی عالم اوزره جمیع
 زمانه نوع هدا یا قیطر اطراف بلادند هرگز دایره
 جاه جلال استانه خلافت پناه آید و ایقاع
 جا بنه متوار داول کلکلیکنی کجده تعالی مباس

6

ذات کبر بکثر اول حق عده منافی بود و عجب این است
 رفتن کنون اهلای رخسار شوق و اختصار انوار
 نایل بهور و بیکر اعلای طبقات لشکر و افتخار
 جناب الهی و جو ذکر بکثری مصدر الرطاف الهی
 الحق شمدیکی حالت بی ثانی پیر عمره نسبت ایلیم زیر
 نانو اثر اوله حق قبول مقول سنگ صحیفه بیاض
 پیشانی بستره التانی من الرحمن و سواد خافره سنده
 العجله من الشریطه کلمات منشق بولیم زبونی بهر افره
 اوفق بر معنا و حکم تمام حاده مراده موافق
 حرکات معذله موفق بولیم سیم تمام مترابلیش
 و قایل از روی من و بخت اند منظره حایل کردن
 دلا را مع ابتدره هم شوق رکوبی بونا نوانه اراده حرام
 ابدوب همچون متراب تلخ بو کهای می پرست
 کر کوه هست بعالم و دبالت خاله او زره
 بر قانع کون اداره مسیره هواله اوله خیر اختصار
 بنم نور دیدم تکلف به طرف بو کوه بار کبر خورشاید
 نایل اوله بکثر سزک و فو معلوم کرد در جناب من اولاد

سر امیر اجماع و مستدام ایلیم ایامی و عو زید
 بود و فریاد **جناب الهی**
 حضرت نیک نادی دولت ناب و سعادت و سکا
 لفظیات شمله و بکثریات کامله ایلیم اتم دعوت
 اجابت پیوند و انحصار کلمات اصابت پسند
 زبانی ضمیمه معروض داعی و بکثری بر که بنم
 نور دیدم ایلیم اوضم خبر نوری نایل و رقه عید الرحمن
 اغا بعضی خصوصیت حضور اچول اوله بکثر
 اوله طرفه ارسا ایتش در انشای نالی خاک
 غزته رومال ایلیم بکثره نصیحه او زرنه من
 نظر عنایت اثر بکثر و دین بکثر میبشاید
 عالم اولان لطف کرم سوز بکثر صفت ظهوره
 کثر بکثر با بکثر لطف کرم جناب کرم ایشاک
 بود و فریاد **جناب الهی**
 حضرت نیک دید دولت دیده لری لفظیات
 ایلیم و دعای بقای دولتی کما بین شمیم
 قلنی خلا لکزه عرض داشت پیر ثاور لکزه که

حالا محافظه خط مشها اولان سعادتمند و زبیر
 حضرت علی کفر الوحد منزه اولان زلفه حسن و حسن
 علیا غافل منزه بر مؤدب و کامل بنده لرا اولوب
 کندی طلبیل اخراج و مرکز اصلیه سینه اعاده
 اولمغله انتم تعالی اعر از شرف و امنو بکیر
 ایله مستعد اولر قوه اوزر رنده حسن نظر
 اکبر اثر بکیر دروغ پیر رحمن بایند کرم جناب کدر

نسخه اولیه

حضرت بزرگ کفاره پیش تخته فصل عرفانیه هست
 اکرام ایله وضع شیشه پر شکوفه تشاو فتح
 نسخه خجسته دست دعا ضمنند لازمه
 پر کسش خاطر ناز کتر لری دیباچه رساله
 سوز کزار قلند قد صکره برداشته دل بسته
 صنادق قلم بر که اقتضای مکارم فطر بکری
 جانب حال ثنا و ربه محرک لب تخیض اولمغله
 بحمد سبحانه و تعالی نهال زین کاغذ اولان
 چو بیک وجود نزار آمد شد انقاس و رودایه

لیر

ایستاد بلیت مهر رغبتای حیات اولوب
 انش استباز قلم نه مانند دخت یگیه بیغوله
 نوله ارزوده سوزانه ابد بکمر بو برد و دانه
 شهود لیر بر منته ماضیه شهر بهایه نامزد
 نوبه اوله جنگیز رسید رسا مؤمنستان
 اولمغله روح سبکبار اماده استبقای
 اولمشکی کردش جریده تعذیر ایله حورشید
 ابد خجسته شامه مشرف اولمغله
 هیاهم دلفریب سابق مانده صبح کازب
 واسطه طاعت یاسا اوله نوبه تاثیر بخت سیاه
 بلغمشده تعذیر جیهیم بودیم تیر غم ویم تعذیر خدارا که
 توانر که بدر کرد اما ختام مدهت ابرائیک و سایل
 غفیه ابد وصاله انتاب سینه میایی دکلمر همه حال
 شطرنج غائبانه مجسکری بازیم سر افکشت حیا
 اولمغله اسهل و سبب ابد بر منزه ملاقا
 ترتیب درواستاد کارخانه صندک الطاف
 غفیه سینه مستبد دکلمر نامه رساله

اخلاص اهدایار شیخ معتمدی مولوی و تلمیذی مولوی
 رمانه و مکارم اصیل نوری شبانه روزی و در زمانه اداره
 اینکله به اخبار تنوره بنده سماغ خانه استنباف و کله
 پوشش سکه خانه انجمن ابلری اوله بنوعه جرحه دوا
 شاهد در مکارم و ایتلر نه بعد ایوم شریک بفرست
 هینده منوار اولان کار با نرفو اقل صبح و شام
 کبی و رقی مهر دهنه خالی اولمق چشم داشت مشتاقان روز
 همواره رونق افزای سجاد حکم ربانیه بهر بر بالبار

روز پنجشنبه یکم رجب ۱۲۸۲

بنم و ونوسه نورا و علم افندی خضر نوری واسطه
 تحریک فادمه اخلاص حاله سرچشمه علم بک بنده لری
 جانب اناطولی به کدز مرنده حلبه او غایوب چند روز
 افامنی حبیده مذاقانه اتفاق واقع اولمقین عقل
 وساد و حسن سلوک و استعدادی مشهور بهری
 اولدیفین غیری نمیفه خلصا غر خاک غریه اولان
 انشباب قریبید منکر انجا ذاتیکه کشیده صحیفه
 تحریر قلعه رواقه بر اصیل و منسوب اهل غرض بنده کز

اولوب کندی زیر لو اسنده اولان طایفه دهنه شمار
 اولمقین خضر نوری و عاقبت بهین و شایسته
 نظر اولمقین خضر نوری بنده لری اولمقین منظر
 نظر عنایت و حمایتی بیدرلق امر نه لطف احسان
 و عزت کرم دولتمرد و نوسه طایفه مصر تبریک

روز شنبه ۱۲۸۲

حضرت نیک نادی مکارم دستکاهی ریا جلی و عا
 و ثناء اید تعظیم قدسند و غرض داشته داعی اقبال لری که
 جناب مولف نسخ نگوی و ات معالیه نهاده و بگری بپوشه
 محمد طایفه از انکضا طایفه ایی بنم سلطنت رسیده
 نیاز مندی شیخ احمد کی افندی داعیلری کمال زهد و رعل
 محقق و اخلاق مرضیه اید متعلق حلوم ظاهر و باطنه
 بکانه عصر و صبح و تقویر فریه و مر داعیلر
 وضیعت شیخ مراد افندی حبیب و جبریه و افر
 افر و لری و علم باطنه و درازی داری بر وجود
 عزیز لری رانه شفا منظر تبریک کز اولدیده
 توفیق دلو صیفه فضایل و معالیه حکمر قاصد اولر

نظر معتمدی شیخ

طایفه ای منصف و تقوای مرتبه ای منکشف به ایشان
علم عمل و اعیلی اولوب خوانش صحت بخش
کننده واسطه اضطراب اولمینه دولت علیهم
جانبه شتاب ایدوب داعیگزول الهام
نامه نیازن تیرمدف اتمام ایدوب هر حرفی
اچون بگوته نیاز مدافعت انکیه نمیفه نیاز
تحریرنه اجتهاده عفوگزه اتکا اولندی جناب
الهی همی باب اقبالگری ملاز حاجتمندانه
ایده حصول ماقول ممکنه سعی و طیفه دعای نیایه

بیدارمونه وسیله کتاب
ثواب ایدیکنده شکرشبه بیدارمونه
مأقوله ربانی ایام لای

موقوفه به دارالعلم

حضرت نیک رشکی سازجوزلق و سربراولان
فرشادی خطیرلری ساحه سنده و ستمند
محفل نشینانه بالا اولمینه سر اولان شمانه
عنبر به نفسه دعا جایت انتا اهل کسی

حضرت نیک آهنگزده پندری والا پیر و لبر که نیم سوار
او علم آفندی حضرت نوری رفیع رسنه جاویده بینه کتر
و دلتور بیک حضرت نیک آهنگزده اینه عنده اولمینه مافوتا
صله رحم از روی ایدرومال خاکهای سوار نه پیر صینه
شتاب اولمشکله انشعافا و امپور دولت
مألوله لری اید مستعد اولدقده او زرین مس
نظر عنایت اثر لری بیدریغ بیدارمونه ماقولدر
کنندی بینه کتر و طاهره لری حاجت یوج
هم بزم و هم جناب نیک چوقه نفس
بیدارمونه ماقولدر علم ارا لبر
اولبا بده کرم جیب
کبر مکندر

موقوفه به دارالعلم

حضرت نیک آهنگزده پندری والا پیر و لبر که نیم سوار
او علم آفندی حضرت نوری رفیع رسنه جاویده بینه کتر
و دلتور بیک حضرت نیک آهنگزده اینه عنده اولمینه مافوتا
صله رحم از روی ایدرومال خاکهای سوار نه پیر صینه
شتاب اولمشکله انشعافا و امپور دولت
مألوله لری اید مستعد اولدقده او زرین مس
نظر عنایت اثر لری بیدریغ بیدارمونه ماقولدر
کنندی بینه کتر و طاهره لری حاجت یوج
هم بزم و هم جناب نیک چوقه نفس
بیدارمونه ماقولدر علم ارا لبر
اولبا بده کرم جیب
کبر مکندر

حضرت نیک آهنگزده پندری والا پیر و لبر که نیم سوار

برداشتند پدر پدر که فرستاده بود
عنه حکایتی و اصول خاطر مشتمل بر
طبقات نشاط اید و بدو عامی و دیگر مکرر

بود و رات به دور

حضرت سید بنسکاه معالی پناه پیر به اشرف
اکرمات و الطیب اعطایات اید و دعوات
متعذراته و کجیات مجبورانه انحاء ضمیمه نموده
روی به واقع نشمارانه عرض اقتضایه عرض
داشت محبت با خود که بنیم سوس تو او غلم خبیث
اعتذار رس فرنگه و اول تعلق کرده نظر التماس
المنق است عاکنده اولوب خاکپای سادته
رجال شنایان اولمیه جانب پدر دعا کسترده
خوابنده و شیفه شاعت اولمیه کور صبار
اولمیه غارغ امالی حاجتمندانه مایه ارش
اولمیه جو بیار غنا پندردن پرست بنیم قسطه
نوریه پورطن با بنده کرم جناب کریم انانکدر

بود و رات به دور

حضرت سید لب ادب اید چشم منور لری

حضرت سید لب ادب اید خاطر منور لری است
ز بنده منور و من داعی و دولتمبر پدر که بنیم او غلم جابم
المنه منور لری ذات کریم الرضا مکرر منحصه
غرضه منیم اید و بسا به عنایت لری مفارغ

دولت جو یاندن ز ایل ایل اشرف او فائده ملطف
عنایت اند و ز لری پیر لری بخش با بصیرة انتظار
ار لوب تباری و دعوات عمره و فکرم از امر افکار لری

بود و رات به دور

حضرت سید لری و الا جناب اقبال لری به شایان
اکرمات متناسبه و اجالات متناسبه اید و دعوات
اجابت اند و کجیات اصابت الودیشانه متعاقب
لازمه افتقار پس و فارگیری نادیه مع ضمیمه
عرضه داشتند قدیم بود که بنیم نور دیدم حضرت لری
باعث تحریک براءه خلوص جانی علما افان لری
قدیمه کلکبا نکش موکب اقبال لری و لطفه منوار
نظر الثنات پیر لری و دار حال بعض احواله
تمشیت امید به استانه دولت علیه جانیه مرجمند

وادیمی فولدیه ارک ایدوب بوداعی دوشیده
 دخی وسیله جوی نیکه شفاعت اولمقد شریطه
 اجیر اولندی عالم بزل انوار ایدوب اختاب
 عنایت همه پرور لور ندره حصه باب حرمانه بیزر لری
 اقرب استند شاعر در مرز یورینزه لری فالوف
 مخاطبه و مکاتبه کز اولمقد بنه فیض جلالی عنایت
 لریه معامل بیزر و س بودید رخا بشکر لور ندره محمد پور

بود و فرای اندیشه بود

حضرت لرنیک لب ادب ایله چشم منور لری پوس
 اولند قدر صکره غصه و شکت داعی قید بیزر که
 جناب نظام بخش حرکیات ماء طینه و جود
 معالی سر شکر به همواره مشکای غریبکی
 ابلیس سینه کرم انزله معارق اخلا دل زایل
 ایلمه ایلی بنم غیب شکر نور دیدم اقدی او غلم غیری
 بر اکی دفعه منافعیا بنار نامه شوق امید به
 تصدیق جرات اولمشیدی حالا نیکه رسنه
 دعا جوده و احمد قو کز لور طره کلک کرم متدما

شام بیزر ندره مبارزه سافو فر حسیله زیار نخانه
 بیزر ندره فارغ اولمیب حسن اخلا صده
 محنت اولکتر در محروم حصار پشانک
 شهرت نامه ایل زبان زده تحفه شتا سال
 غلبه ساله اولال برابوس دعاه جیو غنه
 محروم مشار الیه یا و کار اولم و جسیله بود بیزر
 ایدر ایدر مشلر ایدی واقعا نظیر نایاب اولم
 کرم کور در دیش بهاری نام برادر ستا چند
 ماهه زحمت و صول که کتور دکی محروم ندره مسعود
 تزییل احوال غیبه رسنه قو کز زنه زیاده
 معلوم بیزر لکن شهرت ذاتیه یا ذات شهرت
 غالب اولدین بود دعا جکر حکم این هم حتی کرا
 دو صکر اولمده ارک داعیه سیر خاطر فقیر نه
 سر زده طاعت کس ولا بیزر ولا بینه ایدر
 لایق و جناب سقا و تکریم لفظ نادانسته
 مرافق دوشمه ملک ملا خط سیر باعد خیمه دوشمه
 احمد عاقو کز او جیو غنک نبات وزوال ندره

پرسا اولد قده هندز آسوده سر مین لفظیم
اولد نفس کور بکات مدود و تلو زینس افندی حضرتی
بوند نه اعلامه دیه اولد شایه خط ایله ر و یو کول
فواد شوقری تحریک اتمکله ارساله جبارت
اولد کابویه ریکو و جده اندیشی ناجینه و رکنه جبار
حق بلکه درج قبول موفق ابله مای در سنه سوار

حضرت نیک ملا و حاج محمد الی عالم اولان نادکی حضرت علی
شایان تعظیبات متضرعان و بیکریات متواضعان
ایله رواج انگیز بازار روحانیله ادبی تحیات
تازه تعبیر متولدیم ابراهیم زینبند عرض داشت پیر خلد
برور لری بود که وسیده ایضا رقعہ استیضای حلب
بنا بر چشمی زاده عبدالحلیم افندی حق بود که جناب
کریم الشان لر نیک داعی بے اعتبار و ثنا کار جانبدار کی
زمره سندن اولوب حلبه کلر کمره آتامه برود و عای
دولتکزه اقدام اموری و زمره متداح و ثنا کر ملتزم
مشوری اولر بنندن غیبه کی قابلیت استعداد کی

و حسن طبیعت و دیرزادی مسلم اجماع و در محاسن
 بخت و دلش و لطافت انشای مینوی و اصل صیغه
 اسعد او در بوید ریخته شام حلیه اولان علقه
 اختصار خود و رای خیر و عقیده خاصه نظر اکبر
 پرور بگزیر جایه رم و نقد نظر کرده غنا بنگر او
 انباشته جناب کرم بخت و نظر عالی بگری اهل سخا
 تفقد نه اولیون شهر و دین تصور عدد و نفس
 کل در با جاس استفا سنده غنیه محله صرف
 اولنق و جویدار غنایه عذر و اقصای مین
 دار نر به سنده ماعد اشیه حواله اولنق پرتو
 اقیاب التفاته حیف اولنق جناب سوزنک
 و قتلان کرده طبیعت علیه را انباشته تعالی
 شمر فیاض بوس انا و فمضی نثار اولنق غنایه
 درگاه چیده سنده و اعیان کن و چراغ امید بخا
 بیدر می بایسته لطف کرم جناب کرم بکر

حکم مرشد معروضی اسفی و مرقف اسناد بر بنیاد فطرات

[illegible]

کامل و تکریمات شامله اید رفیع و عظیمه و عاصمه بود و است
 داعی و پیرین لبریه که به شمس نور او غلم افندی حضرت علی
 خطه طبره منیم سجاده شریفیت اولاد احرار افندی ماولو
 با حرمه کتارم حکم کبرای اخیری اولمش در حضرت
 باری جناب ساد و عمر طویل احسن ابدیه لکمه مرحوم و دینه
 نایح صور به ابتلا سم کی اراض عذیره به مبتدا اولمینی
 کلید یکی کونته بوی فراش ناتوانیده سر بر آورده اولی
 میسر اولمیبوب تبهیر ادای دین و کل تبهیر لجاج بر نه
 بدو قریب بوله میوب عافیت اجمدم لشکر جانگزار
 اراض نیای ترکیب وجود به تخریب اید و رب
 اتباع و انبیاء بر برینه متکافل و بودا و کشته
 امیر اولد قلندر نه غیر استانیه معاویت اینه کلای
 صدر رتبه زاده راه و کراره حاله بید عافیه ناتوان
 کریانه و بر بانه بایسته کج غیبت و اضرانه اولوب
 قالمش در اگر دستگیر ادلیای نعم حال پرش بفرشته
 مرحمت رسنه اولمیز اطفال و عیاله استانه
 دولته عودت اچکون در که جو کسوال نزلد نه غیره

چانه اولمیبوب استانه به و صوللری تغیر بر نه دست غماده اید
 بکرفت شکیخ زندانه اولد بقلری امر محققه ر حق بود که بود
 با حرا دلره بود محله چاره ساز لوق اقوای حسیات و اقبل
 تصدقات اوله جز لا رید حاله بر نه حرمه مالا اماله
 حلب و مکام بلد سده ولی النبیه ضرر جاجرحت
 انمش در انمش به یوم فوئنه نه تکمیل مدر نه دت
 ایتمانه ابتلا فصوصه جناب سوارت کزک و فوئنه در
 معای شفقانه سم سبیل حرمه باب ثواب بیجا
 اولمغه توبه انشر فکرمه دوری اقدام مسؤلان غر در قریب
 اولاد عیالنگ زکر روانای شبانروز خانه
 مستمندانه ملازم اولوب غم اند و هله بر نه مشترک
 اولمش در حضرت بونا و ار لکن اند و هله چند ماه
 سر دره کجیل ابدیه جناب سوارت صفت و دعای
 غیره لکنیک مشاهد تاثیر نه دید کثای
 انتظار زبانی عودت و سدره

لودنیه به ارحم اودره

حضره سیکر ای زلال ارحم و مورد جویبار مکارم

اولاد نادى عنایت انصافند نه تعظیفات شایسته
و تکلیفات کامله اید ارقای دعوات اجابت پیر نه
نجات اصابت پسند ایشاری علالت عیاض داشت
دای و خیر بر که بنم و دولت نور با صرة افتخارم او غلم
خفترى جناب منشی دوا بر سموات و مدبر امور کائنات
جلت قدرته خفترى مصدر حسنات و مکن خیرات
اولاد وجودا مالانوار لر بره تنکای غر و نادره و ایم
و ثابت ایدیه این کندی باب دولت نابگز بنسبتند
و مچو له التفات کر بکر نشین دار لر ندر و بار بگری
جابر زاده یوسف افندی الحق جلایل و خصایل اید عالم
و انواع معارف اید مالیت همه فضل و اعالی علم اول
مؤوب و ممدور و عاقل و وقرر و اعیل و لر ب
استعداد و ابتکریه نسبت اید نشی و بسیر و نام پاره
خویشی اولاد دیار بکره واقع فاتح محمد پست نور بنده
اکتفا و علت ماستر اهل عبالت مد اراد زره ایکه
دست زده لغز و نامزایان اولوب بالقه و ره
واعیه است و نیت استغفار اید همه فنا بنگر

الی

التمای فرشته بلده و غرایب بر پیر رنادر بفرایم
محمد رابط استیناس اینکجه انکرک لیانت ذرات اید
نام پاره و باب سعاد نکره انتساب اید جناب بکرک
علو همت و غلبه شفقت و مکر متکبر به بنیرال و تنهایی
و اعتبار ده وزن اند که مصلو نامول جانبی صورت
سهولتد مشاهیر اولمغین انکری زحمت طریق و جناب
همدم ابرام شغوی او مکتد صیانت قصیده لطف
و کر بکره اعتماد و مصلو مرامنه تعهد و جوی اید بو طفره
تأخیر و توقیف نجاسر اولندی انیمت لقا و لیت
معهود سیده ادنا توجه جاره فرما بکره اعمال اید
انکری احیا و بو پیر بگری شرمند لکدره را بنیر لوق
نخبه اما نحر و راع کرم جناب کریم الاکبر

و من الله المستعان

حضر نرسکت نادی محبت نظام و موقع رفیع مکرمت
انقسام و الامتفا مکره نه اشمل تعظیفات و اجمل بکرکات
اید ارقای دعوات حمیده و ازکای نجات پسندیده
اهدای ضمنت عیاض داشت دای لر بر که او مکی مکارم

فطری او زره شرف غایت ربانیده اولان ضمیمه اولان
 جانب پدری احواله توجیه نظر استقصا ایدر لر
 بمنه سبحه و تعالی معتم زوایه عاقبت اولوب انکس
 حیانه مصروف اصناف دعالری اولر یغنه عالم
 الخفیات واقعه رستم دولتر اولم حضرت لری مایه
 خلوص بخارده تمهیر زاده بهجوار و مالموق اولر یغنه
 در سبیل عز دمه اولر یغنه ماعدا ذاتنزه بر اهل عرف
 وعافل داعیگز اولم شرفیافته و امه بر سگز
 اولر قدده نمرای نظر غایت پدر لری باینده رای
 عایلجناب کرم ایلانلر نیکو تارخ دعا نامه
 برادر داعیگز کلمه حرام مکره رومال ایدر لر
 بو پر کنزه کندر ریک رمانه رندانه رما ویرنه بدز
 عدد انار تبه کادشنا ایلانلر جبارت اولندی
 و بر مقدار رما بلوغوری و بوز حلب لولری ایلان
 اولم خنده امید دکه انارکت اکثره سلامتده اصل
 اوله منبوع جویبارا بر احمیم علیه السلام ایلان
 اولم خنده خیر مایه شفا و خیر برکت اولر یغنه

برادر ایدر مالتقی ایلانلر متندر رانی ایلانلر

یوزده زاده رستم مایه

حضرت یک حاشیه اقبال لری نفس زده کلمه
 ثن وری عبودیت قلندرت خلا لنده معروف داعی
 کمترین بودر که بنم دیند اولم خاتم حضرت لری
 جناب خدای ایلانلر کلمه درج خالزاده جاه
 جلال اولان وجود مکارم الود لری پیوسته
 پیرایه واسطه القدر صدر اقبال ایدر لر
 لمعان حنا کنز دمه تیره روزانه مایه اوزکاری
 ایلان قریر الیه ایلانلر عبودیت کلمه بر مده
 بری مطبخ ایلانلر اقبال لری خاله و کاسه
 امیدی مایه خرمات ایلانلر اولر یغنه کنز رعمه
 غایت بر لری رستم سیم اسرف اولر یغنه ایلان
 سعی احباب ایلانلر مقوله نمره من اکتسابنه
 عافه ایلانلر مل اولانلر حواکی کرم لری یوزده
 نانوایه مناسب بر نانه باره ایلانلر صراف و احیا
 بیدر لری باینده لطف کرم دولتر
 ایلانلر خاتم حضرت لری

کبر و نه بریه نور

حضرت سبک مهر و نوری بویست نه سنزای بهشت اولاد
ناوی فضایل سرشتی اغوش تعظیم ایل نثارگاه
ربا حیات نحایا قلند نو خلا لند فراس دعا ایل لیاط
اقبال لند دمواله خانه اجابت ربانی بسط ابدی کیستند
وض داشت دلخواه قریم بود که جانب دواجر سعادتی
ملفوظ کمرشہ الثفات پیر ریور کجی سیمه هنر نمک
جشن نواله حیات اولوب مرعای دهنری و طیف
اوقا غرا اولونوار کینه قید بیانه رمان

عبدالمعین که باز شد در دنیا

بنم مخلص صد نفیسم و مهربان شفیق جانم زهنی افندی
حضرتی پیشگاه معارف اندوزده کجی گای دلفروز
اهد اسم ایل پرکشش خاطر لری نینیم سبقتی برآورده
مخلص بود که بوند نه اندم چکیده قلم معانه نثار و لریکا اولاد
دست نام لری دامنش افروز حب قریم اولمشیدی
لکن بر زمانه غلبه رمد سبده میزله خایسته انش
اولمینی بود دفعه بخشیبه منی اخلاص ایل اکناف

استن

مستغنا و نور بنم غم حق بود که اشتیاقم اظہار نه
جو صیقله تغیر نانوانه اولدیز خدایه عیانده رمانه چاره
ملذات صورتیبه شمدی لک صورت امکانه شما بانه
اولمینی خود کرده صورتی صورتی اولدیز غیری
چاره بوند کابلی و رقبا ره مجبند نه حروحه
حرارت اشتیاق پیر ریلرینه روزنه کشای چشم
انتظار اولدیز مبالغه سبده تجرید الباس و قدیم
بیر ریلری قامد لدر رانی طری

نور اوقا در عوالم حایر

حضرت سبک حاشیه بساط دیوانخانه اقبال لریسنه
صورت ضاعت و ابتهاال نقش تمثال فلکوب فریضه زنت
اصدا صحر اولاد دعاای عمود و صحری دیبانه اوراد سحر
کاهی اولدیز بر داشت معروض معدا قلند نرسیا قند
جهانه افزیه عزتانه وجود عظیم النظر لریل اهلان
وقایه الحفظ کمرشہ الامانه ایلنه ایله کجیده لک
دلالت بهر نفیس ربانی ایل پرورشگاه قریم
اولاد دیوانخانه بلند طاق اقباله سبده

انداز معدلت و اقبال اولد یکنوزت رتیه بنیم
 حردده خزه افافنه نازه حیات ابلدیکی ضمیر منیر افک
 نظر یکنزه ناپوشیده در جناب کرم چاره ساز
 مقدم سدارت تو امکنی نظام دی دولت و کما
 میامز و وسیله خیر و بر این حکم مشهود است
 قلوب در عنقریب طهور سدارت و بر کانی انتظار
 کرده چشم یقین و را میسر که دعا کوی قدیم اوله
 نایه نانو که فناء خلاصه عجز اضطراب و دستگیر
 در یغ سیر سیر سیر حق حق زمانه بر و افتاب
 دولتگر طر عنده امید و ارا و لب ایای بهار و دولتی
 نه زمانه کشایش بولوب بولوب مازده پریشانی
 یکمیده زمانه دولتگر نره بر کن باره نایل اوله حیو
 چشم انتظار صباغ اولموز جگر بر سر سکر بیدار
 کارخانه اقبالده سر زده اما لخر منقطع اولمده اوز که
 جازع قالمز انچه شمس تعالی سایه دولتگر نره اکرار
 کنز شسته بالجه جلا کرده معتقد روزگار اوله
 جعفری اشتباهدر نایه دلشده براسکی

در حال یکنوزت رتیه بنیم

نیم سانه ای هر خنده بارشدر

سبکی لرد و دتور برادر غنیم یار قدیم و غم
 حوار دیرین مهر با غم افندی مهر تر کن شلم
 سفینه دریای بهیای اقبالدرینه پای دعا ایله
 ارتش و با و یام اساهوای نثار نره با بر جا اولد بوز
 آنها سید بر داشت دولت خواه بی ریا لرد بر که
 اقتضای سوابق الفت کاه کاه کشتی ایدر نه ابره
 ضیاع سوادال حال نثار سیه اجرا اینک واقع اولد که
 بمنه سیم زورق بنیم سکنه وجود یکنوزت
 انداز ساحل فنا اولمیرب شرطه اناس حیات ایم
 سواحل بحر زنده کاینده دایره اولوب جناب
 سدارت کریمه متعلق احبابه ملاق اولد یخوده نوینک
 متعاف دعا به در کار اولد بوز و ارسته منت بیانه
 بنیم غنیم افندی دوستی قدیم و غم صحبت الفت
 معاشرت اولد بوز افندی لرد در جناب سوا زکنز یقینه
 السلف اولمده پیک خاطر خرد الی دایره دولت

کرد آن اوله فی خانه سوار نگه او و غافل از
 اید نه لقص الغنه مجموعه خاطر دانه محکوم اولم او محله
 سس او نه که بنی لطف کل یاد ایند کلرک به او نشستم
 خاطر و برام شاد ایند کلرک هر بار نوید صحبتگر رسیده
 ساسه مر اوله فی علم که آکنساب شست نازده اید رزاکر
 خلدن نامه عز و صولامکی اوله هر بار نصیحه نصی
 اید ردم بهانه حضرت الله اکبر حفظا ماننده اوله سر
 اقتضای نصایق رز و کار اید فلک و شردی
 بزی بر غریب ایلدره کم نه بر زبانه اکلر نه بر زبانه
 بر لیسور حرکات سفرینه یاب و تو او مفتوح و ادخل
 بلده طبره کدره کورین قناعت اولدق جناب
 حق جمله امت محمدک انجانم غیره مغرور ایدیه بر طفره
 او مکنز کلد کرده بر مکتوب شمر بکنز اید امید و ارم اما ظاهرا
 مشاغل امور و وسیده نسیانه اولدشدر بر بند نه اندم
 چند سطر پر ورق پاره اید نعل طیف خاطر خوش و امید
 امید نده یوز بنیم سحر و افسه ملایم بدنه نه صکر که نیرانه
 اولم پسند و کنت و انگیز بود که اید نرو و رشت

بیست و نهم
 هر جای دلبری
 کجاست بی تو کارون
 شایسته بی تو کارون

علیه دفتر داری اعتماد بر آنه مشرقا لدی بدنه نه صکر
 من و فرغت بهر دهر سز بجا امید نه غننه فرزانه شمر بکنز
 حصول کلید آقام بهر دهر دست ساز همکنز اولان
 نغمه گز اید قشش این لم جناب من غیر اید میر ایدیه یاب
نویسه چهارم و ششم مولانا زاده اید و اوست نه اوله
 راز دانه مدارج ملکوت باز نانه معارج لاهوت
 محرم بارگاه احدی تحریک اسرار احدی عین سلوک
 مرد و نوا فسم لطیف طبع افسه خضر نوری دام ظلال
 ارشاده غلامنارق الطالیبی حشر نکر نک فاشیه
 ستماده هدایت اند در لری نه کلا برانه دیده اشک
 اکبر نهاده و وضع در دست فلتنور منبده خاطر
 السهام البعلری بر کشش پیش سطر و بیاض اخلاص
 فلبنه نر سیافنده بر دلشسته نثار در و ربه بود که
 عسلو مرد و نوا فسم لطیف طبع نکر نه اوله انجانم
 در و نکر و ارسته قید بیابند هر بار نثار نامه
 ارسال نصیم کرده مخلصا نکر اولدشدر
 ضمیر و سیه دانگر بر اما نکر بر جواب

داعیه سیده اوقات غریز گری نصیب و قلب
 شمر نیکوئی اشتغال اتمک و اهر سر مانع کجی و اوله
 در از جهه دل مخلص نشا و لری خدمت و مقصص
 اولد بفر حسبیده غیبت و اقدیمک دفر کارگاه
 توجه بالیدر ندم بود بسته لری افراز و صفة غایله
 سیر افراز بیور لری چشم داشت اما لری و امید که
 کافه مخلصانه کشیده بود برون سماط و وسیع
 النوال همه نه بود داعیه لری و دفر محروم بود برون

شیخ الاسلام

سطر رفتوای روحیت لری شیرازه نظام
 امور انام و امضای فیصل فرمای نکه زباله
 مهر خرابی احکام اسد ام اوله و هم ساقدم
 سلطان مهر نرنک ملتق الا بحر حسنات
 و انساب و خرابی جوهر فضایل و اداب
 ادلان سده نشا لری نه که رخام نقوش بود
 لغتیه نه صکره نموده حمده عکس اسره حبیب
 نکریم به حال صنایع سطر زده مدارج افلاک

نکه نگاه لفظه نه کشف
 اولد بفر غنق و صفیق
 و صفیق یعنی نظر اتمک
 و هم یعنی بلوک ۲

احیار لوبند فرصت و نفع پشانی عبودیت
 سبب بقدر معرفه دانست داعی قدیم بود در که
 مکارم پنا ما مراحم و ستکا ما کا و شرفخانه
 اندیشه ایله عیبه الحیات و ارادت مسالنه
 ساعده لغبیرات تشبیهات منشیه النجاره
 مهر نه قدر دست رس میراد سینه و محمد
 افتد یک عمان فضل بیکر اننه و بوعده صادق
 قدیم اخلاصه نسبت کاسه دهن کل غایله
 اوله قطره شمیمه نه کمتر ادلیق معلوم متاد
 شناس نه عالمه ربینیکاه فضایل بنا بکثره
 عرض انشا کعبه بکرمیه زخم و خرابی سلطه بنار و هم
 اهدا سنده فرقی بود در ایلی خلاصه خاندان
 علم کرم و وقایه احوال اتم منتم دوراه زمانه
 ما وصل کرم مکانه صورت جوهر جنبه مندر دوراه
 لطف عالم جناب اید صده لایزاله غرا و مسند
 فتنی انساب شرف چه بد اید یکی لری غرطه
 کلمه حکانه شرم ر سر در اتمک منته بودای

قد بکوی دوقطب مستغرق محیط است اولمذنب تنفس
 شکرانه مغلوب عاجزان اول اسمانه محمد و هلا
 بو خاک زبا جیری ابر پاره گوهر بار الشایسته
 شکر اگر روبرو بای او ج عنایت او که نامه
 از ادب بخاک لری خاک که تنه لری نه مستغنی ایکن
 کوشه ایام فقیرانچه سایه انداز شریف
 اولیغ علایق انبساط اولیغی غلبه شیب
 سرور بو عبید با جیری دایره شعور دین دور
 اینک مرتبه لره ایصال ابدوب اگر سجده
 شکر ماینه تخلصه ساعت اینک
 بوسه تقظیم اچون لب و چشم
 پیشه ظهور ایدن غوغای تقدیم فیصل
 بولیب سطر عنبه اکینی سفینه سیداب
 خورده اشک سرور اولیغ مرتبه لری نه
 مانع اولشوا بیری سر قیتل مردن نیم مرده فر
 مشکوه مقدس انتفا ندرت شعله ریا و خلون
 بیت الاحزانه فحیر خراجه روحانی عیانند

در دست اولوب خور و نه بکیر، صبات اوله امواج
 انتقاس متعاقبه صفای در و نه جاری سلسال
 جو عالمینه وقف آمد شد قلند و جناب ثانیف
 بخش اجرای کائنات جلالت لسانی تعبیرات
 حضرات اولال معال صفا لکزی محیط و فایه
 ربانسته مصونه ایدوب جاه فتوای بلند
 شایع وجود مکارم نمود پلری بلو باب مباد
 ایلیمه اگر چه رتبه سایه مشیت ایل حضرت
 مشایخ اسلام تاهیت اولیغ عادت مسکو در اما
 شرف حسب و نسب و استعداد فصل وادیدنه
 فصل علم شریحانه و تدری طبع لانه ایل زنه شریک
 دعای نمود و ضحک میسائل فرایغی فریضه ذمت
 و صبا این فتادی دست کشای مشیت اولمذنب
 بود که ماده نشر نیکرده مرا اسم نهشته و نشر مینه
 بلند فتوای دوا حق و لوازم نشر که اوله جاه
 عالم قدر البعد جناب منصب فتوای تجرع
 سررایه فلا فکری ایل نایح کام اولمذنب ماحول

ایلیوب سینه های سبز کزای مغارق شود
کانه دلا مندا نگر دل زایل ایلیوب غیور غیور

دولت سوار مر و نتر قطب دایره وزارت
عظمی و شمس تابان و کالت کبری و لی النعم
علی الهی هم افندم لطیف حضرت نیک دامن و صبر نه
نقش کلید و نظم اید هم نیک بال روحانیه
و غبار سده سعادتی انا جویی نکریم اید هم سایه
ستم گرو و بیخ قلند و ائمه معروض بنده احسنه
دیو قدیم لری اوله رک و دولت مر و لو افندم لطیف
حضرت نیک جناب جهان آخره جلت قد ریه قرینه
اصدق اکوان اوله وجود و عیث نکریم اولاد
کرامت اید صدر دولت معروست نام ایلیوب
سینه درخت اقبال کفری ماکت اسلامه زایل
ایلیوب ایدی بوندن اسب کفر بیا لونه توبه علیه کز
ائمه سده بو خاک سار کندی لری نذر افتاب
عنا بنکره و قطر سحاب سحر کفر تمامه اولاد

ایلیوب کرم خانه و بلطفه اصفا نه احسانه
منرا بیدر بلند سر افتخار خزنه فلکد نکریم رایه و

الی هند لانه هر صبح شام نشی اوراد از ماه و خرمه
بکی چشم و رویه مالیده اینه کز صحره بنه دکنار
افتخار خزه علامت سیادت کبی دست نوظیم
حفظ اینه بد ز خصرها مضمر ننده عنایت
بیدر لری و عدی نصیح بیدر لکله قند ایاام موعود
صرف اوقات اید دعا ی عمر و صبر نه اولاد اولاد
عیال و گرفتار دام احباج پریش حالدرینه
نفس بنفس ادا اولند لری دیوانه الهیید
نقل دعا یه فامور ملائکه کرامت شهادت لری بنده

حضرت نیک عنینه مرفوع السق عطا خانه
بهشت اشتغال لری نه خدمت چاروب
کشی حواله عرکانه دیو نه فرار و حنف
النعال معاف کاه جیوش اما لری نه رخسود
ابتهال و اعتذار کیا فتنه جهانه بهای نام
نشا نکریم رواج کاه عالمه بهیسه کرم و اله

کوداله و شیفه دولت و اقبای کفری اوج غنمه اموال و
فرز و اولاد و عورتی تمجید معروض فقر لرزیده

حضرت نیک خاکبای برج ادب ایدلم اغوز و اکبر
حیات اید و دست بر دست اولان شراب سده
سدره همالریه مشط سرشک و بده لغتیم
باشیده اولوب دوام دولت اقبالی ای کوله
دست دعا مانند نخل خرمای انگشت نمای کشاده
قلند نوسیا فنده معروض داعی کمترین بود که
دولت افسردم طاهم حضرت نری جناب برار نره نه صبا
جلت نه لایحه جمیع اقبای کفر حرق علیته
صحب و سلم ایدوب فرض خوش نقش اما لکری
حروف علت نه پیوسته بر دنی و لخواه زیور
سر انگشت و ضرر ابدیه ای به بودید و لبسته
دولت خدای لری جابسته علیته مکارم اصناف لکری
تنزیل الحظ الثقات بیور لکری نموده
متاع کفتر حیات مستمند اغوز دست
فرسای زوال اولمیرب مهربار جامه اوقاع

عین غنم و قندیمش دوام دولت برینه برزیده کوبا اوله
ینه ادا اید درجه استحال و معاصنه بنده و لخواه کفر
و هموار قدریکر محصل عبدالباقیک و عاجل که
شبان روز و روز بانم غنم لکری انگشت مویح
جمیده و دعای ضمیر لری بر علی الحضور و دستلو
افندم افتاب اوج دولت و شامیار بازی
سعادت ایکنه بر خاکسار به اعتبار لریه لیلی
الذات الثقات و خویشتن کوشه جناح عیبت
بیور و بملطفه حیات بخشت لریکه نموده بال
همای دولت در حیره لید افری سر اقبالی لریه
سکرمات انداخته اینکله فرق اقبال و افتخار
خرد افرم سپهره ساییده اولوب غلبه شوق
اخلاصه نه ناسخ و دسترا فتنه نیک دشای ضمیر لریه
ماله کچی اوقاع نری دوشربانده یار عذر بنده
بیور معاوضه کریم لریه نه سلطانه نری اولان
اوقات حرام اولسده لغتیم لکریه لکری
الیه نیک ایدر ابدیه حق بود که سلطانم حضرت نیک سابه

سوار تندر نه نهی نریش ایلد بکمز نکریت عیانت
 عید البانی بیک بنزد کزله بود عا جازه ناگوار اولدی
 عدایه عیانه الطاف خفیه الهیه مدت عمر نر
 خاک غر نکر بل احرار اوقات بتم نر ابد و ابر
 اگر چه بعد صوری کسبیله ظاهرا و صیدا فتنه
 مجلس دولدر نر نه مغارت صوری نمایاندر اما
 اوقات شبانروز افندمک ذکر فکر نکر کز
 ایدوب بر نفس سلطانک مجلس شهر نکر نکر دایره
 نشانی زانری ادب اولمش مثابه سندر یوز
 جناب خدا جمیع تصور انگری قریب انصاف
 جلوه کرا یلیه ایی و خوا فندم مکاتب
 علیه کز کن کلمات دلپذیر و بقیانت عالمگیر
 ولطافت و نراکت معنای ملکانه و سلامت
 الفاظ طرافت عزایا لریکه درجه نهایت در
 مدح تعریف منظم بر دعائیه نخر بر نفسان
 سعنائیه بر کن عدم ناضری اجرائی مافی الضمیر
 ماعده اوله مدی لکن نه کلام مدح و توصیف

اولنور سانه شایسته منشی مجلس به راجع اولغدر
 حفظ انیمه لری خلاصه سیر اولغدر زین سا فضا نیر نکر
 کله کس حفظ خیرد ابهام مناسیه معقوله کیت
 فلد بر مندر عیانتکشی مما نیت اولغدر
 ادنری صوری اشارت بیدر یوز
 بدنه صکره وادی مدح نکر نکر جولکا کله نکر

بود فی احوال

عصر بریک حاشیه با طافیه وضع نشسته
 بر شکوفه خوش آمدی زیندره برداشته
 ترقی خواه غر نکر بود که اگر چه محی سفریه
 نوزینی ایلد بر کسش خاطر لری لازم رسوم
 عادی اولدیق قرار داده در اما خانه عیانت بنای
 ترکیب لری حواله گاه عدا راضی حیات اولم
 سبیل اهرم ضرورت اولغدر بیش رس کاروان
 استیاء قلندر بهت دار و شفا خانه
 عیانت الهیه ایلد بالغرنیه عافیت اولغدر دور
 اولیه نر سدر نکر نکر نکر نکر نکر نکر نکر

اسماعیل بنده لری لسانند: محمد و سید محمد و سید محمد
عاقبت اولد قلری خبری اسماعیل اغادیم استماع
اولمغه کشتی خاطر عزمندش موجه اضطرابند و این
اولوب لکن بهمانه عریضانه اید سوزنلو فانی بیک
صورت رنگ بند خیره حوامانلری کار بند اولوب
معه خونیار بیکاره کیم اولد لیکر رای رند انکزد
حمل اولمشد جناب الهی بکانه کوکب برج امکا
اولان ذات نازنینک مطلع اقبالند لب پد مشاقه
ارائند مقدم کوکب حیاء نری متواری مغرب
فنا اتمه بک الطاف خفته الهیدند و خوراکته 24

حضرت سید دامن دریا بار مساحت اقبال لکھنوی فرج
درراشکبار رسانید. قلبوب مسامی کوشش
کرد و به اجابت اولیج لاله دعوات انداخته سال
نیمات قلند نو خدا لند. عرضه داشت داعی دهرینه
لریه که جناب ترکیب بنده نسفی عالم جل شانه
بهترش کلمه صیغه کائنات اولان وجود مکارم

محمودترین نصرانیات ایامند مصون اید و ب
 همواره صدر والای اقصای مملای مستدام
 عیالین بنم عایشو افندم فدای ذوی البیوت
 ششمینا دل موقع زاده اسعد افندیگ ابا و اجدادی
 عیالینو افندیگ منشیال خانوادۀ غرثرینۀ اولیای
 کنیز پردۀ خضد عیوایت مورثه سندنه غیر
 عیالینو سلطانم حضرتی سندن دارالشرع شریایه
 سایه انداز اجلال اولد قلری ایامده سکن
 غلامان خاصیه به انسلاکت شرفنه فایز اولوب
 بیله الامثال انتساب درگاه اسما عیار یگز ایله
 میبایگی کجور کنه اجداد شمدی سلطانک شیخه
 قدیم الاصل دولتمبری یاور سایه نشیبه انتظار
 اولان بنده لرندنه حصله استعدادنه مناسبت
 حصه عین مرام ایله تیرس کام ایره چک زمانر
 ظهوره کل کل بو داعیلر نیل نامه شتاعنه و اف
 بر جاکسی باز اینکله نیازمند اولد قلرینه بنا کست خانه
 نخر درخت بهت ج رت اولنمده باقی لام

راجع رئیس اول فرقه تعلیمات و تدریس
 از کتب اربعه یکی تفسیر نامه و دیگر
 حدیث هفت پرده چشمه اخلاص و اکرم و تقیه
 عم کثر انعامه اشرف و اقدم سعادت مکمل و والا
 منزه لایا و غلم امید کاهم عالی جا هم افندی حضرت زین العابدین
 هر تبه سطور و نوس اولان مسند سعادت
 مایه سر لری پانچ پیوسته نود و یازده موزون
 پانچ پنجم فرمان پیشگاه هفت متواضعانه و نه نیت
 گویانه اید امضای هفت سیما مبارک باد کشیده
 قلندر نور میننده نهال خامه نمابورنگ اوزره تریه
 نو باده آنها بود که بنم سر مایه حیات و وسیله
 بیجا نام کرم انعام او غلم افندی حضرت زین العابدین
 غم عید نور و زکات یکف کرای استاله ایری
 ناکاه خرابه بر خرده بنای وجود نزار خردایره کشنده
 سینه چندیده دهنه بر و سپرده گردن سیاله وار
 مشکه بدم حرمانه اولان اید و بلکه خاطر محلیه
 خود بخود بوسه گاه منتاج غیب اولوب
 قوه نسایم روحانیه در بجه سر همی کربان

صبح اول و دوشری فرشی دلکشند خدمت
 رفت دروب اچون مرغوله غوانه جنا نیله
 کلاله مشکلی حورامیانده ظاهرا اولان غوی
 کشمکش روز و شب سامانده وزانه اولان
 باد سبیل بنیر هشت هزار دقایق تعبیرات
 نرشار بندایه کوچ اید مسافره نوبت موقوف
 اوله بیلدی فراشته چایکده ست عینی زمینی
 دلشینه بوکونه بساط بدیع النش انبساط
 کسوفه ایلدیر که زینت جنبه رشتنه عاشقه
 قبل و هم الودکی در اغوش ایدوب نفت لک
 سفینه منو ذوق نجات سبده نهم اهره صیراله
 دکشاده دماله قالدیر قواره لری رخسار بر
 حبس و نامیده بازده کلاب و ساسه سباده
 دعای جدی و حمی سیراب ایلدیر بو ترنیب
 نما و نوبی ناغود ایلدیر که خرابه خمیر غرک
 حکمت تعبیر نر صیرانه و نیجه کاره نکرانه ایکن
 ناکاه بشیرانه دیوانخانه اقبال بر برین پال
 طریقه استانه سامانه مشتاقا غرزه او اوزه
 طبل بشارت کنه کردونه ایلدیر که جان

نالوانه راه کوشیده استقباله ششانه و سر بر اوالت
 برسان اولدقده بولغ ايله زمره پیرایه برده باد
 اولدیر خنده ایندیکه بهار چمن افروز آمد **نخب**
 برفت از سر سر مارده کان روز آمد **نخبه** نواهی
 سیه سر نوشت اوراق سپیده باد مراد ایل
 منور و کربیان چاک خورده اقدام عبیر تبشیر ایل
 اولدی و جبهه کلمات ریک زرافه ایل هنکار
 رخساره عروس و حوائج تغییرات بدایع استار
 ایل هم جلوه دم طاوس اولدی فطایع حروف
 عنبر ریزه حجر ذوق ذراریده لفظ سپیده آتش
 شوق اولوب وضع نامواره دورانه کناره
 اوراق کبی بریده مفراص نسبان واقفاده نیر
 پای خدلان قالدی بر چرخه دن محبت الفاظ
 بنجده برج دلرون لایع اولان ماه منیر
 انگیزه کنعان صفت شمع زبکینای خرایا
 در کار و نای زبکینی صبر بر خانه منشیا نه لغات
 حردس انگیزه حلقه چاکوش اوراقی سماع
 خانه کلیدران معانی آنکه مدار اولدی صفوف
 موج محاسن انشاء سطور بهرات همایون

کبی لباس زرینکار ایل جلوه کرد و حوالی بهج
 اندر بهج قریب املا بالای عریس معناده طغرای
 مزین کبی مرصع و جواهر بلاغت اولدی سماع
 فصاحت زیور و واجگاه ابتداع و جواهر بلاغت
 پیرایه مواصله اختراع اولدی زمانه کلیدی جوهر
 ترتیب تشبیه غریب ایلدکلر نزه بومست
 رجبی اقتضای و بوابیات ایضا و دیوانه شایسته
 افصا و احرنده دست افراز نیاز اولدی کور و
 بلور پرده اندازه حمزه راز اولدی بر که ای پسته
 دام انتظار زمانه مدبر دین بری رشتنه عالمیده
 ماکدی بیقرار طلب اولدی بکثر فحاش خوش رنگ
 کارگاه مراد اندازه خیاط عینتیه بالای نیاز
 کونه حساب له در شرب و پیغوله تنک
 و تار ارز و مندره پروانه سیر اولدی بکثر شمع
 اهل القاس صافانه بر کانتین فرورانه اولدی
 حالاناده زمانه و فریده اصداف اکوانه مشرف انوار
 مسارف سیاب نسیم له عوارف سر امیه نشاط اران

نوایجاد و صدرا را می نمود و سخن آباء و قبایل و حکام
 لغا و اصحاب اقدام مخدوم نسب و حبیب بکرانه
 لبیب و ادیب حضرت راجی افندی سلمه و تقی
 جاذبه استعداد و در زاد ایل اعلای حراست
 خواجگان و دیوان و اسنای مناصب قلم و حکام
 اولان رتبه علیای ربسته بالطریق و الکسحاق
 رونق افرازی تشریف اولمقل صدر ریاست
 منفرد نگه کرده باب مست اعتنا از و متصدی
 اهتراز اولوب در حال قلم سرچشمه دو اندر
 حجب و وضو ایستاده اوراق اوزر و سجده
 شکر سرانند از و انامل عطارده اسما اعط
 القوس لراجهما مضمون ایله پرواز اولر
 وید و امانه ساعه جان پر کمر نبشرا بشکر کلمه
 اشک ناکه ظهور سرور لرزه حبیب و کفار
 حصر تیاغ و سفره جوهر فروخته نمایش
 باغدی ایچده خم لجه در تل کوردن کشایش
 کل متصد و صولیده سر منزله مراده ایرتد کر یورکده

الحی بویام حیات افروز که نفس عبودیه نار و بود
 بمنزله سنده در لکر یور نشایه بیت الاحزان
 صومالت ویده محمد یور سنده بوی پیرا من یور
 عملی تجدد بر ایلدیک بیله واقع حربه سنده اصدق
 ایلد بر پیرک شورا یه تلخ حیانی کاوش سرشت
 نقد بر ایلد بواند کت ریزانه اولمق مجر د کهنه بهار
 زنده کاینده نهال اما لک بر دجله بار اوراد
 جفن کورک اچول موقوف بقعه نایفه ابریلی
 منبیل اولدی بودست ساخته لواله ریز الطاف
 ربانی حفر عنایت متعابد سنده سجده کدر شکری
 اچول سر تا سر اعضای خدام شکر منصب
 پیشانی و تمام خواس و فقه تراکم ثطله دست
 دمانند زبانی نه خاصه خندان اولمشور در
 واقعا بوانتهای حراست بیشتر اچول خرابی شکل
 هر نذر و سبب رتایل اولمق اولنور سینه بر دفا
 دلخواه لعه شکر نایسرد زیر اضداد و نکریم
 ارزوی چند ساله خزی نقد در حبیب ایتد کر له

غیری جنابگر کی قابلیت بخش و معرفت ضرورت
 مرکب و عقل محض علم متصور و نه محرم مکارم
 اخلاق و محاسن اشتیاقه بیکانه آفاق بر جود
 کمپای صراف متاد بر سنج روزگار ضایع انجمن
 شایان استعدادی اولان رتبه سامیه
 ایصال ابدی کی دوفوجب بخشیه منور نشکر
 ایدر حضرت لائق بخش تدریب وجود جل شانه
 رتبه علیه گزی وجود شریک ز ایل ضمن قرالضه
 مشتر و اجبات کی سعاد اندر سعد و اغوش
 صیامده محنت قدر کی مبارک اندر مبارک
 ایدوب صله پنی گاه اسافا کس
 قرب مقدمه الحیر حمد ثن اینه کی کی خاتم کس
 دفریه صده امز و سلام ایلیمه امیه بحر صه
 رحمة للعالمین سانه عنایت صنف و سلام
 حضرت سفت بام و سوزده فیه خیام کی فرق
 غز نکزده و فایکرا دل جناب جناب کریم انکز
 دوفیو عطیه الهیه نک ادای شکری ایچون

در کل مانند کال احیا جده مکته احیا
 و دل حسنه کال لا علاجده دار وی در مان
 در جمع بهر حق امید اولنور دستگیری بیکسده
 بلا دگردان صدقه جابه بلال چاره ساری
 در دمنده زکوة غدا فیال ابدیکی مشهور و با صه
 علم عرفا نکزدر بر پیر چکر سوز کز دوفافطار
 اراضی فقه فطانتیه اناس قدسه
 و احوال معنوی رجالتیه جناب شریف کز
 ولی النعم عالم اصف زمنه صدر الصدور
 دو دام دوفیو فیه کز ایچون اسفند نفس
 بهت دعای عمودیه اینه بکر غایله
 ربانده مقرر مفاد همیشه بکام
 غیش صفا بر دوام باکر

ایک لایق و فواید افروزه الیه

حضرت بیک مقام عالیله شایسته تعظیلات
 نکزیمات محنوی دعوات بامر البرکات اهدای
 ضمنت عر ضه داشت لریه که بنم دوفیو اسفند
 حضرت تری الشرف احیانده مدطفه کراسلری
 باقی بکند داعیدر شیک حیات نام چوده دار ایل

واصل اوله فده رسم طوری بهیات میانه
 خوش اولم شد حضرت که ذات بهشتا لکری
 و فایه انما ایلله مطاوی کرم نامه لر نه ایش
 بهر یلان ماده که دوشدر صدر اعظم افند غرخر نریک
 خاکپای دوشدر نه تخریزیک تقصیر بد اوقعا
 امور خزاون عرضی ال اولوب و مندر ماخریزیک
 ابراهیم بیزه بینه کزک حرکتی نامنکام واقع
 تلاش ایله تسلیم اولمیرب بر قاج کینه مکن
 بر طرفه ماننده پستخنده لسیاه اولدیر
 نمایاندر مرغ فرصت پردازه کلمش اولوب
 ایضا که امکان اولم شد
 فی ابام سوار لیر

بویون بویون بویون بویون بویون بویون

حضرت لک کنا رافق ساسی بنه بهر بهر
 نواله افطاریه دعلعتال عدال شوال نهاده
 قلندوز بننده معروض پیر والا کستر لیر بر که بهر
 روزه داری فلک و دلاله نفیره ساعد و کیسه
 تخلیه مهر زده امسا که بولمغله مؤذن خوشی صبر بر قلم
 مناره بیج بایه اهل صاعده اوله مد یضدن اعتذار طریقه

صدر شمس زنا سوخته بوختال بهال افروخته ایل و کینه
 درجه بینه اولمدر مای درجی

خورده بهر یاری سینه زنی افند بیک ارزمن
 کرم نامه ایشیه کلمه کوه نوشنده در کرم

حضرت لک اهمرینه پیش طاق سپهر برین اولم شده
 معالیه اساس لری مالش گاه رساره ضراعت
 قلندوز سبانه معروض عبودیم بود که جناب
 پیر ندر بخش کاف و نوبه کلمه نام نشیمنه اولم
 وجود کرم بیلرله پیوسته دیباجه دیوان غوث ایدر
 ساینه دولت عنایتلرین بو صحنه عبودیتلر نه الف
 مستقیم کی با بر جا اولم نه نزار لری قرقندره
 و نایل ایله ایسه بنم سعادته افند هم سلطانم خضر لری
 ساعده مضبوط الار جای اجمرانده دو انگشت ماس
 امیر ایلدیش بانر و زمره ایلدیر کرم احمد خرم محمد
 صولجانه تشریر ایلد کماره امانده جلوه کرم استعداد
 اولوب انبات فضائل مشحله ذات کرم بیلری
 جذبه شیط غایت ایلد ساحل سلطنت جاپ بینه
 بادبان کشتای اقبال اولد قلدی قرع سامعه

بود و خاطر و پراغی ابا و پیر و دیگران
 معدت قدیم نموده کلوب به اختیار دعای و دیگران
 تحریک شفا ضراحت اول شد و اوله نزار با
 و در جاکت مفتضای مکارم اخلاقی واقف
 بود که مراتب علیا به صعوداتنا شده بیفول
 انواراده مستکف اولان احباب قدیمی فراموش
 بهر بهر استیلا ماضیه و دوفلو سعادت
 خواهرگز به مجلس عالیله و خیریه زبان گذار
 پیر و دیگران اخباری رسیده سامعه اشتهای
 اولمقلد دعاء خیرگز التزام اولمیشدی بعد از
 به جریب خاطر عاطف و نه فراموش بهر بهر
 مسعوده اوقات نیر اولد قدره حرف وفاداری
 معالشی منقره و رقبا و مستحق نواز لرین
 پیر و یو پیرین بابنده لطف لری دریغ بهر
 بود و **اولی** بهر بهر **اولی**
 حضرت ننگ رونق شکن نزهتگاه قدس اولان
 مجلس فردوس اشتهالری صورتی شرف صفا

قلیله

بود و خاطر و پراغی ابا و پیر و دیگران
 معدت قدیم نموده کلوب به اختیار دعای و دیگران
 تحریک شفا ضراحت اول شد و اوله نزار با
 و در جاکت مفتضای مکارم اخلاقی واقف
 بود که مراتب علیا به صعوداتنا شده بیفول
 انواراده مستکف اولان احباب قدیمی فراموش
 بهر بهر استیلا ماضیه و دوفلو سعادت
 خواهرگز به مجلس عالیله و خیریه زبان گذار
 پیر و دیگران اخباری رسیده سامعه اشتهای
 اولمقلد دعاء خیرگز التزام اولمیشدی بعد از
 به جریب خاطر عاطف و نه فراموش بهر بهر
 مسعوده اوقات نیر اولد قدره حرف وفاداری
 معالشی منقره و رقبا و مستحق نواز لرین
 پیر و یو پیرین بابنده لطف لری دریغ بهر

بود و عارف افری

حضرت ننگ حضور عالی موفد لری صریح
 محبت او به هزار گونه شوق غراج بر لجه
 دعای اصابت پیر و ز و اهر شامای اجابت
 را اهر اصی صحت و صحیفه طبع النور لری
 سنده ال خلاصه جدید امال قلندر ظهور

حمد اول خداوند
 قلیله و جای جمع
 وصف صفت
 ابریم بهر علیه
 اولد محمد نامیله
 اولش و ارسه خبر
 هفتاد و یک
 حاد ایدش ایلام
 بغا نقاهی قلدری
 اندکی خیره بواجی
 اول نیلی طاهر
 فتنه قلیله حله خیران
 بلعند آمدن فردی نشانی
 تاریخ نظری بوجی
 سلام

مربع نشی چار بالش کارانی و صدور افروز
 کاشته شده و مانده اولی در خانه اولیه بجانب
 محله سلطان تجوز کرده ضمیر میر لری اولیه
 محمد الوهاب الدطیب یا هنوز زانورده سجاده
 عاقبت اولوب بوبلده مبارکه ده محل دعا اولان
 مواضع روحانیه ده فریضه و منتهی اولان دعا
 ضمیر لریه صرف اوقات ایام و لیل و قلیغ
 قلب اکاهلریه عاید در همه اله تعالی جمله
 مشکلاتی شهنشاه اجل کیس و عجزی
 پریشانه ایلمده بر و نشرف ملاقات لایله
 دایله امیری و جانب محله مشتاق لریه
 جریه خاطر مهر اشار دهنه منزه قلعه اش فراتر
 بهر میوب وار دین و قریحه نیک بر اع
 الثنات بهر ملرتنه استکاف بهر بهر لایله
وزاری عظامه قیودان پشایه در
 حضرت لریه جریه در بای بهنری سطر
 غزو دولت اولان صاحب سعادت لریه

کونا کون صد و لفظیم اید شکیون سنای دوش
 اجابت منورنه اجرا اولونور سبب قنده بر دشته
 داعی قدیم بود که اقتضای ندا طلم قلزم کر ملرنه
 حاصل حال داعی لری حواله کار بنم موجب سوال
 بهر بلور سجد بهیمنه و تنالی کناره نشین
 نعم عاقبت اولوب جو بیار زبان در بای بیکر
 دعا و تنالی لریه بهر سته قلند نو حکم علم
 محبطه رد و نشور سلطان حضرت لری اواز اصنا کر
 وصیت و صدای مائل کر بهما نگر مسامع افغانی
 لبریز و مال مال آتیکه بود داعی صدق از ما
 طرف نشور بیکر غایبانه دلسته عبودیت
 اولوب بر طریق اید افکار ما فی الضمیر افغانی
 کب رابط اخلاص و سید جوی فرقت
 ایکنه محافظ خط حلب وزیر مکرم سعادت
 جعفر پش قریه اشکر حضرت لریه وار داولان
 ملطفه علیه کر مطا و لسن از غیب عبیکر
 در خسته اولوب غنم اید افغانی داعیکر ایکنه

سکنند و جم منقبه غسان خال
 ساقا اعنی ساقا ایچ شکر پاشا
 ذات بالان کور و جوی استعدان
 اندی اوچم طغلا ای منقبه فرات
 او فلا طون و

ایله ضمیمه اورادند سپاسه اولمغه شایسته و ممتواست
 تازه تعبیر و کلمات سریع التاثير علامه لازم
 پرکشش خاطرناز کتر لری او اسیده انها و در کمال
بود و نه زیر اعظم جنبه بارگشت
 حضرت نیک غرض نور و قایل نور لری صوبه
 معروض بنده داعی کربد که حالا جاذبه لطف
 سبیلان و سابقه فصل صدرانی ظهور ایدوب
 افتاب دولت و ماهتاب سعادت مطلع
 طالع پادشاهیده طلعت کوسه و ب
 اول جناب علی شاه خضر نیک ذات
 سعادت نشانه و وجود مکرمت نشانه لری
 صدر عالی قدر قدیر و مشرف اولی و خیر
 اثر بنده خالص الاعتقاد لری بنده ابر شکر که
 حاصل اوله بهجت و سرور و وصف قلم
 و نقش رقم بر له تسلیم اولمى خدا مکارند
 دکلدر جناب حضرت ملک مستماله و خالق
 النس و جانم در کاهن و جود در که اول ذات

بهرین

شریف و ایامی منزه و دایم و متود و لند قائم ابدیه
صبر و ایامی منزه و دایم و متود و لند قائم ابدیه
 و کمال سعادت و کمال برادر رسوده کوهرم غریبم حاجم
 فتح اللهم افندی حضرت نیک حرجع رؤس کتاب
 و من ذاناکل احباب اوله نادى براب و تابیده
 شایان نگریمات متناسب و تعظیفات تشایق
 مبنی اتم دعوات خلوص پیوند و اخلاص کلمات
 مخاطب بسعد انخاف ضمیمه پرکشش
 خاطرناز کتر لری تشدید عید انها کرده رفعت
 خدای بدو که بهرم غل و نصب و ترقی و تنزل
 اسوده اوله احد المردنه استخبار لایک
 خاطر لری اولدر سه کجده کبیانه و لسانی هنوز
 جود و دهن حکیمه اناسم برقرار اولوب
 مشغل امور و نه فقط داعیه احباب بنده غیری
 حقه معیه و اولدی لری لحاظ عفا نکر در اگر تویم
 از جانم غم نیک نفس من ترک امیده و دفع هوس
 بنم سعادت برادر رم حاجم افندی حضرت نیک کمال طوری

از جانم

بری آمدند را بطور اسد و اسفند و اسفند و اسفند و اسفند
 علاقه ایست سالیه و وسیله الحرام اولان حبس
 نمک بجا مانده چنانکه صفته ابدی که حرکات
 منافقانه و سلوک مستقیمه میسر نکند لیسالی بیخود
 قدیمه جاری اوله کلامه خوبه را خلاصه نموده حرکات
 از لایحه سنده باعث جویانه اولوب اطوار حیانت
 نمیشد و شکایتی متفرقه رفقه سوزناک
 و زودی مخلص کن و فورواق صبره شاره افک
 اضطرار اوله یزوار سنده قید ارتبابه ربوالتش
 چنانکه هنوز تا ثیر اتمش اما فقیر هر صرح زمانه
 سوخته ناری غیرت اوله یزوار سنده غرضه
 هست نمایه عیاندر بنم نموده برادر غریزم و مقوله
 عیار حیدر کار و تبه معامله غدارانه و غیری
 نه گونه حالت توقع اوله رکن چنانکه سست
 خاری با قوت تاب و حرفه بار کمدی در سرب
 اعتقاد و اوله اوله زبده فلاحه اعتبار انمک و اعینه
 دوشد بکنز نظر عبیر فی قیمت شناسگر

توفیق و لایحه بر معنا ایکنه بر مملکت است ابد
 ماجرای مغلیه سنده و در و لنده چنانکه غیری
 احباب با کلیه تقاضای صبره معامله اعتبار
 نصیب سنده ایکنه چنانکه صایه و التزماده انفراد
 و بعضی جالسه و عایه ترفیع و ترویج قصیده بود
 مخلص و برین فدا ایکنه مرتبه کوی و فخریز کرد طبیعت
 رعنا اوله و محک نبوت قرین بر مدعا ابدی الصفا
 فلک بر اهل و رزق کباب ایدر جگر بر ایلکی
 طاهلی کور سه ضیافت ابدیه یک بیشتر بخیر مقامه
 کتور مشید بکنز لکن چنانکه اضطراری اکثر سکن
 مشهودید بعضی متخصصه فلاحه دبره
 محکمه و دشمنه فالسوس نبی ایدر خزینه وجبه
 خانه سه احراق ایند کوی گبی بود و دست
 لفرقند و التمزاع ایدر نر لک تباب تصرف
 اوله نر ملا حظ سیده قرآنی بر مرتبه
 تحریب و مبتدای دیدن به تزیین انمشکه اود
 حیات انمک بعید الاقمار بر بنم بر ارم زمانه

شد و بگردد چو کال به دست ایکی اوج باره مصری شود
 دو چار اولیو ار اذل و اسافل کلها نکت و بهمال
 چاوشان اولمق عادت فالوفه دن اولان زباله
 هرور و فرومایه بی ناموس قرین و محصول اموال اعتماد
 انهم نکت کوپکی قصاب و کانه و فاره بی نکه بهاله حوچه
 اتمدن فرقی ندر کندی صفت نگر ضرور بر سر چنانکه
 عاید اوله هله نگره نیز جکت متغیظ اولوب
 نه ارکی کور و بکیز بو طرفه اجاب نگر نکل اولیو فرجه
 تقمیر کوششش ایدوب و کیکل کرد فرین
 تقمیر و اللعالی مدعاس قرین نبوت
 ایلله ایی عجله اوزره تصادق
 اولنکی عقد کز جود دای

بود و ایچیل بر منظره نکر که اقتضا انهم کز نکر

هر ندریک ارفع مواقع عز و رفعت اولان پیشگاه
 سحر تدرینه انواع لفظیات صادقانه و اصناف
 نکریمات خالصه اید دعوات مستجابی به نجات
 مستطاب به نزاری سیافنده عزم داشت

نثار

نثار و بگردد چو کال به دست ایکی اوج باره مصری شود
 قدیم نکر بر منظره نکر کوش کوز به غلت ایکنه
 جانشین و من به قبیله قسطنطنیه اقتضا سیله
 سحر نکر صدر و عید نکر ضروری محله نکر عا جاذبه
 عاید نکر به استانه سحر نکر رومال و مجلس عیاده
 نکر نکر انشراح بال انک شرفه نایل اولیو نکر
 سحر نکر سلطانم طرفه نکر اولان رابطه ازلیه
 و علقه قدیمه کلیه اقتضای اذره طرف
 شیرین و عانامه تحریک از روسته اولوب
 حتی چاوش باغیر اغاینده کزله بوخ صوص خاکره
 اولنمشکی و طرف شیرین متوجه ادم دوشمن
 خبر و بر منک اچول سپارش اولنمشکی مکر
 قاسم اغاینده کز نکر خاکپای رفعت نکر نوصیل
 انکرده بو محله نکرده خبر دار اولیو مد نکر
 عظیم شرمینه ایکی ناکاه چوقه دارینه لیر نکر
 التماس نامه علیه لری وارد اولوب بوخ صوص
 سلطانم بری تقدیم سپرد دین نکرده نالی جماعت

قت زباده اولوب دعای غمزد و شکریه ای اختیار
اولمشه و در جناب حق وجودش تضرع اوقات
اکرار دهنه مصونه و مطالبه مناصب بکری و حمله
مقرونه ایله ایله بعد از سه التماس نامه علیه
ایله چشمه بیری روش بیدار من باینده کرم سلطانم
بدره ایله افندی به محمودی افندی نویسه
حضره ملک مرجع نیازمند ال و ملت های حاجت
منده اوله دیوانخانه اربعه الارکانی
شماره انداع تواضع و اقامه تضرع بکرم
ایله جبهه بیری جریده التماس و اجابت
اولمغه لایق رقوم دعوات کامله رونق افندی
صحیفه اصابت اولمغه موافق رسوم کجیات
شماره تشاری ضمنه عرضه داشت داعی در به
بود که بنم و خلد سعادت و سلطنت هر تری
نمیغه رسنه ثاوری داعی قدیر حمول
علما افندی داعی بیری جادیه عنایت الهیه ایله
صوب دولته غریبه ثا اول اولمغه اثناء

مورد

محمودیه جلوه افندی بچند روز صحت بیه
منتم و خاطر و براغز شسته الفکر بیه ۹
اولمغه اثناء اگر چه بچند جناب سعادتمند
اوازه خصال ممدوده سیده مسامح افاق مملو
ایه بکی جای اشنیه دکل اما علما افندی داعی
لرنگ طرف اشرفه رابطه خاطر لرنگ کمال
استی کامنده ناشی علمیه نقالی محاسن
حماطه سه بانه انفس و اوقای جناب
سعادتمند محاسن و مداحیه علم طریق
الحصه صرف ابتد بکنده بودید خلوص پرور
دو غایبانه ذات کریم الصفا تکره و لبسه
اولوب از دل و جان دعای غمزد و شکریه
به اختیار اولمشه در ذات عیبت انگری
مطلق حضرت مسند غرته پایدار و مرکز
دولته اخیره و عافیتده امد و خیره توفیق الهیه
استوار ایله حالا مطلق جناب سعادتمند
ارزوی ملاقات طایر صیغه جناب اولوب

خاکبای کوه شوق رومال پرواز کلمه زبانی
 خاطر مجروح جذب سعادته در طرف نیلوفه اومان
 اختصار قدیمه نایب منظر لفظ غایت
 بیور طوی نیلوفه بر لبه لطف و التماس لفظ
 بیگانه مقامه اولی سبب معده و معالیه اکرام
 التماس کنشیم که خبر از ما است اولی جفته
 قوت قلم و نه نایب اعجاز اجتناب اولی
تذکره نایب نایب نایب نایب نایب
 صفت رنگ منظومه فضل و غایب اولی نایب
 معارف امین لری زیورده جوامع کرامت
 دعوات خالصه و بر سس خاطر لری و بیاض
 رساله خلوص قلندر صکر انهای کرده
 مخلصا خود که طرف محبدرینه اولی هوادری
 غایبانه لری او زره لحن حال خلدینه توجه
 بال بیور بلور سه بجهت و تعالی اجزای
 مواد چشم نزا و شیرازه و ارجح عاقبت
 اولی کلام لری به بیور تحسین نایب منظومه

معنوت قلندر سیده درجه و صی و زات
 فضیلت سید شکرما قیابوش و صفت
 و صدوقه و درون مشهوری لبالب جوامع و انش
 و اهلیت اولی نایب نایب افواه احبابه کوثر
 حواله جانی نایب کسب نایب اولی سبب حال
 بنهال علاقه و زیور اولی و نایب کرد و نایب
 اولی نایب نایب لای لفظ و لایب لری که صریح
 شناس مظاهر لطف و بیما سنده و بی
 صیرت اولی و نایب نایب نایب نایب نایب
 نظام ایدوب ایدی بیور مشر اولی شاهد
 لرحرام در دمان بلای نایب صغای منده
 فصای درون بهار است و انشراح ایدوب
 کمال وقت ایدوب مطالع سنده نایب نگاه اولی
 هزار لایب و نایب و صی لایب نایب نایب
 اولی نایب خاطر و قیافه بیور فریضه بیما
 و ایدوب لایب نایب نایب اولی و نایب نایب
 نایب نایب نایب نایب نایب نایب نایب

موزون و موجز و بای فصاحت و هر نقطه گیتی نقش
پروانه سراسر معانی و هر لفظ نمکین جمال است
روحانی اولوب اطلاع حسن گذاری تو بسید جابره
سینه تحسین و جناب شیرین لبیک طبع جوهر فروز
و هنر پرور لرینه حوصله تو بر دهن بیرون افرین افروز
بعد گویم بنه انار صیقل زده جانب خلص لرینه ارمال
سرت پیر مری ملتد بهمنه و دمنه سوار

سپید و سرخ

کافه جهان بنانه محض افندم سلطنت حضرت شک
کوشه لبساط و لعلری لب تعلیم اید پوس
اولنوب دعا ایام سعادت انجالم لرینه
مقدمه جریده عبودیت قلند قدح فکرمه معروف عبید
کمترین بهادر که حضرت خدای جهان افرین جل شانه
وجود پر وجود است نور لرین صدر بلند اقباله
مستدام ابد و رب ریشه علیه صدارت عظمی لرینه مبارک
و مسود وظل رافت لرینه منار قیام اذره معدود ابد و
اونا و صیام غواقبال لرینه سعادت توده بابت ابدیه

بوی طبعه ملائق البال لرین تو بد بیشتر از سعادت و کتاب
صیانت جدید ایلین کلاه لک و افغان فر فر بود و
اسمانه انکشتد بوداع در و نیکون خنایای
احواله بالجمده فهم عالمان بمرینه روشن اولمنین
ریاض احوال مزکن سر به حرم اولمیر عین سلیمان
ایشان سحاب عنایت لرینه موفق اولمده بوی نکام
عجز نانوایند و شکری پیر ریله زیر احوال پر ملال
غایت مکدر البال اولمشه مناسب کور لرین ناغ پاره ایله
کوشه فراغت و دعا و دود و ضلعه کمال فی آلام
نقیده بیور ملق بایند لطف لایه سلطنت حضرت شک

بوی و سرخ

سعدتو سحر جلیو قریب انتم افندی حضرت شک
نمونه بهشت اولان نادوی دولت قریب لرینه
عزیزه خاطر و نه سر زده اولمشه سینه سر کشیده
دعوات صافیات اجابت ایات خوشه کرده خرم نگاه
اجابت قلند لرینه سیافند و اسم پر کشش خاطر انور
مراعات اولمده خنک و نه انهای کرده دولت جوهر لرینه

اگر لحاظ ضمیر لری جانب مخلصی به متوجه اولی شود
 بحد در تک محاط علم جهان شمول لری اوزره اوقات
 حیات دعای اولیای تو صرف اولی محض است
 جناب اخوه فایز بنیک کرده اش اوقات ثانی
 ایام جنبان دعا بتریکم لاریبید را خبر دست
 بخت لوبه دهر کثی انظار زایکی بر قطعه ملطفه
 کریم لری و رود لوب مضاعف صفت نموده
 استنار اولی تو اوزره مجالس اولیای نمره
 بو مخلصگری ز بانگذار بهر لری نینده ناشی ساض
 ضمیر و ثابت اولان شجره حجت قدیم لری ریت دار
 و بار اورا لوب خلوص اوزره دعا لری اچون دست
 اخلاص برداشته بارگاه کبریا قلند و واقع بود
 ایامه بری بهنوده جریانه ایدنه حقوق سابقه نک
 و فو متضام بود و حضرت در عنقوب صحت ایامه مرفوع
 ملاقات نایل ایلیه ایی جانب دو تخت لری نه جریده
 خاطر دینه منشی بهر لریب مشهور مسامحه
 توفیق اخبار صحت لری نه تربیه بهر لری در جریه

ایام بهت جام مرام بر و دام بهر لری بهر

مشاهده برین زمانه

بیشتر ای حلیه و رال و ریح و نفوی بهشتی
 استکاران فوزی و بهر لری رهنمای سالکانه
 راه خدا و شد اکاه عارف باه و لا یتلو که استلو
 عالم بهت لری افهم لعلم حضرت بنیک کوث سجاده شریفه
 ارشاد بهر لری شفاء ادب ایدنه تقبل ملتیم و داس
 عبودیت و اخلاص کما هو الواجب تقدیم اولیوب
 نفس مقدس ز کینه مد در سمرندنه و استفاضة
 و استغفار از هر جگره معروض و واجبی عنایت
 معشاد لری بهر که مجالس روحانیت موش سمرندنه
 دوری ایل دوفین شمدی بیقدم روزگار ک
 نیر بکنه ای دل بلمر منش صفای وصل بهر لری
 کجی دطر مشر حاله اولمندر لکه افراش
 قرب معنوی تلا فیما اولم و ابی الامالده مشر علو
 و الحاصل بهن سلطه استانه فیض نبی و لری نه
 لری چاکر دلیش و فو قدیمه کثر بسته عبودیت

و دامن در میان خدمت ملازم اولمفل است
 سهتا لرنده مسئوله که مهبط التوار نهاد
 و طور بخدای معنا اولان فمیر قدس منیر لرنه
 دور وانه اخنه بر از ع فراموش سپور میوس
 من نوجواری اجابت انر سپور لکن باینه مامولر لرنه

بودن شایسته در

حضرت تیرنگش تاوی والا لرنه شایسته در
 تکریم ایله خطه شامده جریانه ایدنه جو بیار
 بسیار دعوات سر لفته الاثر و فو که زیاض
 صالحه دن ابدار تر کجیات فیض کستره اخافه
 متعاقب عرضه داشت لرنه که الیه تعالی
 ایله شمره همت حسن که اولان شام
 شیر لفته محاط ذهن و قار لر او که حال
 و عاکره کوس فضا و کتایمیدنه غیره می
 اسایش بوق ایمنش سینه باضیه و بر دفته و فوضیه
 کر یکده شام دفتر دار لوفوا سکار اولر لرنه طرف
 شیر لنگر نونه اگر اول طرفت احتدال احوال مسد مگر

اول طلبکار اولر و یکزه محض کرا ایمنش اما لرنه
 مسکوره چاره بوق تیار ایدر اعزایله واقع اولری
 نه حال فیه زهر ایدر محل لرنه ایدر وب بنیان
 حالده اظهار کن ملال انمکه مخایر عالمه سرایت
 ایدنه چربش ملتدنه بو طرفه افوضه و افره
 انصابت اینکل مناطفاته بر همزد دست
 غار نکران کز قنار اولمقیه حاله عرض اولن دفتر
 مرجیه طغنه بیک غر و شمره سیا و عاجل احوال
 سپور لفته صرف همت اولنوت تحتار لرنه

**نوع و فو شایسته در شام دفتر دار لرنه بیام
 اولمقله شمره لرنه یار و نونه**

حضرت تیرنگش در مکارم پنا لرنه شایسته
 لکریات حمیده و تعظیمات پسندیده منی
 دعوات متواتره و نمایای متشککه الخاف
 عقیبنده انهای داجیلر بر که بنم و قتلر ادغام
 حضرت تیری اطیب اوقا نره الشفات نامه لرنه
 مندرم فرمانه علی بن نهب و لکراس و علان
 بالا سپری خلعت کرا انبهای ملوکانه وصول

بود اعیان در جات عرقان شادمانه فایز و احسان
 طبقات امتزاز و انتهای جانور ابد بکشت
 کالای بقیبات قاصد در بیم برادرم الحی شوق
 اظهار شکر این جگه بازده صبرت اولم البت
 بروجه دلخواه مسند دولت مستقاید و بیکر
 غریب ایلد قوی لزلید بر اعانتند بر منو بصر بود
 و رعایت حدیق اید نکر جلد سینه برادره توفیق
 بسود مد بکر مرقوم اوایلده او که فی ذمه تجاوز
 جایزه اید مسر اولد بوز معلومده فر صر صانی مدت
 مد زمت ابواب اید یوسه کاری ایادی منتظر
 او بریزد و مشهور مد راوایه ایگه سینه دمه بر زمره
 غزل و مانع امیر کی چاک و حیوانات قدر شناسار
 بیننده صاحب آرام قدر از کی مشرف هلاک اولمشیکه
 بریده محله بود که کرم غفیلیم خارج خطبه توفیقده
 جناب حق سنی مهر ایلد فرضا فیر اول رتبه ده
 بولسم اول طایفه صدر اولمیه حل معتز نم اول رتبه ده

فرمود

خیر صفا و عا کرام اولان بوسه کرا نبها که حق صر غلبه
 اخلاص کز دمه میبند رفیق بود قدر دایره دولنده عزیز
 باز ننگ کف خایا منده دولتک زمانه رها بیهوده
 کورک اینه داره بالای ارز و نایل اولد
 بود که نه معامله دستگیر از الطاف رنگین مشتقانه
 بریده کج محموله ظهوری جلد امان حلیه مست صبرت
 خرم صابر ایکی حسود بهر وجودی سوخته التش نکبت
 ایدوب بود بر یکسانه و عاجزانه نظریه مشهور
 اید نکر بکجه اول خلعت مهابک حاصبت جاذبه دانه
 تا تیر اید بالجلد یوسه کاه تعلیم امتداد طرف
 شیر ننگز دمه بودیه الطافک ظهور به احد بنز کز شک
 خدمت نعل واقع اولنده خلعت و منزه اکراما والحق کن
 کمال رتبه سرور و بنا زمانه دولتمزدن قالمش بر نیم مشعل
 فقا کور کز و ارامیدی و سر مایه احتشامرا حق اوادی
 لعنفرا اولان خلعت سمور نون لانه حالند نه غرضی
 جوامیری دل نه کشته شکارت شکرانه به صده های کما
 نفس چند ز عزم سنی استماع انبکال به اختیار احمد بک
 بنده کز الباس اولمشد حضرت دمه بهشت بودیه مرکز المانه

جنبه گری و ایم ایلیم نامه رسالت تجلیل و تحفه خیر کجاست
 تصادفی بود جلای برود و خواه تحریر جمال حاله زنده
 تحریر سیر سید عالم و مکتوب نگذاریم برادر افندی خیرتری
 مضمون نامه گویند که اثرات بهر بدلت خیر خواها کنیز
 بالجملة گوشواره سیم قبول قلند حضرت در دهر جا اندر که
 سوره بالجملة موجب شرمسار ادب و مکر کننده فقیری صیانت
 ایدوب مورث افتخار و تشکر اوله چون سلوک
 موقوف ایلیم علی خط کز اولان حالت دل شمدی بهر بگذرد
 اثر فالیند بهر شینک غورن قارشد رین و مانع
 دو فالمدی طبعه کور و بکلر بخورن خود الیک اجیری
 حلال ایلیم و بیکه قرار و بر مشرف را نه نشانی
 سینه ساقه ده اولان مسکنه یک سر و طرف
 طرف افراط و تفریط انحراف انیموب عیان شرط عدم
 الفضل اول مصلحتی کوره کلندر تفویض و عمل معتاد
 علم طریق الاستغنا قناعت و رابطه بند حسن الفت
 اولون محمد در موفقی ایلیم ایلیم مایه
 ترقی و سیر به پیش به یار و شاد
 هر یک نشانه منزه خلد برین اولان بیشگاه

والای سیر سیر کتاره سینه رسم استایو لیاخ اوزره
 دست تواضع و تعظیم وضع شکوفه دان دعوت
 و برکت سینه نجات عقبنده بود که بنم نور با صند
 ایشهاجم سلطانم خیرتری ظاهر اکسیت غور رسیده
 شامعه علیدر کز اولش در واعیه غم بالکلیه محکوک
 جویده ست انکی دائره بر خط آباد رومده
 مکمل اولان لقمه اس و دانه احباب
 مال کسر بر راه صراط سیر فالمدی مرجع دل
 اوحدی صراط سیر فالمدی شهر حلبه
 مدت ناصیه فالمدی نقل ایتدی رومه فسمتی
 دایه قدر شرمسار بدن شمدی بوس ایدو جک
 شیر فالمدی الحاله هنر جلوه کاله خدیو اولان
 استال علیه دولته بوی بی کام بیرانه بیرانه
 حرام دعوت اولمای لغو اهتمام اولنده ده
 تفاسیل احوال تمیقه رساله دعا بنده کرسه سیر
 صدر عالی بهر بگز کتار الرعابو عیابنده کتار نیر نیر
 محاط اطلاع اولندر مایه کرم سلطانم خیرتری سیر

بودن جنوی علی افند
 سیم سقا و تلو سلم هم صهر مدی علی افندی سدر گوی سلطان
 تعریف حاجت یو قدر زیر اجلاس شریف کزده
 احوار اوقات اینکله نسیم وجود نه کمال مرتبه
 تحصیل اطلاع بیور دنگر محققه راجح شمدی
 حاکم مدینه رومال اینکده بعض احباب کزده تعریف
 لازم کلد کده س انگیز مکرر بیور لمیوب هماله
 و عانیه حاشیه سن کوسه فکل اکتفا اینک
 ایچون تحریر اولمش در مندر جزو رنده کزک
 وجودی بر شمره بگز که ایچنده جامعلو و مدیه
 و طیب دکاندی و اساز و سوز چالندور
 قهوه خانلرده واروس بر شمره لازم اولان
 مواضیک جمله سیم مود زما و عباد ابله صحت
 فیض زهر و تقویه انلره غلبه ایدر چک محققه
 لکن انلرک تعلیم فیض بر نلرک تحقیق مرتبه
 سنده ایدر یکنه بود عا جکر شهادت ایدر هم مدله
 مته اول اولان جمیع فنون مس بل افاده قدر
 دار و شروانش او و قدر کماله سیم بنانده

مستغنی

مستغنی موسیقی و قایم لغات و شعب
 مقایم تنزه ابول نصر فارابی قدر موفی اولوب
 ارباب سازه نازبانه تاویب اوره حق قدر
 تجلیت مضارب یو لکرنه تعلیم و نل قدر و قدری حملدری
 لغایم ایدر چک مرتبه اهلیتی مقرر و تفاهل طیب
 حکمت تشخیم اعراض علیت نه بهر مدای عافیه
 خواص منافع مفردات و مرکباته بقراط و جالبوس
 وارسطو و ابن سینا به خامس ایدر یکی به اشتباه
 سائر فتنه نواز پنج بشی و اخبار قدرای
 سلاطین و غرایب حکایات و اخبار لطائف
 بشمار انبیاح انار ضرور انشال مغزله لکرنه
 احاطه طبع لحنه امثالده خارج بر کلام اولمق
 اغلب احتمالیه رکت سماویه قریه نکت دقایق
 معناسنه امالیسنه زیاده و افق ایدر یکا محل فعل
 قال فکله ریچاشی صحت روخت اسیر واسطه
 دفع غم و الفت صحت ابله کدر ایدر نه اوقات صحت
 بهشت قدر مکرر ایدر یکی شایسته اشتباه نه عاریدر

اکثر ارباب طبیعت نوعا بیوفای و احبابی فدای مینمایند
 اید یکی مقرر ایکنه انصاف بود که علما فقهی و اعیان
 بومقول صفات دهمه دن عاری و کمال استقامت
 متصف و غم خوار و فادار و خیر خواه کامل و غیرت گریز
 و متحمل و عاجز اید یکی امضا کرده اصحاب خود
 و دلت و وزیر اصف فاضل و اصف کامل و در یاد دل
 بیسما دل سحر اید یک حضرتی برادر گزیده همه از
 صحبت و همزمانان انجمن النس الفت اولدینگز
 مسعود اولمغه اندر کث انش مشهور و نظر
 دقیقه شناسرا اولد قدره اله اعلم غایت مشهور
 نظر اعتبار لری اولوب سلطانک تفریض نصیب
 بغیر ده تخفیف بیوردیندر آینه تصویر جلوه غادر
 حضرت اله انکر نده و سدی نمیده حرکت و نشد
 قرین و امن عاقبت تحفظ و قایه حفظ امانت ایدیه

بود و بر وجه دیگر که

همه در یک ارفع مقاصد غز و اجلا و امتع مواقع بحین
 اقبال اولان ساجه جلالدرینه شایسته تقدیم

جلید

جلید و کبریاست خیر یله ایند دعوات هر و ش اجابت
 و کجای از انزیر النوی ضریعت نشاری ضمنند غرض داشت
 داعی دلر بوده لدر بر که جانب جلال داعی صدق آیدین
 لایک ضمیر افتاب جیب لری اولور است کجای
 هنوز بنفوله نشین عاقبت اولوب مجالس
 ریاست نشین و نالری الحام اعلا لری ایدیکه ضمیر
 اندر لری شهود و راع کرم الحام غم ز سر

بود و بر وجه دیگر که

همه در یک مجلس شریف فضیلت اید لری دست
 تنظیم اید لبر بر جوامهر که انقدر و عاقلند قدح کرده
 آینه صورت الهام اولان دل بیسما دل لری پرست
 مقدمه نبی اخلاص قلندین سبقتده بر داشته
 اقبال خدا لری بود که جانب خله استنبار
 القای احبای اهدامیرت اید او یکنه اولان پرده
 بر دوت مانع اولمیرب معاملده سابقه لری اوزره
 تنقش حال زار بر دلیله رسته کجای جیش خوانم
 محبت اولوب جناب لری بر زدن قطع پیوند انش

ایندیری صوبه نگریمات به سمان و نبطیات به لکفانه
 ایله و عموات مشتاقانه و کجیات مبعذانه اهدایه
 لازمه پرسش خاطر نازگن لری اولمسه فکله آنها کورده
 دبستد لری بر که بنیم تو بر ادرم جانم افندی خمر لری دیلر
 جانبند متوار اولان قوافله مکتوب امیدیه
 بیک خیال استقبال ایند که تهای دست عودت
 ایند کلرند غیره کمر کجیلر خیال لری رقیب صورتند
 استقبال انکه مؤدی اولمده در جنا بکر دیار بکر کی
 قریب جملده بولند یکنکتر غم بید بفته ده بر مکتوبگر
 و رودی نامول ایکن بر معامله اشتیاق کنده میانه
 اشتیاق قرابل بوموال او زره موازنه اولنور کنه خلاف
 مامول وضع نفاقل کورته کوزه بر معنی و بر مشرور
 از جمله مشاغل امور مشرور و مجاری و محصله فایده لری
 مانع اولنق ملاحظه لری خاطر کلور اما طر فخرده اولان
 شو قمر بوماده لری ترجیح اولنق خاطر کلر برون
 اجانب کی به امید لری بر طرف اولد بومعلو مقرر
 مولوبت مانع تنزل قلب شیرینه اولم نک دفع وقت

حفظه و نقل المایه
 ایله و عموات مشتاقانه
 کجیات مبعذانه اهدایه
 لازمه پرسش خاطر
 نازگن لری اولمسه
 فکله آنها کورده
 دبستد لری بر که
 بنیم تو بر ادرم
 جانم افندی خمر
 لری دیلر
 جانبند متوار
 اولان قوافله
 مکتوب امیدیه
 بیک خیال استقبال
 ایند که تهای
 دست عودت
 ایند کلرند غیره
 کمر کجیلر خیال
 لری رقیب صورتند
 استقبال انکه
 مؤدی اولمده
 در جنا بکر
 دیار بکر کی
 قریب جملده
 بولند یکنکتر
 غم بید بفته
 ده بر مکتوبگر
 و رودی نامول
 ایکن بر معامله
 اشتیاق کنده
 میانه
 اشتیاق قرابل
 بوموال او زره
 موازنه اولنور
 کنه خلاف
 مامول وضع
 نفاقل کورته
 کوزه بر معنی
 و بر مشرور
 از جمله مشاغل
 امور مشرور و
 مجاری و محصله
 فایده لری
 مانع اولنق
 ملاحظه لری
 خاطر کلور
 اما طر فخرده
 اولان
 شو قمر
 بوماده لری
 ترجیح اولنق
 خاطر کلر
 برون
 اجانب کی
 به امید لری
 بر طرف اولد
 بومعلو مقرر
 مولوبت مانع
 تنزل قلب
 شیرینه اولم
 نک دفع وقت

لوق ذیر الحیدر مصر بغداد و ارضه روم و شام
 و نهرای عجب بید بود اعیلری طرفه مکان
 ایشان قسطنطنیه نیز ایند کلری لوقدر طر برون
 کیم سبانه دنه فایق افندی برادر بکر کن شجیده
 دکن اوج دفعه مکتوب کلورین جنا بکر کن برون
 زیاده کلر کی الحی محل تعجب و تصور عزمه مطابند
 بر مندر اربده مانع فکله و بر مقدار تعبیر نه ارکنده ظهور
 ایسه جک نکشکزه محل اولمده غیره بر وجه
 بولم مشرور خوشمندی انچه بعد الانصاف بوطرفه
 اوغرا مکر امیدیه تسلیت بولمده یوز دیار بکره
 عازم قافله دنه نامه رسنه داعیلرینه ملاقی
 اولوب بر مختصر ورقه کور برون دکن کوجیلر فایده
 ایند کلر بولمده به لکفانه کور برون انکال کلرند

مهر دار کور انابه یازده

سعادتمند مکر منلو نور و بدم او غم جانم غم برون
 بزم کنده انور کی هم افندی خمر بکر کن امیدیه
 بحر حقیقت و علم غم شرب حل معرفت مجلس اسنا

وفاست شیرین کبریا که سینه سوز دهنه اید و صفاست
امواج انوار طیبیه روزه دارانه بیرون و نور
کرد و له شکاف و شبانگاه ماه روزه جامع است
چهره فروز استنفال اولان قنایه الیسی رخسار
افروخته کجاست خلوص الصاق نثاری تبریک الیم
بیرف و پیرش خاطر لطیفی ایدم نرین نیتیم اولور
همواره شام روز کی غریق نعت عافیت طبع
آتش جوش که نشاط و رقابت اوله سوز
پیام مسرت نجات عافیت در منظمه
نمینه خاطر کمالی غم شوال کبی که گذار
چشم انتظار بکته وصول فدا و رنگیه
ماندنی سبب شهر آیه قلب خورش اوله نیت
غیری چند روز سبب حفا ارمه دم و زبر
کریم الشیخ سهرورد ابراهیم پاشا مهر نیک
حبش زاده انشاکسله بر نواز شانه دلا
رالی و ارد اولوب حکم بر شب اعیان
و حال حفا خطه شهاد و نلد و زیر نظر

عظیم

عظیم القدر و الکشف محمد ربک انباعت
خلص غامزه چند نوز سنجده دقیقه شنگ
ارایش صحنه بر لطفه بقیرات انشا
صحنی به مانند فی موسفیا بکریانه تحسینه
اوله قلمی انشاده جناب تیر نکرک سبب
طدر جویدار خلوصه عایانه بنفزار
حروف سحاب صدق تو جسته برب نامه
مشکبه نقاب زبکی خطا بدی توار دایره
دوشوبه روایح مزایای ناکته من ایدم تو طبر
شام دماغ نظام انیم کله یو طفره اخیار
کلیا یک زمره انصاف جناب نظر فیه تحویل
ایله یکی نصیقات حکم الهیه به حل اولم
حمودی علی افندی شاور لیکر اید اکثر اوقات
نمک شیرازه جمیع جناب بکرک سر رشته حماد
وصاف و محاسن اخلاقی اوله جناب بکرک دف
مزات ضمیر عکس اوله جناب بکرک نیت
علی افندی محله کز تجارت تنادل روزه به ایدم

چند روز مقدم جانب استند دولت را کرده غریب
اولین قطعه زنگی قال غریب جنب بکر لست
قریب آنکه خیر و اری ملتزم عهد نصیب زانی
ایوان کشاده بالو و سباب عید آماده با
وزیر اعظم تبار و رتبه است که در این عمل بود
افندی و بابا عثمیه که در این باره خبر
هر یک صورت سعادت انا ریلند عیالری صوبه
انواع تعظیفات مشتاقانه واقف نگریات
منجه بانه ایله دعوات اجابت پیوند و تحیات
روحانی پسند تباری ضمنند مبارک خاطر
خطبه مکارم سمیه لری نمنخص و تقدیم اولند
همواره وفایه الحفظ باری کامبیه و کامران
اوله منبر نیم نور و یدم سحر توانای کریم است
خضر تری انقلاب دولاب فلک اجزای عالمی
عیا الحضر افراد نوح بنی اومی گاه پست و گاه بلند
و گاه نهی و گاه سودمند این کلدیکی مشهورین
در اگلند در حکما و علی استغناء ابتدای دولتی

طول

طول حیانه شربت شافی عتد ایلمند و رفت
ایس و وای باغبان یکی محققه بکجه بر و یحیی
عبور اید و بفضای دست اید رفت و نمنه
وضع قدم اید بکنه انوشته تعالی بعد کیم ایا
سلف و نه افروند درجات رفت دولت الطاف
الهی و نه تلافی و مکافات ظهوری او محققه
بنم سلطان جنب بکر لست کاش بد و دولت آصف صاف
در دهن خضر تری بو طرفه شیریند نیم پرواز کار چید کزنده
خال و کلد جنب بکرده اولانم علاقه صادقان لری
زبان قلعه او اعرابه سنده بیرونه جنب بکر
فکری کنده امور لریه تقدیم پور و فکری محققه
حتی ابتدا علیه نشر بیدری کون استغناء شتابان
اوله پیغوده ابتدا املافا غرزه بدت بر سیاه بار کیم لری
زیر رانه پد رناتوانه که اما کشید بهر و بلسان
عثمانه اغا و غلظت برده یاد کار لری نه برق لری
سنگ سوار او کلد اندر دفرضای حاله استجاب
انکدر دیوانه نوز بر لریه چشم حقیقت بین لری

قطرات اشک فراق و شرح آنکه بیهوش بودید بگریه و فراق
 سرایت آید و بجهت اختیار اینگونه فکر بانه اولش در
 جناب حق اندریده و سر نهاده و موایلیه امی جناب قضا
 منافی امور ضمیمه انوار بگریه صورت دلخواه ایله لیسریز
 سرور را بیدار نموده اند و قدم مکارم علیه لرزیده و نهاده
 اولدینجه سحاب قطره دانه حرام شربیه دانه و خسته
 اولوب محمد اغا قوکنزه لسانا سبک و بولورده
 احواله بپوشیده سوزن و محمد پاشا حضرت نوری ثناء و بگریز
 بومعاده منتهی اند و بکجه منانه لرزیده و زیاده منتهی در راه
 کور و سلیمان و سید و ابیه و یار و شکر
 معرفت و نجابت و علم با غم مهر و اراغ حضرت ترکت
 حضور نزاکت نهاد و لطافت انتمال لرزیده شوق تمام
 و انجذاب حجت فرجام ایله جناب بگریه و وصول و مقدم
 جویین قبوله مطهر اولان دعوات حجت انگیزه و مجتهد
 سامعه کز و نه اول او بیزه کوشش قدسینه اولمده
 سزا نیات لطافت امین اهدایه پرشش خاطر بگریز
 ایله ترنمیل سبب فتنه آنها کرده پیری بود که

بنم حاجت الهی جناب بگریه اولان علاقه در و غزل شهره
 اولداسنده بینه جناب بگریه اصدق و ادای شهادت
 اخلاصه جملده و جناب بگریه البقی اولدینجه امضا کرده
 خاطر سوسنا گلر در منتضای خلوص بگریز تاثیر انتم
 و شمع بر حالت غریبه انصافه دفع اولمیشی بگریز
 مناسب کور لری خلاصه منال بود که حموی علم اقدی
 اولدینجه ایله مخلص خانه ده پشور انوی مجالست صحبت
 اولدینجه حالده و دولتواصف کرم ایشانه وزیر
 محمد و الحاصل سلیمان پاشا حضرت نریک محامد
 اوصاف علیه و محاسن اخلاق سینه لری منزه کرده
 ارایش او قانع اولوب بوسبب فتنه جناب بگریز
 ذکر جمیل لری و فوتمی صحبت مجله حاشیه و خوان
 نعمه صلته منزه اسنده تعبیر اولوب علم الحضور
 حالا اصف و عجب نه وزیر اصف نشانه عالم تر
 وزیر اکایام وفا صلته سید کسندر اکرم و صلی
 سید ارفا تم مقام معالی اتسام علی پاشا بگریز باریز
 و مایشا حضرت نری و قارایش زیر قبه دیوانه سعادت

اولیای بنده نذر اکثر ایام و لایا لایه شانه
 صحبت و الفت منقاد اوله فی جنبانکزه دور
 عید و لیل قدر و تبه لری نمایان اولوب
 ایلم کلتنه مطرا بیند نسیم جا پیکر شایسته
 بر باد ایلمه صیفه میا ننده اوله انگشت اشار
 منزله سنده جنب نه اینه گلزنه اکره لری در
 میا نه و پیچیده سر انگشت زبانه قلند فر اثناده
 حکمت باری غیبه خلوص انگیزه کز و صول بولوب
 مفهرم مسرت لزومنده تمام قالب قصور عزم
 مطابق ایک دستر کریم الشانک حالست
 و موافقت لری اثنای صحبت نره بودا غیلده
 زبانکه ارغنایت پیور و فکری کز تر تیشتر اولمندر
 انشهای حراب سوره نایر اولوب دعای
 عرو و خدیجه حجه و شروع اولد یغنه غیری
 جنبانکز قریب نشسته کرامت و فو میر اولد یغنه
 نجیب و استواب اولمندر نرم عینیه خدا که
 خری کشو انمک فوت قدسید دانه غیریه

محراب اولمیه جلوس بدیدر کینه غریبه بود که هنوز
 مکتوب تراکت اسلوب کز الدنه و شعیب
 بسی پیشو ظهور و بطنه تکرار ایلمه تا الحضر
 مهر معکوس الرسم اعجوبه نالجب فرما کزه تا افندی
 بد رنگر ابله انواع منالرو و یروب حتی استخراج حرف
 معکوسه منطوقه سه نعلیه هزاره محتاج اولوب
 بد سیاقه کیه لطف کز اجر اولد کز عجب استانه
 طرفه عازم کسند و ارمیدر بر لطیفه کونه مکتوب ایلمه
 محرومه حرف اندازلق انیسک لطفی علمه تمام انجمن
 ناکاه نمیده رسانه چو فیه و اجیل سیکه مدزه پیا و نر کز
 بحبینه ظهور ایدوب مکرمته ما تا افندی به بولوب
 اندر مکتوب تحریرنه شروع انش بولوب لکن بود پر کز
 علی العمل برمودت نامه به کز اید کیه به دکن لصفیعت
 کوج اید لوقیفه اولمشد رت ایدها خضر نری محضر
 دعایا تحریرنه مساعدت و فت اولد یغنه د ابله دعایه
 و کالتکر مرید رانی عر کرم دیر باکی
 بود و فایق افندی طرفه دانه

از این دار دینم جانم اگر تفحص حال استخدام مراد
 اول نور سه عینی ایند نکفور سر اینده زیر غبار ده
 مکه رو بازده عوام اولان الماس نمونه می اولمشد
 عنقریب جناب حق مصطفی الفاطمه مظهر البیت
 عینی ایند نوادرت مال مال برگه جمعه بهشت
 و مکنزد و کثیر از بهر بوق جلدی پیرش کناری
 پرموده لکنه و بر سر سپهر کسند بر سر مایه مراد تا صیفی
 منکته اضطرار بنده ایند نشانی لطف و بانی
 با و جبر ایند حیو بنده برگه بهار امید بنده بر جناب
 حق عنقریب بدو رحم بجز اینده مرهم تلافی
 اولنم میر اینده باقی همه غنیمت حرام کسی
وزیر اعظم محمد علی پاشا
 خرد تر نشانی ارقای معارج جاه اجلال و اعلا
 معارج غدا اقبال اولان دیوانخانه رفیع الکاس
 و وسیع الافضل لکری بنده مراتب عاید بنده نمایان
 خطبات جزیره و مرافق سلوک بنده نما و زنگیران
 جمیع ایند بازار قدسیان سوزش انگیز و واج ناز

اولم

اولم شایسته متاع نوظهور دعوات به انداز
 و بهر ایند بخور خور اولم خبیر نشانی تحیات
 بنویس راه اهدا می کنند حال داعی ویرین
 تعلق کرده پرستش لطف اقرین اولور
 بچشمه شایسته ترکیب چشم نزار بهر ار دعا ی عمر
 اولم لکری اهرم اشتغال دل زار ابر یکی و ارسته
 حدود انکار در اخبار جانب اعلا لکری سامه
 کثای انظار ایکه تا رفته لکری بدیم وارو
 اولان عنایت نامه صفت بخنای لکری تدار دعوات
 عنقریب مدرت اجداد غبار نشو شد واسطه
 رما اولوب نکلش خاطر دینر ماب اولمشد و بکرم
 زود اعلا ی فله عظمای امور و نه سهولت
 سلامت ابله نوز و بنده غرور دولت ابله متاع این
 ایسایه وصول محال لطف ذوالکله و متفکری
 سوز مستحسری اوله بنده اشتباه در امر
 عبارت کن بکر بکرم ضمای خاطر نشو شد
 استدلال اولم غده دامت اکت مسرت

وزیر اعظم محمد علی پاشا
 روحانی سعادتمند

اولمشر در جناب حق بعد کرم طویل قضایات این اتمام
 نعمت مقدر ابدیهایی مفهومی عمیق و غیره این است که
 حق افکار و عینیکه پایش برین است و اوتان و عین
 انطاف و مکتوب نیز فکر و در و در و در و در و در و در
 اولمشر را نه است کتابه حکما کله کس و الحوائج احسانه
 احس ابیاته شروع و محل شروع و در و در و در و در و در و در
 ابیاتک جایزه می خیر اباد جایزه می گیری سپرده
 کیه نسیان اولمشر محمل درجه اکا بعضی رهنه
 حال ظهور ابدیکی کوشش و در و در و در و در و در و در
 که بنگر ابدی تفصل ترقیم بازنده غیره بود جایزه
 احرا که در جستجو و نه توامد بر کور و کور و کور و کور
 صلح اولمشر ز همان جناب الهی صناعی خاطر نگره
 افزون ابدیه طوف شریکته بهر آن خلوص شایسته
 و عا تجریم نه نامار بنده کز آن تعبیرات و پذیرد بری قالب
 معنا نه مسجون سکه تحبیه ابدی مسکوک اولمشر
 تخلصکزه مایه شوق اولمشر را نه است نسیان و وقت
 اسعد و اجرای حق اشتیاق اولمشر

۱۱۲
 بیانی امواره فرمان سلطنت محمد نیکو

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم
 وقت بی و نشین در جمیع افاضل اولمشر و در
 بهشت سیما و انجمن روح بخش لبرته اگر امانت
 متشوقانه قرار آن واحترامات منجزانه به اختیار
 ابدی جبریده پیرای روحانیه اولمشر شایسته
 دعوات و در و در و در و در و در و در و در و در
 اولمشر جسیان کجیات تازه بنیادهای
 مراعات لازم بر سرش ضمیر لری
 ابدی تزیین ضمیمه آنها کرده
 لبریده که الحافه

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم
 اصلاص ابدی مجلس تیرغه نظام لبریده دعوات
 خلوص انام فلکینو سیافنده لازم بر سرش
 خاطر لری ایام عید مراعاته در حکمرانها کرده

شماره بر که بیام غایت ذات مخدوم
 شب روز منزه ایکن احس اوقات
 علیه و هدیه بهی لری و روی مفتاح انشراح
 خاطر اولوب دعای بتای سعادت لری حاشیه بتای
 اوقات قلتم عر معر اول منزه لری

سرنامه دیگر در که شکر

افتی حضرت سکت مجلس خطبه واجب التوفیر لری
 لبریز دعوات سریع الثایر قلند لازمه لغیر
 ضمیمه لری حواله کردیم تغییر قلند قد صکره
 برداشته نشا و زنا کیم لری بر که ابرک اوقات
 مناصله علیه لری ایله قلبی لب
 اندوه قیصریه هدیه لری
 و روی تکلیف ذایقه
 سرور الحشدر

سرنامه دیگر

حضرت سکت امر نیه فلک هفت میانه اولان
 و بدانه خانه میمنت ایستلری ساه سه

حضرت سکت غرام و ایتهنای مراتب لفظ
 حضرت سکت ایله لازمه جمله ایله اکرام و قاعده
 و شاعر و دخیلری تکمیل و انعام اولنمق سیاق
 ایتهنای لری با سرب که بنم و لنگر سلطنت حضرت لری
 جناب حق نشانی و دره حسن خصالت و یکتا
 که مدینه مکرمیت اولان ذات پسندیده خفا لری
 و قایه حفظ صمد الیسره اکرار روز کار و نه مصونه
 و ایام سعادت اقبال لری روز افزون ابیه ایله
 بدنه اقدم علیه مکارم اصفا لری نه عنایت
 بهر بیان الشات نامه علیه لری وصول چشم
 یعقوب خزینه بوی پیر این یوسف کبی نور بخشای
 مسرت و افتخار اولوب کاه روی نظیره سایه
 و کاه کلید شوق ایله چشم از رویه مالیده
 فلنوب دل از نشاط نامه لطفت کمر کاه
 صدر با و خوانده و کمر از سر گرفته است مقصود
 او ذره دعای و لنگر نیه برابر چه غایب قلند لری

بود و در آن ایله کاه

نور سحر غایت
 و کس

حضرت یک نامی سالدینه انهای مراتب شوق الجذاب
 ایله دعوات خبریه اهداسه سیاقه فاطمه لیسری
 پرسش و احاطه بنده عرض داشت بدو چگونگی
 بود که بنم نور و بدم جریانه قلم نقد بر لوح نقش
 انصاف گزینی تسلیم ایله یکی اخبار بنده مقتضای
 عملیه بشریت ایله و بکبر و بلج و کماله لکن حقیقت
 احواله نظر ایله جمیع اذمه امد و قدرت متصرف
 حقیقی جل ستم ده اولفله خشنه هزار حکم
 منافع مستتر اولدین نیقن اتمکله جناب حکیم
 علیه التوفیق امور ایله اصرار زرتبه تسلیم
 و رضا اولمشد ریم نور و بدم احوال کولاجله
 نقایات و تقلبات او زره منج اولدین مکرر
 البس و هر ضیق و وسعت و نور و طلعت و عرض
 و صحت و ضعف و قدرت و تصرف و عطالت
 و غل و نصب ایله مال بیتاهی اطوار کونیه
 بر برین ستم در رای لغیم لایکدره الهم
 دور او مدینه الی یومنا هذا فاعذه الهیه برسم

او زره جاری اوله کلیمکی برهیتا تندر یک
 سید رنج راحت خرنه شادانه بدیده
 مال خود او کدره معلوم نمیکرد لکن بنم
 ایچ کوزم نقاضای طبعیت بشریه و نه نعمت
 منفور و عقین اضطرار بدو اما بخصل
 بضاعه عرفانه و بویه محله انچه در جاهل
 ایله عازم امتیازی بدیده امد و ظهور
 ایله کلدر زیر انصرف مالک الملک
 حقیقینک اولدین کور و بعباده ارحم
 و اشوق اولدین مد خطه ایدوب و هر
 معامله قدریه ضمنی هزار الطاف خفیه
 اولدین بلکله مستخرج اولمقد ر غافل
 نه شاد اولدین برجهانده نه غم جگر جاهل
 بهت شاد اولی و برام جگر کونیه سرور
 غم ناپسند و فی الاصل مسرت صورتیه کونیه
 محسنه و الا فیر غنیک احوال ایدین بر
 ایکی دفعه شمع و کرم و سرور رزمه صوره و کج

مرتبه لباس در لا غیر رزق متدیری بود و در سبب اینها
 مکتوبات و تمککات جلد عاریت اعتبار از تنه بر اینها
 فقیران را حتی و غنیان گشتی فقر در صورت
 ظاهر بود. عکس هر یک در باطنه نظر اولی و غرض از اینست
 انبساط و تنفس و نمایش عجز و بسند بنم بود
 و بدین جمیع و غرضه ملا حظات و همه و نه خاطر
 شکر بیکر تخلیه به است بهر سزا الناس مجرب بود
 باعمالهم انه فراختر و ان شرا فقر بکجه تمام
 مرتبه و نه مکن کینه نک مال عرقه مشعل بود
 فقیران او مدیکر که او صد مرتبه مجازات نشسته
 اوله سز بلکه تمام خلق قزایه حرمت و شفقت
 و لطف و عنایت او در بهایه اید بکزه کز به
 یک یزد بر نکران شکر بید را بگو بلا طلب
 و زحمت رتبه زبانه اعتدال در غیر مجازاته
 سزا خالنگر بوی انک مجازات غلظت و غیر
 و کلید را نه فود کور و بکزه از به کور و یک
 بود قدر که امضا بیدر سز زیر امضا شد الهی

کارخانه وجود و در کار و هیچ کس نه ظلم بود
 بهر یک چنانکه در نه بر یوز و نه خاطر متسلط
 جمیع خلایک ظاهر باطنه عارض اولان احوال
 میدادیم و غیره بدین حد و در استنه وجود کینه لبر
 بهر یک شود و بیای هر کس عملش امید بود که باشد
 مضر او یکی اعمال ناشایسته به مصدر و کلستر که
 ز چند مجازات اوله سز الم او در اولیه سز کینه
 بنم نور و بدین ظاهر بود که صد و در رابعیه بالغ
 اولوب بلکه تجاوز اید بکزه بعد کسیرم مناصب
 فایده و نه نفوسش نفوس لوفه و لونه ارا که به
 بهت بهر سز کینه قناعت و انوار به توجیه
 بقیه اوقات تحصیل و سبیل الهیه صرف
 اوله مستول و کلید و وقت غریزه مالک
 اولوب دولت دارینه و سبیل منتضای طالب
 سبیل و کلید و بوفل بقرار مینایه سنده اولان
 دنیا ی فانیست کار نه نه عاقبت باید بدست
 او کز به غیر نه حاصل در ماخلق که ان کز

بود کل در کور ملک بر شش قالمردی در و ده قلمردی
علیایه و فو و اصل اولد یکنزار و و منزه اولد یکنزار
مرتبه قالمردی مناصب دیونیه و نه قنفذ
نظر اولسه متواهل اولد یکنزار مرتبه یکنزار
مرتبه مرتبه یکنزار یکنزار خود چند صلاوت او یکنزار
بر منصبیک که و سوسه غلام یکنزار اما ده اولان
نفاذ لفرضه نه لذت اولد که که ریکه علی
مختدر اگر بهار دولت که کشته اعاده سینه
دلبسته لکت و اجرب بالکلید که ریکه مرتبه
اعتبارانی انداخته قنای شیان ایدوب
کنج غلظت قنای عینه یا بداملیان جایزیه
برایکی دورش شخندام و بدندنه اشاعه بر قنای
خدمتکار و برقاج لسانه حصار ایدوب
جواب پرکشش اسایش جهانم نای و خراب
زار قنای محترمه لک شانله نالی و سوسه
اتجیه یک مکدی و غایت دو جهانم یکنزار
نخستین در حین اصبح فی راهه سنانم بدندنه

اما قنای نهم نه مالک قنوت یوسیه فکانما ملک الیه
نخستین خلاصه اسرار مسالکت عقد یوسیه
ما دانی لغو و لکن یونیت خواتیم و انجا یکنزار
مطالیه نه میام اولمده یوسیه یکنزار نالیوت
اولد یکنزار منتهی نه مدافیه و و سوسه
منتهی ای ایدوب را ما سوسه یکنزار نفس بهلور
بنیم نور و یدیم حالا هنگام غلامه پروانه لکت
صدر رنن یکنزار را یک امیر ایدوب در یکنزار
منام اصل سینه رجوع ایلمه ده و سوسه
حصول مطلوب ایدوب یوسیه مدافیه سیده و و الی
مقطوع الامل اولد بر نفس طوری یکنزار یکنزار
نشیب و فراری برقاج دفعه کور مکمل ازمایش
کونا کور حاصل اولمشد رفرضه لکت جاننده
یونیت داعیه سیده غنیمت بهر یکنزار دولت
پرور اولانم یکنزار مدافیه و و فکانما یکنزار
بلکه مملکت سوسه و و سوسه اولد یکنزار یکنزار
کروانه لری الوب لباس و طلع یا غلامه کورمش

مفوله بی اوله فی مستخرج اوله مدح و مدح و مدح
اوله ق اما مقصود اوله منقاد فی خارج
کلام محمد مضمون در التماس غیر لوسه اصنه

بوده بر دیباده در

حضرت زینت نادی و ولتمه از انجمن سعادت انار لرینه
مراسم پنجمین ایل تعلیم قواعد و کلماتی مختصری دعوات
صالحات اجابت ایمن کلمات زکات طریقت رهبری
اهدایه ضمنیها طریقه صفت ماثور لری استجبارینه
جسارت نه منکره برداشته داعی دو تنخواه قدیم بود که
بنیم سعادت و سلطانم پرود و باریکی صورت آیامده
ظاهر اولان نقش نامول توار و قلوب کاف
اسلامیه الودع غیارانده والام اولوب
فصوصها جناب سواد لری طرفه نه طریقه محمد و محمد
رهینه تشویش واضطرار ابکن ناکاه مدخله
کرامت لری و رودی کریمه جان سخت کبر بهجوم
پنجمین مذم تخلیص ایدوب ذات کریم الشانین
اکثر اولیای نعم اجابت شکرانه صحت سادگی

ایکونه

ایکونه یک مستفزه غم و الم فریاد اولوب شکر
کلامی غلطی بازی ایکونه جیه نیاز سوده
شکست درگاه ضای به انبازه قلعت در بنم سلطانم
بوجوب بار که رامینک و رودی حوای تشدید
ازل ایدیکی هوید در تقدیر جیبی بود و نه بدیدیم
تقدیر خدا را که نوات که بدر کرد و دار النول خداوند
مشترک اولان لذل امان کاه تنخ و کاه تشویش و کاه
شکست صورت مستلزم انواع فتوح
و شادمانی ایدیکی لاریبدره

شیخ الاسلام خیر محمد در

والی النعم انقدم لکرم حضرت زینت دریا بار ساحت
افعال لریه موج و ارزوی اشکبار رسانیده
قلوب سترای کوشش و کرد و نه عریس اجابت
ادجی لاله دعوات انداخته ساحل سحر است
قلندری خلاصه عرضه داشت داعی دیریندیر که
جناب ترکیب بنده لایق افریش جلال

بهائیه صلی الله علیه و آله و سلم
 نمودند و در این مصحفه آمده است
 همواره در راه افتای معارف و مشایخ
 ائمه عظام و اولیای انوار و سلیمان خدمت خودی
 البیوت شهباده اسد افندی بنده لر نیک
 آبا و اجدادی عظیم و اقدیمک منشیات
 خانوادۀ غرورند اولوب کندر و فرخنده
 عبودیت موروثه سنده سلیمان خدمت خودی
 مسند دارالشرع شهبایه انداز اجدال اولوب
 ایامده سلک فدا مال حصه به انسداد
 شرفه فائز اولوب بیایه الامثال انسداد
 درگاه اسماء عیار بکر له میا می کنجور کنه
 کجده سینه و نقالی شمدی سلطنت
 شجره قدیم الاحمد دولندری یار اور اولوب
 سبب نشین انتظار اولان بنده لری و صده
 استغفانه مناسب حصه میوه مرام ایله شیرینکام
 این جاک زمانه ظهوره کل کل به داعیه بندگی

نای شهابی و امیر جاکبی باز انکی بنده
 اولوب قلمز بنده کشفانه نیک درخت هست
 حضرت اولندی باقی کرم
 احمد سلیمان محمد بنده

کتاب در بیان...

حضرت ملک فاضله است انگشت مکارم رشتی
 رومال و مجلس افاضل شبنم سرشک
 دیده اشتیاق سیال قلندری سیافند
 مردی و لعی دیرینه کشته بود که خداوند
 بجویند ذات بهر نما لریه همواره پیرایه صده است
 ایلدوب جاه دفع ریاستی وجود و ضایل نور
 کز ابو منافق نه خالی ایله عامه احبابه بنده مکارم
 ایله مسلم اولان ذات غیر داعی دیرینی اولان
 نای بهر اکنده خاکده امساک الطاف انجیر
 احمد عالم ریم عظیم افندی متصل احواض
 دیباچه مصباح نصیر کزده روشن اولمیش
 محتاج شرح و کلام خاصه بنده قریبک نای

ناشا ده و شکر لک نشانه شیرین و سیرین
راجه پشامصر و اسیر او در قمره
حضرت دبیان خانه بعد از نور اصف
الکسلیه بیطاق مقدار و اق فک
مما سدری ساحه سه دست تواضع لفظ
چو شنه نرو بکسکند ریه و نه خرو شنه نو
زالا دعوات سکره و سه کیات نمک
باشیده قلند نو ز میشته عرضه داشت بسند
قریند کما بود که اقتضای و الیها خلاص
استحکام قواعد اهرام اخذ صام او تر جانبد
مشغوف بهر از مالینه اعاده سفید تنه
بکوه سبینه و نالی هنوز مغیم فرنگه
اولوب و غای حوصله کشیده غرضه
خرجات و عالم بهر اید یکی بهر و دیگر از
عرفا نریدر روزله قصر العبد انتظار
هیر نسیم عنایت ربانی به کشاده یولاق
وینده فر تواریخ و سفایه اخبارش دمایه آماده

ایک

ایک بهر نالی نایده الهی و عبت پارت
ایو لیا بت ایل شکبای قیر لیسید نه سریر غم
مصره کجیل بهر و فکر اخباری جانده
چشیده به عمل میرا پس و دینه حیات و روش
ایدوب به صورت ممرت بخت مشه
مهریم سبه حزه جتبع نسوان و سادس فاسد
نیز بهر خاطر خواند الوده حزن سکینه
صیرتک قطع بد امید ایلمد رلو قحط سال
ملالده خرابی الطاف الهیه نه آفت دست
امال اولان نشو و نا محدود و سرور میرال
فایده کنجا لشد نه مرتفع و الباس التماس
ناشع اولمند خریداری شکری رشتنه
بهر زنه او نامدنه کسنة تر در فخرم حمدا
جناب خداوند و دود و جل ششم مبارک
مسعود عهد معدلت پرور لریه ممالک
ام الدنیایه خیر العهود ابلیه بیه و طیفه
مناو ده شبانه و زحر بیت اما نه خبر لری

ما نند بوسف صدیق علم غرض زلیا که کتب
 و مقباس مناصد ناقصه لریه جویش
 اب برکه مراد اید و اصل اهدای مه ارج
 توفیق اولوب غرار عاقله لریه رش
 خلیج غایت اید پیوسته نیز و نرو با طبع
 لسانیه اقبال لریه رکوع و سیه سینه
 اعضا اید همواره از هر اولی و شالری
 زبا غرضه انبویه بشکر کی مکر و دانه
 بزج او زره اولان نقش اخلاص کی صوفیه
 دل و مغیر اولی و مشکش قلم بیاه و کله
 انه و کت نامه سعادت گزده صوفیه شرفیه
 و غریبه نسخیه مصریه رسید درجه نظام
 و مساعی عاقله همگی اید مرتب
 مهام راه بیت الحرام و سبیل السلام اوله
 درگاه کریم چار ساز و له مستعدی پذیرد

بسم الله الرحمن الرحیم
 حضرت سید قائم است انکشت مقام مکارم شریفه

و در این مجلس افاضل تشبیه شریفه
 دیدار استیفاء سبیل فلید بوسه فند
 معروض داعی کثیره بود که حضرت خداوند
 پیچیده ذات بهر خاکری همرا در پیرایه صبر
 ریاست ابد و بجا رفیع ربیستی وجود فضل
 مکرر یکز اید منافع خفته نه خالی اولیه بود عید
 لها و یسیر بر لندی ایک دفعه سیه شریف
 جانب معدله لریه اطارد اوله شکی که کشته
 رواق و پیرایه خانه و فند لریه صعود بال
 قدرت بود مدینه بود فقیر کشف بال
 ملا بر بخت لریه نه بلندی لکن کرک نامه
 نیاز عجز و اصل اولسون اوله است حکام روا
 بطا انس قدیم اید ناکید اوله حربه لریه مستقر
 اولی و ملزوم قلب فقیر اعوذ زعامه احبابه
 به ل حکام اید مسلم اولان ذات خیر و بریه
 اولان نامه پر اکند خاکدنه امساک الطاف
 انچه یکی معلوم عالم در بزم افندم فصل احواز

و با چه دهنه مصباح ضمیر بگردد روشن اولم بین محتاج
 شرح دکلر و طمیز استراحت حساب اولم بین
 ضروری حلیه مهاجرت است سنت ابر عجم هم مناسبت
 اولندی اما اندوه ضیوع معاش فبیر گزی انش زده
 اینکین بر فاج ترینه نک میسر لبی محضه تسلیم
 شرطید بود و عیگزه اصنه رجاسید خاک غزه
 النجا اولم شد رار باب تحویر و عیایک سلطان
 خصر صابنده فریک نایه ناشاده دستگیر کن
 شنه شرفیه واسطه ترقی ابریکی نمایاندر لکنه نیم
 سلطانم نصیر بعد نه او غلر راجه افندی بنده کزک
 مکتوبنده تفصیل اولم شد ر بوبنده ناکام بوسله
 محله حضرت صفت مد در سلک دهنه تحویر بولیب
 مسیح آسا بود مدنه بجانب بومع با بنده کرم سلطانم حقیر بکنده
بسم الله الرحمن الرحیم
 ارا بش عباد و خانه فیض اباد و بیرونه سجاد افانده
 ارشاد کرامت و فیض کرامت تاب شیت معنای
 اندم سلطانم حضرت عیادت هر رتبه بالا خانه ملکوت

و هم در جوار العلیای رحمت اولان نادوی فیض
 ارا کس نام و محفل قدس لفظا ملرینه چینه صفت
 زمینی ضراحت آیه اخلاص مدنه رمیده و هوای نو
 هزار صد قل رسیدر رجا نه دستنه و غراست
 خالق کلمات صالیه الخاقی صهنده روزنه
 شاهانه عنبر ایه ضمیر الهام پزیر لری نه تفحص
 مقدسه داعیه نیاز مندی قلندر عیاد کوش
 محراب عافیته بنیم اولم لری انشرف استنای
 محله غر و طرف انشرف لری نه نوار اخبار
 صحت س معکشی ترقب ایکنه البرک احیانه
 مروت نامه کرم جانم لری و اصل و اعلاای درجات
 انشراح و حصول حاصل اولم شد بصر صامطاری
 عبارات و خرابای کتابتد تعبیر بیوریلن معانی
 استدات فرطه بنا کوشش انتباه منرا اولم خای
 انار لوده فایض البیر کاتری اخلال عفتد
 خجیره حواله اولم شد ر جناب الهی جلیه ابواب
 ضمیر و اخانه کشتاده و اسباب انما مؤمنی

اما ده ابله بعد کسوم بنه مهپ نسایم قهر ضایع
 ادلال قلب نور لر نه دور و قوافل دما
 اجابت پیر لر نه اینده مناسب و قوعت
 رسایل فیض بخش لر نه مزاجه بدو رسوب
 برونه صکره و دابطا دوستی بهنوده اختصاص
 طریقی اوزره مستحکم و سر رشته موت محکم دما
 ضیر لر می ملتزم اولن رجا اولن دما باقی ایام هرین

شام شریف قاصد

حضر نریک هم چاشنی بزم بهشت اوله محفل
 میشود نظا ملرینه نظمات خیریل و تکیهات
 جمیده ایل دعوات مشافاهه تحیات منجذبان
 اهداسنه مشاقب عظمه داشت لر بر که نیم ملهم
 بوندره اقدم نمیفه غنیه حکاکری و روری مایه
 انشراح درون و بوی دلجری صفایه بهرینه
 نوعا مایه سکوله اولمش در طشت مدینه انصا کر
 غیری و عد کو بکر اوزره منتهه ملاقات اولو
 مدخله سجد انصاف ابره ای فکرت مبنا علم زین

میشود
 جنت

هر چه کلام خیر تیر کرد و خرام خورشید صها تناب
 لکاز جانب صبح با ماه صها نکر و صها از جانب
 عظم قطعه به بدل از کار و چشم امید وقف
 سوزا انظار اولمده در بنم افندم بیلورم الوده
 لوتام بیال اولان خدام بهموده کلام قافله
 صتره و نه نخل اولندر سه برده فادلمیه
 بر جمعیت کثرت نظام فنده اله کیمردیو جابکره
 جانب استانیه تشوید نه خاله دکلا در امانه
 دفر بنده عظیم اولمده قافله صتره دنه او فرینه
 نجه کار بانرو واقع اولور حاله محصل سابق
 اغا خلمکر دفا اولمده بر طفره حرکت
 اوزره دیر لر رفقا بیجا بجمع اوله جلی
 به اشتباهد بر بوننا کار بکر اوزره سکر
 سینه قدرنا رفقه سوزا نه ایکنه قرب مسافیه
 نشر نیکر و نه تجرید امید ملاقات انتمکی بین
 دستکرای افسوس اولو جنا بکر دفا کله
 حصه دار حضرت قالمه علی الخضر و جلب انشهر

باده عالم بر خطه دلارا تا شسته در فضل
 محافظت و زیر کرم الکنه سوار بر کرم
 محض گزیده و برونه زیاده تشنگی تشوق اول
 هر بار ذکر جمیل گریه ارایشی مجلس اصنامی
 ویرانه شادمانی بیت صادق باده
 او زره بود مرفه و بیک زمام نوبه بود لی اغر
 اما مشتاقان و در انتظار حیدر احباب منتظر
 باران سنی کوزلر سنی ای قبیله اهل غفره حبیب
 شریف اچوله مجلس خایه قریب بر خانه دلارا
 و وفادار و آماده در آن شمس تعالی او در دلت
 ای مهر رهوای کرمای عربستانه بنیدل لباس
 اعتدال حویص ابد بچینه و کن با طفالجه
 استراحت بهر رگ گزیده احبای حلب
 منته اوله جندری به اشتباه در حضرت المهر
 لایله ابای شوق حوضه خانه به چتر نانی
 انی وایسته هنگام ملاقات ایس لم غمر حایه
 جلسیم و سائر خدام ثریای لفظه سلام امانه
کاتب شمس محمد علی بن محمد زاده

افندیه حیات الی ابد بکر طیفه ناله سید
 شکر مهر قند و غلیم جانم نور ویدم فیض هم افندی
 بهر نیکو است ایچنه خزینه کلشن غالرینه اشتیاق
 غم و انجذاب مالا کلام ایدم طبع نازکتر لرینه
 شایسته دعوات سر مع التایم و نهاده رطافت
 بهر ورلرینه حبیبان تحیات بهر مع التایم ایدم
 لازمه پرسش خاطر لری ایدم تشیم و تزیین خاتمه
 انهای کرده بهر رجبت بهر ورلرینه بهر نور ویدم
 جنان بکر ایدم اولانه رابطت حبت قدیم بهر وجهه
 انصام بهر اولیوب اکثر اوقات و فاضل
 فکر خیال کثر رابط خاطر شوق اند و دفره و دور
 دانه خال اولمیر نور طر فله امده شد اینه نردنه
 بهر غافیکر استنار بهر بکر بهر ورتبه بکر
 خدایه عبادت و هر صوغها شوق طبع نراکت
 فطرت و اکثر خاطر کلدر کیم در بای اشتیاق
 تجویع ظهور ایدم حقی حصار ایلینده محرم
 بهر گزاینه و نرکن عشق جک ایدم بکر بهر بکر

حاشی منی بحال و ما غزوه جاکین در لکن چاهه متوجه
بگردنم بپیر که بر می اول ندانید صحبت نه مجله انم شد
لکن بنم نور دیدم بزده اولال علاقه حجت جفا کرد
دو اولد یوزملمه دوز زیر انقلی خاطر طر نشید
اولد فی انجذاب اولن محاله را بجی بوانه در
بر می بر ورق پاره اید باد بیور مدین کیز
نجم و استغرابین خاله و کلوز زیوت قافل کرد
سب خاطر کله میوب الحق باز یک ششده
جنا بکر هفت لوله ار الفه کومیس غلبه کله اید
سز می بیج و نایه دوشرد بکوز نه حاصل اولان عقد
خاطر بکوز هنوز بر جا اولد یقیند عجب می بر معنای
حمل ایدر نمشرد و زمنگزده باقی قلدیه باز یک لریخ
جمله جنا بکوز همه ایدر کت بعد کیموم خاطر شیر بکری
نصفیه بیور بر بنم ایکی کوزم فیض اللهم افندی
فخی زاده تنها و بکوز بوطر قه کلوب عینی اید جنا بکوز
بو پیدر بکوز اولان شوق و انجذاب و سوابق الفت
صحبتم بر بیایند جنا بکوز و لب الای صدق اخلاص

اولد قلدی تیز انیکله علم در تعالی علاقه قدیمه مزناز لریخ
بپیر شک منیر نه بی اختیار کار بانه دعاره و
بالا خانه اجابت قلند علی الحضر من عقی اصل
و نسبل کیم نور وین و افتخار خرد و نسبل کیم ای
عجب نه حضرت صدارت پناهلری جنا بکوز شک
مذمت کفایتلر به شرفیاب اولد بکوز استماع
انیکله سرور بر سرور و نشاط بر نشاط
کب اولد بکوز ایچم نور وین لریخ و کوز سوز
اولد قلدیه جنا بکوز صفه شکر کرد و دام بکوز
و عالرا الحمد در حضرت حنیف و سلام انلر بر
و جنا بکوز لیره وقایه حفظ را بنسند اگر اید
محوس و مصوره ایدیه امیه حالا کستنا خانه و کله
کشد ای مکرم حضرت تکریم بر فر صوم بیا و صمد
و عانانه خرد و فصل معلوم کوز اولد راهش لسانی
جنا بکوز سعادتمند نه تذکره و حصول کت عجب
لر نه تر جاده بیور بکوز یا و اولن رجا انلر
ایمانه اله در سعادتمند و نلس افندی حضرت تکریم

مجلس عالی در بنه و عازرا ابل غنه و کالنگز و ضیق و کشته
 نماند مخصوص و عازرا ابل غنه و کالنگز و ضیق و کشته
 اعتذار و و کالنگز نیاز میده ماعدا داده و کشته
 اندرون و چشم داشت نیاز اول و کالنگز و ضیق و کشته
 حس نو چه کز مر جو در بود پیر بیکر ک میده ماعدا داده
 اولان امتنه نو ظاهر عالم متناوبه چند غزل تازه
 زمینی اهدا و نمشد امتنه مستعد فایده و نه
 نظراعت بیکر ده قبوله شایان تر اول و جزای
 نسالی امضا کرده و شید رماقی و سوار
 میرزا افند و قافیه قافیه قافیه قافیه
 افندی حشر و شکر صورت و منبع فضل و عرفان
 و معنی فنی و خواسته اولان مجلس لطیفه
 ینه کند بیکر حوصله صدق و انداز و خلق
 موافق دعا و ثنا اهدا و سبب فاضله هزار
 مسائل متخالفه و احوال متناقضه و کشته
 شش بیست نمودار اولان قلب مستعد
 تو صدقه مکره نموده ثناء و پر که دست

ارادت

در اولت قدرت بیست و دو مسمار قدرت ابله بنای
 خلقتم از ارکان صدق خلوص او زرده نهاده اول و کشته
 بنا به قدرت هوای کرمای معارضه کیری چکیده
 شیم اسایش رسنه غیر عاقبت در بنه روز
 کشتی چشم انتظار اولوب باغ مخصوص
 جناح همکری کوش بام قصر مراد پرواز
 اینه یکی ایا میده توانه دکت مکتب بیکر غرض پرواز
 رخنه کی هرک واصل اول و کشته
 جو بیکری بر سلام محبت ایا مکتب شایسته
 کور لیب و محم افند و اول و کشته
 حرا در کت و صلوات جلد و نه افزونه دامن
 بمیان اول و کشته فراموش اول و کشته
 قلب خزینه هزارانک و منظره اول و کشته
 ناکاه بر مکتب سهر بهری واصل اول و کشته
 ثناء مکرر و حاصل اولان رحم انک و مرهم
 اول و کشته امیر به منطقه کینه سینه ناظم ارز و کشته
 کشت و بر که کن بلند و کشته کینه

ای بار بپروا بود هر چند شایسته ادب و عزم
 قلند دل نشیدا مقام او زره امیر جدا بود
 استراق صف و ذوق بار بر درانه انچه در دولت
 مناسبه حصد ذوق انچه در مجمع اوله خواست
 و قوی صبری بر جانیه کربزانه او شل و در
 کرباده جنبه شده خاری بهتر ز بهر هم تار
 ز خمداری بهتر از بهر هم افتد خاطر نوازی و دست
 سازی شسته انجی اولور بوضیانت بر کج
 شسته رابع اوله و امید اوله معه زهر آینه
 بر مندر تر یاق بغیه سنده و غفلت انتمیوب
 لک کوبه ارباب معارفک مجمل سر زخم دور
 اوله و دیو کندی و جوهر فرو شل
 آغاز ایدوب جبهه جبهه تأسف کو ستر سینه
 اما ادب و مکر رنک هماله بوجله اشتبا فکر
 نابل حرام اولجبه دکن و بد استانه ده ارامگر
 پرواز مستند اولجی بال و پر کب این یک
 مرتبه اولر نفیر بزم حجاز و اولر بگونی و خلند

در انچه از علم و معرفت و قسود علم عالم از البریه رکنه
 مشرب نراکت معصوم کز ده بود خلد صله رنده او ملق
 او زره توصیف و جنابگری زهد بود تعریف بود
 جنابگری کما بنوا کلپانه اصحابک افتاد لرافاده
 سبی ابلش نرا ما بر بو تعریف را فیوز اصحاب حقیقت
 نظر نره دم دم مدح نه طرفه اید یکی هویدا در قلند
 مافیه و نه مقدم فلاح نظر از کتاب اولند بینه
 استغراب اولمشدر غالبان نهانه حقیقت
 بو کار خانه حکمتک مبتداین تحقیق ایدوب
 شایسته درگاه احدیت اولجی عبودیت ساعی
 اوله قلند بینه عدم اطلا عنده غیری ای پر نور سجود
 راه رانه وقت نماز وی طاعت رنده بنو انکام
 نیاز کما اهل حقیقت است و راه مجاز هر کس نیاز
 بنو سیکو بر از منزه عدم اطلا عنده ناشیر رنده و زهر
 اثبات تضاد ویدویش نرا نره غیری بو نشا کار لرینه
 فلک خلعت ویدویدویش سر جنابگری کز ای اعتقاد
 او زره عالم و اهل فضیلت کجند که فلکک لک کارخانه

حصه تصرفی اولیوب اول و فو گوی چو کایه
وقدر اولد بنو سلب ایله بکگر ذره قطع نظر
افند مز حق تری طرفند نه نازل اولان مکتوب ایله
کلا نند نه آرزوه اولوب بوجله صدرینی دیوار
قبیلند نه عدا یروپ الحاصد معذور ایکن هدف
ناون جگر دوز علی اولق فنون هنر ساز و
افند مز مکتوب تری قصه التنا ابی یکی ظا هر در
هر بار کلجانه باغ التنا اولق بیه ایکن به دفعه
لذت از ازار عتاب کور نه لازم کلو خوصها
افند مز حق تعالی وجود کامیا بدره مو ایله
بکجه سخی شناس و دقیقه دانلی ایله علم و
فصل عرفی ایله مسلم و دانش و هنر و سر بیک
مضمونه مکتوب بعینه کنده تقریر و پذیر برای اولوب
مرتبته رضا لر نه بیرون و بر حروف کور نه نادونه
اولد بنوی اعلا بیلد سز و بر مکتوب که تمغای نیک
کبا بیری اولد فو سکه پیر به اعتبار اولمیه حینه
و فو بتشد رمز کز کمر بر منالره الهامه

صک

حکیمه بیانه اولمیه اولان پرده مضامین ورق
بکجه قبول جان و طرفینده مستعد اولاجیل
بکجه سخی رشته صدر به شمع بار یکی قریبه
اشکاک انک نند نه لازم کلا شد حرات نقد برده
چنا بیری صدرت التنا مشاها اولمیه بک کوننه
لیدانه کلجانه صلافة التنا انصام و بره چک بر فعله
مصدر اولیوب سهر رشته التنا بزه و شوا طرفی
حافلانه ضبط ابی بیکر جلدیک معلومیدر لکنه بنای
التنا ابی سز کز طرف کز و نه رشته پیر به ایله
سز و فو مصروف اولق کز کز سز بوجله صدری و فو
سیر تیز خانه شراره ریزی اله الوب نحوه نقوش
هر آب اولال بنای اساس صداقت غیر بیه
الاصل لر نیک غبار یشر سهر نه کیوانه انیک
اسانه ابی اما بود فو حسن مساحی ابی تری
لصوب کور بیدر بر و فو مشاها نه ناده طعنه
صده و نه ناخیمه اولمشد رکته چنا بکتر طرفند شمع
اشقاد فو رای عداوت کلک نامول و کل ایکن

بنای هنر خردمند و نه الفصل ما شهدت
 کلامی ایراد و بد کنی است آنکه ایراد
 انصافه اعتراف اینست که کلامی از دو موضع
 شهادت ایراد و واقعا اول طرفه در شنیدن
 حرکتی محقق و غیر محقق و اندرون اخذ انتقام ایراد
 مقرر در جناب باری موقف اینست که اگر قصه
 اهدا اولیة بحاکم است محذوره ایرصال
 فهم اولیة بحاکم است محذوره ایرصال
 معلوم اما غیر یور بخا غنی کورد که همال سن لری
 کوریش کی اولوز ز زیر ابیر و بی بر ویه متباد
 مجلا و صاف بلکه ایینه است این صورت
 و فو قابل اما درونی الت قاطعه ایله مملو و غلبه
 سیم داخل این ظاهری سفید باطن سیاه
 اولیة و جبهه ایراد بابت تفاوت بین خود
 واقع و محسوس و برصنات مذکوره و نه ناشی مکر
 انتقام اصلاحه و فو استقامت مکر ای که شاه
 جنا بکزه قطع اشتیاق اولوب غمای ملاقاة

بنای هنر خردمند و نه الفصل ما شهدت
 کلامی ایراد و بد کنی است آنکه ایراد
 انصافه اعتراف اینست که کلامی از دو موضع
 شهادت ایراد و واقعا اول طرفه در شنیدن
 حرکتی محقق و غیر محقق و اندرون اخذ انتقام ایراد
 مقرر در جناب باری موقف اینست که اگر قصه
 اهدا اولیة بحاکم است محذوره ایرصال
 فهم اولیة بحاکم است محذوره ایرصال
 معلوم اما غیر یور بخا غنی کورد که همال سن لری
 کوریش کی اولوز ز زیر ابیر و بی بر ویه متباد
 مجلا و صاف بلکه ایینه است این صورت
 و فو قابل اما درونی الت قاطعه ایله مملو و غلبه
 سیم داخل این ظاهری سفید باطن سیاه
 اولیة و جبهه ایراد بابت تفاوت بین خود
 واقع و محسوس و برصنات مذکوره و نه ناشی مکر
 انتقام اصلاحه و فو استقامت مکر ای که شاه
 جنا بکزه قطع اشتیاق اولوب غمای ملاقاة

جود اند و در لریه و قایم حفظ صمد اینست و خواص
 و تفسیرات علت اینست و در کار دانه فامیده ایدیه
 نشانه محول و در سخنان منتهای اصول و علم
 نمونه صرف کلیات استخار و حواله لمعا
 نظره است و بهر بود که سیمای بنای فرایح
 ضعف بیاهنوز عراج عالمه صبح و شب اولوب
 خدمت و عالمه که دیدن مفهومی ایدیه یکی طبع کشف
 نوین موشکاف بیضاوی اند و لریه پالوشید
 خبر کات شمس و انفریه اداره عصاره اسرار
 انتظار و مطالعه صحائف مواقع النجوم لیل و نهار
 اوزره ایکنه اشرف اوانزه و اسد زمانه ناکاه
 اجزای عجرات منتظرات غیبیه نفوس بشریت
 فرمای کر شانه شفا بخش لری نازل و طلوع و غروب
 و اشرف فردع و اصول امثله و نکات بر طبق
 قانیه اطلاع شناسی حاصل اولد قوه با اختیار
 مشار زبانه مشرق و مبارق و عالمه تنویر
 و مجالس شهرنامه اوقات صورت نشانه لریه

نصیر

تصویر اول شد و جناب حق اول منجر است
 و طایر و اول نجبه ماثرو و منافع اولاد و ات
 ستم و لریه عرفات سعادت و فیم و احوار
 لغات تجلیات ایدیه منهای عافیت مستقیم
 ایدیه حقا که مالک هر کینه هنر و صاحب حشمت
 اولان طبع یکتا لری رتبه علو طینت و هنر
 صائب عرفی سیم قلب فهم و بین مستقیم لری
 سزای شاری جوامع خشن و سیم غیب
 بای کرد و نشانی شایانه پای اند از انوشه
 هزار قریب در نه فیقات مقامات حریری
 ابر سیم ناکت فباللریه پیونده و طبع کر سینه
 بنوعیه انار نمکین لریه خرسند ایدیه جان
 شناسانه مطیع عرفانه جمع علیه دانیه
 درانه دورانه رهنوز سپید سیم طینت
 اوایل ظهور و مصایح انار لریه مبادی
 انبساطی نوری ایکنه کوکبه فردع طبع بلند لری
 مینرانه شمس ان سبانه و سواد و رقیه اثر

نصیر

اولین نام نگار و خیا لریه

اختری فروغ علی صفات غیبیه ده فایق ابهری حکم
 کرده است هندیستان روزگار اول شد
 خصوصاً حالاً حکم فرمای خطه شهباز بر ملک خصال
 اصف سابق دولت محمد پست غلصکر بوطرفه
 رونق بخش تیرف اولیغز آتایدله برونش
 حماد اوصاف کبری چند ماه دور بهر و ب بوشن
 ورشکر اثر حاتم ربانی ادلال رساله ثنا گزیده
 شریف تالیف لصدیق جناب تیرف تعلیق بهر شکر
 حضرت باری انیر بره جنابگری وفود دولت اید ممر
 ایتمه و نشنه باب حلاقات مکر ایتمه بنم نور
 دیرم خهرتری دهن تابناک نخل طیف طبع
 در اکثر قصیده بوز میوه فراغ تازه تمام ملکیت
 غامه به جلوه نر کنار کد مشروح مبدال اید یکی
 حبیه شروع سحر برادر بکزار دایض خیال و نمایان
 اوله روشدی امانت بکر دهن شکلی وقت استیصال
 نامه رسیده بلان سویر سر قلعه نصف ساعت
 مدت شوق محاطیه دلاراکتر اید ممر نبات

ظهور

ظهور دولت در انتم شمس العالی نایل رفعت وصول
 فایز در یک قبول اولیغز اشراف بیور لوی ممولد ربانی
 التیغ افندی بهر شکر
 غلغ سعادتی در و نثر او غلم جانم النسم محمد افندی
 هضر تنگ حضور لرینه فافله گاه رفعت لرینه
 کار و ال کار و ال کالای تنکات تنک شوق
 غلام الحافی ضمنده بر کسش خاطر ناز کنت لری
 اعتماد اخلاص سر بر قلند قدر حکمرانها کرده
 پیر مهر پیر و لر بر که نیم او غلم احوال دهن کسش
 کرده رهبر استخبار اولندرسه بمنه نسالی
 ناصریه اناس هنوز تنک کسسه اولیوب
 بنذر حلیه بابسه کارگاه اقامت اولیغز
 آمد شد ماکوی اخبار دهن نمایانده رصنه ماه
 مقدم رفته افندی او غلم گز ثوار دایره مکاتیب
 بر نذر جنابگری بانی افا او غلم گز خدمت لرینه اضر
 لر مهر بگری بخور ایدوب حتی اوج دفعه مکتب بر تنک
 تاخیر جنابگری قدر اید تعلیق ایدوب

کبر بر نیک غلبه اشتغال مانع تضرع اولوب
 بر بضاعت و احسن تعبیده و فرموفق اولد قلم
 اعتدال را بنده کلری چنانکه ارضه و مده جلوه کرا اولد قلم
 تمنا زده یغینمز اولمشیدی بنا پر یسه اول طرف قلم
 وارد اولد قافله و نه السکر شتم اولدوب پیام
 عافینکر استخبار اولمده ایدری و بر نامه مهر انگینه
 و صولنه روز نه چشم امید کشته ایکنه واقعا
 بر طبق ملاحظه ملاحظه خوش مالکتر نقش قرعه
 تصور بکری و لی جلد و اسطیند و اصل اولوب و مانع
 ارزده سکر کشته مالکتر اولمده و موافق بود که
 چنانکه کوری کور که اشتیاق فم حوصله سوز کجور در
 خصوص سحر سحر و باقی اقا و غلظه نادیده و بسته بود
 اکثر سود یکم و دست کجور ایله مالوف اولمده کبر کبر
 کویا الفنت صوری واقع اولمش قد و علاقه باطنه
 وارد کینه یزد و فرم غیا باده بویه اولد یزد جرم
 کرده یغینمز در جناب الهیدیه موانع صورت
 و قلم و فرم و خواسته ریزد و بار و حصار

اقامت اوزره ایکنه و حرم و زیر عثمانیه پشاند
 کینه کلری احمد افات مخلص حلب اولوب یو جانیه
 کینه یغینمز اولمشیدی بنا پر یسه اول طرف قلم
 خا طر کسب اولمده کینه یزد و جوردی بدل اقا
 اولمده و عنایت حرداری احمد افندی دوقی
 اصحاب سخن و ارباب نغمه جلدید و ایند لریزه
 اولمده روز کار استانه کت منتخب و ممتاز لریزه
 دست او یزه ایدری روز کار کت بوشو کینه و عنون
 اولدق اکثر اوقا غرض عیش محبت ایله کزانه رسد
 باقی اقا و غلظه اندک علاقه یک جهتا نگر کبیله
 کویا انور و قلم جلد و حاضر لری در سیم اولمده کینه
 افندی برادر عز اول جانیه بدل بعضی من کل خه منسه
 مشغول اولد قلمی سحر سحر ایضا و عالم اشتیاق اینمز
 ابدان غلظه علاقه محبت و حزن الفنت کینه و خار صبر
 و نظیری کجیا بر وجود مکر مد که اصد قای عالمه
 و عقلی روز کار و نه بر ذات خیر و همیشه مستدام اولد
 جمیع مراتب و انتری بدل اشتغال اولمده کینه یزد

بر دل غلط نشینم نفس ایند کوری دود لالت
 عظمه نکره زانی در ویند بر رسم او علم غلبه حکم
 ناشی مکتوب مضمون بگوده اقامت کرده شنبه هر چه
 ارسالتک تا خبر نه باعث نه اولدی مقصود ثابت
 بسوریش و مولتک نصیحتی متهاری مضمون اولدی
 لطیفه منوله سنگ در اسلک اولمیش رسم
 استندانه مرا عاقله نه حکم برادر ده خامه بر که کوری
 بود که اول جانبدرک مدهیم یا بر غار کورک
 یا غلام کور و نژاد اولوب ایکه قسمه منحصر اولدیز
 معلوم معروف قدر بوندرک و رادینک استندانه
 و اعلامه تحمل یوقدر شمدی بزم خاخر و نه کزار نه
 تصریح اولی لازم کله کس بیازم بوز غار اولسون
 نور بسته تنزل ایلمک عبیر کورینور زیر اسوق
 الفاظ ارشاد نف کرا نه تکلیف کورینور آما نه
 دلخواه سوال اولنور سهیمه و خوش اندام سیه
 چشم و ابرو جارد و سه ساله غلام کور و نژاد غیری
 انوش تصور ده جابگیر اولدی قدر کرا نه و نه جابگیر

یکین مرتبه انصاف نه بعید و اگر چه کتابت و باج
 و خراج ضمنه امر جزئی عد اولنور تصور نه بیده
 و فقه تکلیف مالا بطلاق انک خال بشناسلوه
 علامتیندر انجی لواحد ده بو کونه تدریس خاطر کله که
 او جاننده دورت خالص و صادق و دستمز بولنور
 انکه چه طریقیه حرقه دورت شانه کی هر باره
 بر قبود نه جمع اولی او زرد بروجه اشتهر کن برینده
 خوشنما ارسالنه اتفاق ایلمه لرفضیه افندی و باج
 انعام و جبابک و بزم قایی افندی و اول طرفه
 قریب اولنور بوجار دوستک اتفاقیه بر غلام
 سر و اندام انتاج ایلمه لکله اعضا جسمیه
 توزیع اولنور سه سر و دستنی فضیله افندی و کت
 و سینه ظاهری باقی انعام و کت و سر بیدری جبابک
 ایندلی قایی افندی و کت و سه سر و دستنی فضیله
 و اگر غلبه جسمیه توزیع اولنور سه ایضا افندی و کت
 و انچه باقی انعام و کت و جبابک و کت و کت و کت
 پاینده و کت و کت و کت و کت و کت و کت و کت و کت

اولنورسه دم کوفی فضا افند مرکز و سودا سی
 باقی اغاز مرکز و صفرایع جناب مرکز و بلغمی فایلی
 افند بیک حصه سه اصابت این یک طاهر در
 و اگر طبایع جهیده توزیع اولنورسه رطوبتی
 فضا افند مرکز و حرارتی باقی اغاز مرکز و پیوستی
 جناب مرکز و برودتی فایلی افند بیک حصه سه
 اصابت این یکی میسند و اگر نریسه فضا اول
 جهیده توزیع اولنورسه ساری فضا افند مرکز
 و تابستانی باقی اغاز مرکز و خرا از جناب مرکز و زمستانی
 فایلی افند بیک حصه سه و شش یک نمایاندر الحاح
 بنیم و علم غرض لطیفه در بو قویب این زمینی تازه
 که هم با خاطر و نه سر زده اولدی مقصود
 خاطر و شنا نذر ان مرکز پیام عاقبتی بزه
 هرید و بعد از این طاهر کبوتر مرسلات در خالی
 اولمکز ناله افاده پیور بر این فضا تکمیل
 مه ته در صکره بود جابنه غریبه بینه انتظار خوشمار
 ابله سمنانی مای ابا

لایب سمنانی

و شایسته اند در سابق فضا سمنانی
 سمنانی خلیل انبار هر از و یغی
 و انشیع نمایش حقیقتی برادر جان برابر یعنی
 شکوه دولت ایام حسنه شکوه بر زمان
 بغداد و بصره و زمانه لورده جلد ابری مثال
 کشیده کنار افتخار بیله الاقرانه تقریر امتیاز
 اولان خلیل افندی بعد شام و فطیحه ماکنده
 قطع مراتب حکومت و طی مراحل عظیمه سرفراز
 اولان خلیل اغا حضرت بیک مجلس شطرات امین
 و بشارت انگیزه فضا سمنانی فقر استکان اشک
 چشمه نه افروز نه دعوات سر لویه الاثر و پستانه
 دولت محلات نه جناب بگری جستجو ابله شکات
 پریشان متالک و فضا لدری صفا ننه کجایش
 مرتبه سمنانی پیرو نه تسلیمات مودت کمتر هراس
 سبا قنده پرستش خاطر و سوسه ناکلری در انبار
 نمونه محبت کار لری که پیام سلا مکره چشم
 دهنه نرفب ایا مکنر بدل استو مکر و اصل

اولدی قالنه اطلاع نمند ارسال مطلقا
حمل اولمشیک در دنده صفاست اولمشیک
نبرد و پراکنده و فکر یاد کار او غایب
س مانک الایند نمونه در مومسینک نظر
قلند قه سر اپا تپیران جنابکون تورانی کنی
نمودن مشاهد اولند بفرقه غیری هزار رنج لقب
ایله قوالب الفاظ نم بر ممتد اغیار الوده و پرموده
ستاده معنا و کفایت ماله یعنی دو کندی بی ماله
سپس و ندسی جمع اولند قهر اندر دفر صحر کاپه
افتخار و قارنورات مبلات اید الوده ظاهر
اینکلی بنه خفتگزه حمل اولمشیک در ماسک
مکانبانت و فی نماین تاسیس مبان حجت
اچرله اولوب بیله دولت و خشم اچرله
اولمشیک ظاهر امیر مکر و کله نماین حوصله
خمسکون خجل انچه جک بعضی مرفعات دست
رس بولم کن کن بلسنکه و بار بکر خلیفه
اظهار اید فاعلت انجرب اوازه دولت

و نزل

و نزل و نیک و بار صید و غلغله اند از سودا سینه
کیمینار اولمشیک سیریم جانم مکنز بکرده کسینه
احسب جم قالدی اول طرفه وار سده ستره بار اولمشیک
اولمشیک ظالم بلم بومستول کلیت متغایر از حوقه
از رومند اید کن قالیبا اولیده صیرت کش
اولمشیک بعضی اشبای فلس فرینه نایل اولمشیک
بکر رسنکه اناری بد طرفه منعکس اولدی صی
ار نو زاده بر صحرای افانک بر مکنز و او و او
اندر دفر کوز کوره جنابکون دولت کادیه سینه
شهادت ایشیک الله تعالی اول مسلی زبوشهادت
شهر سینه ایلده ماسک استانه دولت کوریمه بعضی
یارانه ساد دل ایلکی کولی تورک او غایب ایل
ادج بار کیمر دست زاسی طوبال و سقط قاطری
اسباب دولت قیاس ایشیک بیدر کل آقا
مصطفی انفا اول اعتقاد ماسده اولدیفوی ایستاده
دکله رکلاز منزل و استنزا اولدیفوی امضا ایلیمه
اسباب اختتام اولمشیک اعتقاد ایل مالک

اولد بنگاشنیا به کشف مرتبه سنده فراسنده بو طرفه
غایبانه دفترانک ممکنه ز بر اجناسنک دولت
حوصله استعدادی روزگار کن مساعده سینه
لری مجربزد ر کیرم که خدا جاده دهد کواندام مصر
شهر اولی بو محله کورینا سب ایدی هله
اسباب خشتنگردن پر باله ز لکته و ایرق اهر
مقرر در دگره دانه اعلا سیر یوقه را و دوق بلبله
خلقه کور شرمک اچون بوستانه امد شد ایدر کن
یالده زدن مقرا اولوب سووقه همانک طاشکینه
دو نمشد رضا بونده ایلکه زاده نیک طینت د
دغدغه مصیبت زائل اولد ارس جنا بکوردن دوق
غایله افلاس بر طرف اولور ایام غنا گزشت
استدای بوستانه فصلنک اخرینه منتهی اولور
غنیمت فصل بوستانه مصارفی اچولہ قطار
چار شمار بکزی فروخت ایتدی بکزی بر طرفه
شیوه دولنگره اولد حسن اقتصاد ایرغ منقیر
و خاطر غری متکدر انشیک بو طرفه بغض

بوسه اجا بکزی بره کلوب بو ماده نیک اصدای یوقه
اعتماد انیمکرف طو نمید شکوه عظمت ایتد
کلیکچ ایا مده قطار اچولہ اصدای شهر دینه بایر
شیر اولوب خوار امیدی کیسه لغوی
تمی رجوع انیمکل صرح مندری یاد ایدوب
دخا اول زمانه زیور بازار انشیدی دیو کجی
ایلد یلر العیده علی الراوی بنم جانم برده بر او
ایلد ظاهر ارشک داده کلکشت بهشت
اولان بوستانه فصلنک ذوق اچولہ هر
بدن غریزانه الحید کوا و لمعه در لکته ایا
ولی نمت جنا بکزی بر لوصه عابو
صحنه بر بکزی عالینخت و بر بکزی اعینه
بخار پای کت کجیز کنه رینه سفلی
حریفانه دوق تنزل ایلدی بکزی مصرفه بکورد
هر کت بر ادم طرفند کور لکشت دوق عرفانه
الوا عند نه ریخصه بر میثراش خور با کام نو
دولت و نموس کاراحت شام بهار کلمات

و لغویله دام مد اید سنه دوشنبه ماکلی صفر
 ایتد روب خانمانه اجرای سیدلاب نرا کنی
 اعدده سز بنم حاجم لطیفه ده خوشه اما جیلا
 شریفه اشتیاقم ماورای حد تصور در طرغریسی
 بوجانبلر غریبکزدنه مشرح الحاطر اولدر
 خصصها کنی قو لکترجه باری مصرفکزدنه
 بزه چکر ریه سز حاضر مفت یارانم کم استمرکن
 اکثر و سید اشتیاق بود که اقتضا این
 مجالسده جمله کلام به نظام و متعال بشما لکزه
 ترمات عجایب و هدیانه مجربند در پریشان
 ترا یکس شمدی خود کنی ز عمکترجه سز مست
 رجب و دولت کجوب و کلا مکز میزانه و قبوله
 چکه چک ارباب احتساب و فوایب ابکه
 ایانه مقوله العاطب سیهود گفتاری صد خطاب
 به تزیب صدور را بدوب بنده کاه خدایه
 بالادنه پسنه معامله فوقانی و عرف انداز
 کزارانه عیشانه قیدنه دوش کجنه کونه

اظهار حرکات لا یبطلانه ایتد یککنت ده
 ایتد اشتیاقم سکا اولدر دوشنبه افروزنه رمله
 و لکتر فایل اولدر کم اما نیلیم زهنی جلیس قدر
 سانه و فار شمر ر غطت اظهارنه
 قادر اولمیه منک نمایاندر ایتد نامنی شنه قریه
 افلاس ابکه اول حوام دولتمندانه اوضاع کبارنه
 کد سز مکر را بجن بوشین فخر و مانه و شوه
 مفروانه سن ملاحظه ایتد کجه بارانه امک
 حالربنه هم خنده و حکم کر به ابیه چک بیر لکوره
 هله انک احوال طدر سینه کلام بینه جنابکرک
 احوالنه ظاهرا مسلم وقت اسکندر پشاوره
 ایتد هنرانوی مجالس اختلاط اولدر چشم
 و خطرونه ده کزارانه ایتد نه لذارانه اوقات حکمرانه
 جانکاه به اختیار و بد کجی اشکدر خیمه کده
 مخفی اولدر دوشنبه اهل محله الحاج اعدده
 خالی اولمیه کمر کمنز لکن بوحسد کارانه در بادل و ایل
 جنابکرک بر مفدا حوصله به منضم اولمیه لکتر کده

تفسیر اولی که مجالسده روزی پنج مراتب لغت
 اولوب به جانم عکس برده مسلم اوله فی با خود
 منسلک بر شیوه ای که منالری لب
 بلب میماند و نه ترفیع ایندیکه بقیه وار در
 بنم جانم چند روز حکومت خطه شام ایستاد و نه
 صحت نسبگری اثبات آتش اوله یکنز زیر اسباب
 شام در تلویت مسند حکومت ایلیه بزرگ جنبگری
 کنده متامنه شاه ایندیکه انشور سوزان اوله
 معنیال رسولک انتقام اوله اوله یکنز هر طرفه
 استماع اوزره استاده جنبگری بولایه قسطنطنیه
 فقرای دیار بکره تجمع اینکده مسلم دیوانیانه میزمام
 شکایت نه شدی استانیته شاه اوله یکنز منقول
 قدیمه دیار بکره که جاز استانبول دیر کلونیک
 مناسی و فوزمانه دولنگزده ظاهر اولدی اقامت
 بنه جنبگری عاید اوله جفنده هشباه بودر زیر
 بدست اندرده شهابیکه گرنزانه اولنگزده همیشه
 پاسبان مثال اطرافگری احاطه تکریم دولنگزده
 سائر ارباب یاران پید و سیدله جواب راجت

اوله قدری منقوله رمتد ماسطوبند انکای
 سوده حکومت بیوردیکنز آیامده اما لیس ده
 کشتی نجیب اولوب هر یه بر لرینه سیدی خالیه
 بر عروق خاک نبردنه معدنه نحاس جهانبنده
 حکومت کامله الهیه به جبرانه اینکده شدی مسلم غا
 خرن وجود کوه و قارنه معدنه سیم خورال
 ایلمک قفت قفت مایه نجیب دکلید رودستی
 حبیب و بیلنه ساید ایندیکه قیفه قبضه جل
 افی ایو مجلسی مالا مالانده در بوسکه خانه
 وجود نه ریزانه اوله قشهر حله افی نصر
 ایندیکه بنه اول کده نظرانه ماضره هینک
 قوشنلرینه جلاله رستم روح غنیمت
 و اشعار و تکلیفات و انت ایله جنبگری
 تحریر ابشکره اولور روی شمدیکه رتبه کنز
 تحلیق دکلایدی اما جائز که بعضی الغافل
 مناس سوال اچول بفرکنه لره یاتد کمره
 باسناخذ من کله که نه رد یکنز زمانه خلقی بنه

بنه عاوت مالوده اوزره اچي استر افغ اچي
کودر رنر قبا سوانجيه ديو جنان بکزه هيات
فصدا و کندر بيم جانم کز بک سر رست
حجت اچول کز بر او ننه لبو علایق
اوزده خاطر و کمر فامد لدر بر مودت نامه
اسمي کز برينه بنت انشيبکي زبانه فلم نادره
بو مشله سنان لطايف امينه تر شمع ابرو و شدي
ديوه انصاف ايله نظر اولسه جناب کز خلنگ
تاثير و ندر عاسکاسر مائه ميا مات اوله جفر
هويدار و وعده اهداي قايده ايله برني تير نگاه
اميد اتمش نمر و وعده در و غبه بک بل زمانه
و بر مصرع ارمقور و رقيه مدينه وعده کبرنگ
ايله اوقانک مابيش کناه ايله قويه قد بعید در
مکر شمدی دولتله تقیه مشرب بعد بر شمرت
مديده و ندر و قاول سکريده اميدنه نيلب
تشنه اولوب مندا کمره سبز با کنگار اولوقه
اب و ماغز مانند حوی شط سبال اولوقه

بيلور

بيلور سبز شمدی خوش قرب مسافيه کلد کز
بودنه صبر ارسالي انداخته ربحاله ريشنه
فيلکوز استا بنولره الهه تعالی مینک
اولسول باقی اسباب ختمت نما فرمود
اوله ناهیه سینه نامه
اوله ناهیه سینه نامه
سما بر ندر و ندر نور دیدم او غلم غریزم ایلک کوزم
هیک افندم سلطانم هر ندر نیک طنبات
بهشتند کرامی ترا اولانه ساحه ایلک
علیا لربه مندر شيبا نه مصر سود ايله علم ایلک
و غلات خرق امیر اجایت بدوشرا اهدایه طنبات
مصرفی داعی فخر انگشدر بر که بيم نور دیدم
موجوا حواجر کنیز خورنه زیاده مسبوک
قالب اطلعا کنگر اولمفلد رسوم عادی کسش
احواله تغییر ان ظلی اولنده قمر صکره خانه فراقا
چشم خوبنا طریق نفس اماره اوزره
بدو مندر رفتار ایه که کچه ندره بر و در صبح

صحت رجال دولتمند و مینه تحصیل شوق انگیز
بهم فروغ کلبه بکر به بعد زمانه فراموش اولیده
چاشنی صحتی فاطره کثور و بکره صومعه
صحت اولاد حلاوت تازه ایله مشکف اولوب
بوگونه تشنه باب شط اولمشرق حصار پناه
بالکله نوبه بهار و بهر کیمی سبب است اولمش
اما اکاد و چشم زمانه قدر اصابه ایدوب
همای تیر سله پروازه وجود بکری الدن جناروب
چشم بار حیرت اولوب فاله ق کویا بر رویای
روح افراونه بهار اولوب اول خیال ایدوب دل
سودا پرست و فن زانری حیرت اولدم
دم وصال کچر تشنه آب کیمی بلم بو عالمه محدود
هر فن ناکت بهرانه اولوب اچون کلک
بد بهر لکوبه بود در جالسوده بزی بچون کرفتار
ایدر بکیز و فوجنا بکیز غنیمت صبح حلب و بهار
شام اولوب در دست سحر عالمه کلام اولمش
اوج دفعه خاخر و نه چمنی واقع اولدی اول دفعه
بالضهر در کیمی افتدی فاطره لری اچون اولمش

اصول مجلس عالمه لذت بآب اولدمه فالدمه
بهم صحت بکیز و داعیه نلذات نکت نکت و انجی
بهم صحت و صائب امید اتمه و نه فرق یوقدر اما
بهم صحت به دفعه ایله حکم بلم طرد دولت علیه
نکته انکه وجود بکتاب و نواز یوق ضروری
کینج عالمه پای به امر مکت اولدمه غیره چاره
نه رما و صحت بکیز وجودیه کلش کورینه
حلب شمدی نموده دوزخ کورینور فنی افند شکت
خانه سحر طر فنه خیالی کورنه ریم اما به خبر انخیام
انزه اولامه مجلس شیر شکر است به نظر نه نصیر
ایدر و بینه الکله اکلمه ایم الله تشا غیره لر احسان
ایدر ترسانکه رفته رفته غلبه فراق اول حورنه
ایراش جنتم ایلمه بهای بکت افند مینا بکیز
ایام و لیال صحت سحر ترا فندی او غلر کت و ضل
افند نیک جمله از کاری مافونش تا انبساط
اولامه کلمات لطایف جان پرور لری نه اگر سید
کدر ایدوب و بر و سیده کویا انکر کج کسید

بر پرده هم صحت اولمشق و بدو غره چنانکه در جهان
مردم اولدی و کبی سامعه و فانی و ذکر و کبریا
مردم اولدی و بدو غره چنانکه در جهان
متکثر اولسون بو معنا لری بر کناره قویالم یا ابیک
افندم لطم جناب شریف بگزین قنوق لطافه فراموش
ایم لم اول سیمای خوب لهماجه نیرس و اول شریف
گفتار اولود و لور علم چه کمرار امانه اولمکنده
رأس افندی او غلمزک لهماجه نمکینه و نصیر خوش
ایستک سامعه فقیرانه ده اولان و فو غیر تنوق
قبول ایدر و کله در چنان بگزین و فو لهماجه سیم اندر مقصدی
متابع اولمکنده لرت گفتار بگزین و لیست لکم اندر زبانا اول
صحنه کرم لکرم لطایف امین لفته انکینه لری فراموش
ایم لم با اول تصایح مشتاقانه و محل اکرار و نه تسلیم
غم خوارانه لری فراموش ایدیم یا بنیم اچون غایبانه
بعض قدر شتاسد لک اولان مجادله لری فراموش
ایم لم بعض کبار و بدو و اشتراک مداهنه لرا ایدر
مجله نه چند قدر صکر فصل اینه کله لری فراموش

ایم لم در تصانک انهای صدا عتد الهم نجا و رایی
ایم لکه از کله نقد بل بوز و قنای صلدنک اخذ انتم
ایم لکه از کله ادنوده ایم یا جاننده غریبم او غلم معرفت
مرکب و حسن خلق ایدر و بدو کله یارده کمرانه قیمت
و جوهر نایاب ملک خصلت رفیع جلیب نیک
فراقی می فراموش ایم بیک افندم لکلف بر طرف
رفیع سمره الله امانت اولسون اولام قدر علاقه
در دهم وار در علی الحضرین شمس سوار میرانه حرب
و کبی و با قوت یاره نیکندانه خانه زرینه ابارده
صحنه افانک و فوشنج ابو بکر لوللده جلد
و ستمانه و شیشه شهر سوارانه سس کورد کبی بر قری
نیز دهم که ترا دید گفت بیک کل سمره زبانه کجای
بر و معنا لری خیال اینه بکر بر و جلد فراموش
اولمدر و کله در چنان با الله ملاقات میسیر ایدیم یا

افندم لکرم لکرم لکرم
نقاش صحنه خانه سوس ارایه حکاک نکیه
فرسای سخن پیرایه صرصر صلیبکن و فزول

زنا و بوسه مستول ناقبولی سرحد زر که اله صفت
کذا را انگشت نمای مهر گناه طرفه نکار و دست بر بوسه
بسر اله له الاسلام والايمانک و کانی استعداد و بوسه
قابلیت سبیکه سخت قوام فحاشیات زرتی و قراضه
تندر فرجام تعبیرات سیمیه مینزای بنزای بر قلم اله
مهراد فروز زنده نفسی و البسیه التشیی اید بوقالب
اوزره افراغ و اجرا اولی که عمیق پاره پیام
عاقبت بر بن نگذارد سماعه اگاه ایکنه ناکاه و سلطت
دل عزاد انگیز خبر بر بر سبک میر کیو تر بر بر له
مکتوب سر مهر دل اشو بر که غنوده شمع کلیسا
فردوز نهضای در رسیده اولد قدده کیسه اطلاس
فلک فاع کور رشته عربیم و سوز زنجیر اید دوخته
و عدم مهری نفس کرم میسای اید افروخته ایدی
مقراض انا مل اید بیج ذمته کشاده و بر لر کرده
اولا بوی کوی ابر رای که سیم شام صمدی همی ال
کلیسای کندر الوده اینه که نه صکره درجات
نزد بانه شکس بر شکس اوزره صنف بسنه

نرسید اولان کار وانه غبار اند و دستور ندرت بوعفت
احد الی اولند قدر بینه جواب شافیده عجز لری
نما بانه اولد ب خود بینه رکاه عرفانه و علامه کتابخانه
دانش و بر مان بونی خرده خرده من و اله جنابینه
البنوا و دست سخته زر که از لری اولان لوح مرقع
کارینا نقش مهر هفت نما صیر فی جوم شناس
قیمت فرما لریه غرض و انما اولند قدره حقه دهن غاتم
انگشت لغیب اید بر کس سیمی له اله نه مناسنی وار
لغفوا انکیر کی معنی اشعار کما یصحیج بوزان دکت بیوه
بسنجید سیم و صومعه بطلمیوس کار کا هله بینه اشعار
مهاذب و عرفی نقوش منقشه بر کونه بر متابع غریب
السیح ظهوری قطعا انداز زده سامه مخا بیه
و قیاس اولد بوزو قدر دید بر صغیف سیم کله ورق
اوزره سواد قلمکاری منزله سنه رسوم خطا
کر حکیم حکانخانه سنه نه بیور زرد بزم نجیب
دو بال اید نهار عید صلیب ساه دیر ده مجمع اولی
صنوف نصاریه فرقی بوز قدر دیری هله بینه
جوا هر حرفی انکار اولنم دیدم سر جنبه استهاله

حافیه تنزد اینک فلک کج و تراست از خطا و ترس
 مهری بجه ابره لم هر طور ی سلسله اعتناق از خطا و
 ایکن اثبات تناسب همواره قتی مشکله دیدی یا کلیم
 منشیابه و تغییرات بلیغانه سخته سوزنده دیدم
 بنسب کفایت هر کلمه سبیه روی بر بر همس پیر نس
 پیرش کبش زوایای رباضکره سطروده سیر زانوی
 انووا کنزی زغبیه کویا عالم معنا جانیه چشم
 کشای سوزیرا اولمشله دیدی یا نظام سطور
 محدوده سخته نه دیدم دیدم به توقف از غنچه مهیب
 الصدای ویر نس سطر کنزی بسید و دیدی مداد
 ظلمت نهاری خجیلیه براق دکلیه دیدم سر کبیه
 حضرت شاه کوساله ساری و کل ارمیده
 مرکب اوله یز جاک لوزله اشتباه دکله دیدی
 هر نه تیره یوبله بر ترس زاده سانه وادی
 شود و انتاده بد کونه تکابوسی نزاری کتیا به
 واقریه دکلیه دیدم نجب حالت وارد شکوفه
 کلخه حضرا و مزه مزب مثلنک مناسیه بین

الناس منسی اولموج اچکون کویا ظاهر انتمش بر
 سخته غنچه ورا اگر چه میوه اشکاری نوعانیم خام
 و لواله انتاش سیر بر مزار نه کخته و ناغامد رکتمنه
 مالا کلام دکلیه دیدم بهی باد کار اگر ناکه سده
 لغه ایاله و نوصیه ویننه سر خنده ماکینه برانامید
 اولندر سیر نک و فوشه و انتاشکند نه معنی
 تازه ناعولر دیدی کانه غنچه که زور رنجیر کلغه
 طوبیه سطر ی خجیا معانی به ربط الیه دو جلوه
 لطف فنده به بهره کوریندر دیدم غنچه کینه بنم جانم
 مورد افتوم غنچه و موقف سیر یانه اوله کلش
 و مال زبانه اصطلاحات شوارش اغنیه الیه
 کام ناکام کلیه و دشمنش اسل اسل کبیه پریشانه
 حال و بر هم زده مال اوله غنچه بلغم سبیه دیدی
 منشیابه زمانه دشمنی دورانه شفه و انتاشی کبی
 موازینه شایا نچیر دیدم قهقهه متعجبای کشاد
 و بیروب بهی باد کار بر تاجا هل کونه سنواله الیه
 منمودن بزی اغضا بجه رنجیر شامنده

کبی غول بیابان قیامتک فراقه سوزان انیمک
 تلافی منور سیر ایدکی بیهید رزیر الطیف اولاب
 طبعیت سنگ کبی کهراب بیابان محبت محمل
 اولمز که صکره فراق افتضا ایدر سنگ فراقک
 دلیران موزون سیمایک حبالند لریز بر در مجول
 ملایه قدر طبعه نافع اولیر از اصحاب طیارع لطیفک
 مجرید رجناب حق سنگ فراقک نعمتد لری دایم
 انیمه **و کتب معتبره**
استغفر الله والرب الیه که
 سنی خاطر کتدر و سب حال دل سنی الیم
 سنی خاطر کتدر کتدر سنی استغفر و موجب استغفار
 جمیع و سادس فاسد و اودام در حشر سنی شکرت
 اهریزد فرضا خیر صحتکی خیر و بر حکم رینه میقتی
 اولسم زبان کتدر و سب حال کده سنی الیم حکم حله
 عیاندر **و کتب معتبره**
زادمانه و ایتاه بولتن ایدر
 فال برک عنقریب وجه تحفه و قیل الطاف حقیه
 الیمدر مستعدار **و کتب معتبره**

اگر د عاده نایب اولیدی منزل اولده بار
 کبه شغنی کبی بدنگی سیر ده خاک ایدر دکن لحد
 لغز اولور ارضایند به جیف جسم بدخود در کده
 صیانت ایدری
و کتب معتبره
و کتب معتبره
و کتب معتبره
 خلاصه رجناب رب العلیه سوار اولدینک
 حیوانه رحمت ایدر و سب هر روز باریدنه ناپاکلی
 چکوب بوی بد کده متنازی اولد قدر صکره
 عاقبت خلاص ایدر مکافات اولدیر منقضای عدل
 ربانیه رطلای اولدینک نذر بره اجزای بدنه برکه
 اکینک اول صیران به کنا یک دم دلخی ایدر اغشته
 و عروق اعضا سیه اولی لازم کلکله غذای کلاب
 و سباع اولدیرنی زمانه و فوادل حیوانه به زبان ایکی
 فات عذابدر صیانت الیم خشنه سنگ دوقیه
 ضعیفک نجات بولدیر فای اشتباه و کلدر

بعد از آنکه در عظمیاء و زوایای این شهر
 قولاً و کتباً اولیاء اگر چه در یوت
 حور و غرق اولیاء بر رفته اند
 و تاج عید از آن شهر است
 بر فکر استیز قوت و امداد اولیاء اولیاء
 اول صوری غرق اولیاء دولته نایل اولیاء اگر چه
 روی زمین چرخ وجود کند خلاص اولیاء اما
 قیامت یکبار اولیاء پاک که جناب بنی صفیوب غیر
 دود درجه نظایر دین ساقط اولیاء نیستند ماعدد در دنیا
 بر نیت مایه لکن غدا بعد اولیاء کوشی امر اض
 کونا کینه اولیاء بعد از همه اولیاء استحق اولیاء
 حرز و جان نسا اولیاء کردند ظهور را بدین اولیاء
 بر چهره و مرض و چکه و جدا میند اولیاء دردی
 در این شهر و در این شهر
 در این شهر و در این شهر
 در این شهر و در این شهر
 در این شهر و در این شهر

این شهر را عظمیاء و زوایای این شهر
 قولاً و کتباً اولیاء اگر چه در یوت
 حور و غرق اولیاء بر رفته اند
 و تاج عید از آن شهر است
 بر فکر استیز قوت و امداد اولیاء اولیاء
 اول صوری غرق اولیاء دولته نایل اولیاء اگر چه
 روی زمین چرخ وجود کند خلاص اولیاء اما
 قیامت یکبار اولیاء پاک که جناب بنی صفیوب غیر
 دود درجه نظایر دین ساقط اولیاء نیستند ماعدد در دنیا
 بر نیت مایه لکن غدا بعد اولیاء کوشی امر اض
 کونا کینه اولیاء بعد از همه اولیاء استحق اولیاء
 حرز و جان نسا اولیاء کردند ظهور را بدین اولیاء
 بر چهره و مرض و چکه و جدا میند اولیاء دردی
 در این شهر و در این شهر
 در این شهر و در این شهر
 در این شهر و در این شهر
 در این شهر و در این شهر

منزلت در صاف و اولیوسا بر کوز لهره نسبت
 کوزل اما سنگ چهره سرکی اندر کشت
 بعد بهوم چو کیندر منزل اولوب چهره مردارک
 اول منزل دوسرا بیت ایدوب بنیبر اسم شهرت
 ایندیگی ادر مقدر در کله لم موش موش ایدور کیم پیر
 حبفا و درینا که سنگ بیتی ناموز و نه و دمان
 کندین بویک قالیند شایانه اولان اول تغییر
 بنیسی ساینلرک جرم سر فوجند بر تر اولان
 سنگ بورنی دلکیر به و صا صا صا اوانند
 کند به تر اولان اگر که نسبت انیمه نک عین اید سوا
 کینت سورا ضنه التمه و دوشور مکن اید اصلا
 فرقی بودر سنگ اولوب مکن تمام خواب خنیر
 ایدم خور خور بلکه غوغای کلاب لاشه خوارگی
 خور خور و لمر قور کیم لاین اولور سنگ
 خوابکه نسبت ظرط و پیرانه قد موز و نه اید
 سنگ بیدرک ایکی ت مودر رقبا لیدنه
 بری عبارتی لغوز با به بر و صلا اضم و لغوز

مکر و به لقا کوه فافک غوغا لیدنه و زنده
 سینه کیندر ایدلر نه و جان به جان سکبار لیدنه
 کجا مینرل ایدوب میل انیسر بولنر مکه
 بیتی ادم اول چهره غبار مثاکله میل ایدیه جان
 حاجیم تغییر نه و فافسکه و درینکه کوپک
 نیانی و ایدو ابی و قاره جنا و یکمک اچوندر
 ایندیله سنگ بیا نکه شیت اولدینیه
 انسه لر بعد کیمم خانه بیزار اولوب
 ضروری غالت اختیار اید چکلری ادر محققه
 کلستانه جامه نه پوسه چله اولی عبارتند
 و فحاله حبفا و ایدلا و رنستانه ریش و برور
 و عی القلم لانه دیس و چنکلستانه قدرنه
 عز کا نه ایدیه کلستانه حال قورمک و عراجس
 بالیکوز به اکل جل اصحاب غمی خوابانه کلهره
 نازک به نه اولغور بونیمیرت خون ما صفت
 کیمنه خنده و جناب حق اندرک انگار نه غوغا
 ایدیه و بونیمیرت لفظا معنا لیدنه استمار

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله الذي جعل
 الخس بانه ذره دهن خلاص او در نفوس سكراته نهی با تو
 اصفیه اوله احباب كنك فراقه و فوسه مایه
 تسلی او كده در طهر مكنوبه اوله مهر غیب
 الكرم و عجیب الحظان كركوك كدر ستانده
 بولنه سنگ غرا نشسته و فوض منكر
 او زیننه با صلاه كخته رسمی تمنا سید و افلاق بقدره
 فبو كنه الحیر نيك تم كك نره اوله مهر و لا
 و نجاست ایله الوده او شش پیچی كلا بك
 زیمیه او زره بصیرت نشسته و کلیسا ویدارینه
 و مبتكر ك فزال غر و ط بو یا سیده نیم كری رسیده
 فرق معلوم فكل تمام اچنزه اوله حروف
 از فاحه چهاره بینوزنك قالبینه با صلاستی
 طابو النفل بالنفل اوله یفته نجیب او شدر
 سیر ایدر كسی اویدز بار كیمه كرك صفر سپنده
 اولال داغدر و كیم كركوك از دنجیدر نيك

اشكر یا غیدر و كیمسی بر فاج ایت سکنه
 و یا خود اشك سکنه یا بشنشی اری لاشه
 لیدر ویدر كیم ایدر و ب كنه عاقبت بو كدر
 و بلك مكنوب شهر و زور ایدر اثبات
 او شمش حجت عز و زره اوله مهر و فوسه
 داغ نشسته اوله شدر بونك او زیننه
 او لیدر فاحه امضا ایت كدر رای مكر ویدر
 سیر شت سكانه كونه بیدر و عا ایدر كیم كرك
 سیر ایت و شت مكنوبه تا شیع انبه كك خدمت
 ثقلت امینز كرك مكابیه سیر فیندرو منلا فندی
 و غر كرك حاصل افالاننده ز سعادته و صله
 محافظه حلب عیدیه حضرتی مجلسدین
 و فو فذا كس اوله مهر سنده بیک بتر ایدی
 كیم بیتی بیتعل غول بیدر با نه صدر تلی ویدر
 بیکر شخض خدمتین بیدر و صبر و شكیب
 سكار فیب او شدر در اكره كرك كرك مردار
 كندر كرك بیکر كرك فو مادیك بیدر نه بتر ایدی

تشنگنده ساحت وجوده وضع قدم ایدوب انچه
 نسیم حیثیه نفس و محس سالف و نه بکات بولیم
 سجد شکر و گویه سرور و در کار ایکنه و اینه مهر باطن
 صورت شفقته بر تری قوت قوت مجلس قاطع بجزه
 ایدوب بر لرزشه یارب بونه طالع معکوسه که
 اول مرغ جفا پرور کی مدام دامه و دوشوب
 نه زمان بوقت درم اراد اوله زو و بولکای
 اشنگایه و مساز اولدق بر سر پستانه بزه
 مهر دمان ایدوب الحافه قاطع بزی جس
 ایشیک کی کبی فریاد غرور و سوار کلر حوز و جنس
 ایلدی انکله و فتنه عت انجیب ایکی طاق
 بر ستونی که هواره بقیه اولدق بر خانه زلزله
 ناک باد راه اوده اسیر فراموش ایدوب
 قوت رستم ایلد بنده ایلدی ما حاصل
 جوهره و صبره و حننه شکر و نه غیری بود
 علاج اولدق بل کل صبر و ری کلش با کافه
 غنچه لبیز بر بر کلخند بنسیم اولدق کوریک

بهره

سحر و جادو کیشایش و بدوب کاه انورش
 در بخت شده و کاه و دختر الشاتده خوش نشین
 سکر بشتدی اما بهاله کربیه طند نیه آغاز
 ایشیک کیم کبی ینه معاند الطاف جوهره شبیل
 و زنده امه مهرورده و به سلسله
 فیور ایلدی ما چهل بدیلد احوال عالم کاهی
 شادی کاهی غم و غمی عرصه عالمه افش
 و حبه ان اول حاله سدر و لب یار لری
 نه که دکن که کدرشت پار و خانه زینک
 محرومی سیمار و ده قوت رقتار بیدر
 اولدی اندر شکره انا رمنده مات نکالیفه
 نوحه استند اظه و رانم کلله پیر ماد لری
 اولان شکر یاره تو و پیر ایلد مانع
 ایدو ملاوت بخش اولدق سن
 سینه عثمان لوازمه شروع ایدوب
 جراح خوانفت ایدو جلا دیه اما نه کبی نیغ

برانده در کار ایدوب اول شریعت که یکی
 پارس اجمار دوبرک شکر پاره فریب
 اید و مانده شکر ازوب بود خدمت ضمیمه
 تاقیه قبح سودا سینه دوشوب اشیا به
 زاده بزرده هنوز بمرطه و نه چفتش جود شایه
 باشندم اوسکون البیج کیم بهماره
 دیوانه وار سر بر سینه اولوب فوار دار
 دیر سنده خون روان اولوب
 هنوز به مدینه صکر حقه لعل به کسره
 اجرا اید جک خول پش به بوز نند
 کلوب تیغ ستم روز کار دهن شکایت
 ایجوله باشند کولدر صاروب ککنه بزجه
 تحمل این میوب شبشوب قباد منه
 باشندی عاقبت اول کیمه رمیده نک
 باشند طوریه اصل منده کوجب
 ضبط اولوب نه حال فیه اول جراحته

رما با فیه اولیج کیمه کبر ده اولان خانه شیف
 عینیه اید فاشیه سیم النمش اگر خانه سینه دوز
 بود به دهن صکره عقده دشوار و امر مشکل
 ناله می تمام عیش و حضور اوجی و مله کله می جو
 ایا ده نه اولیج انصورتیه اید مکر پذیر خبر خواه
 اندیش بود مرغ هوا به حروف فزطنه دام دانه
 نرسبت انک مقدماتنه باشلیوب بقدا
 محاسن تعلم خانه به زبان کنده از تکرار اتم کله
 بار در کار اولد کیمه اندر بجه همسین و همسال
 اقرا انثال اطفاله هر کونه همرا نوی انجمن
 جمعیت و سبنداشت صوفیه قراست
 اولوب علم معرفت و حوائب حسن خط کفایت
 بالغ غیری تحصیل سرمایه دولت صوری و معنی
 انک نه سعادت و نه روبرک کلمات ترغیب
 تنبیهات شوق انگیزه اید بهر کونه بیری استاد
 دلسنا به تنبیهات کوشه دار رحله ده
 بسته جاربغ ارباب اید بهر اید اید ده قریب

مکتب و موله اوازده ساله استقبال اندو
 داخل اندرون اولیج مکر طفر نوآمده به مکتب
 مکتب ان غیر ایله خلفه دام کبوتر طفر اواره
 و منه حمام اولدیغ متعبیه اولدی امانه چاره
 زبیرک جوده برام افند تحمل با بر سر مفهومی باکی
 صبری دام فراره پیچیده ایدوب محل عصری
 چشمک شای انتظار اولمده غیر کا چاره ملاحظه
 اولمده شد رکان ماکانه مضی ماضی الحاله هنده
 خلاصه ادعا فرمود که او این بهار حیات کینج
 بشو له مکشیده کنز ایدوب کل کبی خنده ال
 اولیجی محله غضب معلول غایب صفت
 اب سینه قالب نسیم صبا کبی سرور
 هرا کشت و کنز ایدوب چک زمانه کرده
 صباب کبی مکتب قبو سنده مجلس اولدوب
 مقدم قسیمی حور و آتیه میرنه قدر ملک
 حصال ایدوبه دینه اطفال نظر نده عفریت
 صفت کدر نمکله تعلیم اکون حضور نه وارد فیه

صمدی استیازه اولمده نوجمله محنت
 کتبه مکتبک معلومید رخ صمصا که
 داشته غیب کت و به رحمت اولوب تعلیم
 اطفال اولمیه و مافنه و فو پیوسته و بر مکه
 بر کاسوز نره و انشرف و زنده اولمده
 فیه می مشکه سینه دفر مندوب اولوب
 اول مجوزه دینه چکده یکی از بشتک انتقام
 بد بیچاره لر دینه المنه در کار اولوب
 باخ صمصا منایله تعلیمه پدر مادر رخ
 طر فنده نامول ابتر یکی رعایت دلخواهی
 اوزره ظهور اتمده یکی ضمیمه طبعی سیه اولمش
 ایکنه پدر خود و ابتداء نسیم تعلیمه
 غایت حرصه نه مکشیده مسند ال سنک
 کور کی بنم و بد صرفیه تبیر نه دوا ایلمش اوله
 خواجه افندی بر خود غلبه حرصه نه و غضب نه
 نجاز له صفتت بستر فرقه قادر اولمیه
 کمر جکده بر نم ایدوب شکست سینه ایدوب

ادغام بود فلا کتله گذرانده در الف کبی خند شدند
فایم و هاکبی دو چشمه است از ته ملازم
و دال کبی قائم از اداب عبودیت و ضم
و عیب کبی عین بر غم ایکن بنه لام الف
صفت ایام غمره ثلثه و اقوب اطفال محله
انکر سوار اولد فیه لبر لکر قره قطران مستند
فلقیه سوار اولور ز و اندر جریه او بناد فیه
جرید کت طبا غمره او بناد ویش کور ز
اما بقدر محنت مشقت نصف منار
خمس سقیده نخل اولور دی نه عجب
بته کج زوق سه در ایامی ایرمدله نصف
نهار ی ایریشور اخشا می تحولی نصف
خمس زمانه و صلت کبی سربع الزوال و بیم
جمع و ف فکر شنیده ابد تلخ بر ملال کجما کله
ازاده لک لذت زن محرم قالدق اسراف
معلمیه بود خصصه رعایت شرط اعتدال اولور
هفته ده بزه هر وجهه غذا یا است لرد ز

دلو بود خصصه صفتی اوزره کشف سوال
اولونوب هفتنه ده بو کتله ضمیمه اولونوب و ف
مطلوبه بحدرد و بدادعا ایلد کلر ندره اسانده
طنل اندر مجلس مرافقه به احضار اولونوب
استنطاق کجفت احدا ان و بر کتله و ف
صمیمه جمعه و خمس اولونوب مرتبه امکا نمید
دید علی طبر لقا الربا سوال اولونوب قد
معلمیه فضل ایامه جواب بستره قالب
حکمت بودیه اوزره افراغ ایلد بر کتله اندام
سلف بود رسمی قالدق حکمت اوزره
وضع ایدوب رعایت شر و طاهر منده
نظیر انچه مشلر در انجی کور کاله نادیده
روز کار کن شعور لری او عامه و عدای
معنیه شروع انچه مشلر در معلمینک لوتد لری
ببینات عقیده و بر ایامه حکیمه ایلد نمید
اولونوب الیاس اولونوب قد اولونوب
حصه لری ایلد انچه مشلر در ایدوب دیدید که غما

درت قسم ایمن باد و آب و خاک و آتش و
صورت قبول شده ثابت اولوب ایچق ملاحظه
اطلاق کرده جلوه کرا اولمغه نسیم حکمت
اوزره درنده بر اطلاق واقع اولمیش بر حسب
اوزره هفتنه ده بر ایچق کینه اطلاق اولمیش حق
صبر بکلیدیر بلکه تدقیق اولمیش بسبب
ایچق کدنده تزکیج کدنه واقع اولور بر کله
ساعت کدنده و لره زیاده حرمت اولمشدر
واقع اولور تو چهلری قرین حسن و قبول اولمیش
اولمیش در حاکم مسلییه و به اخری اوزره
و فو تمهید مبالغه مدعایه شروع ایلدی بر که سابق
ارباب حرفه علم صاعه ایدنه اطلال
مسلییه ایچق لردم جمعه ده اطلاق اولوب
اول واق کاه بیسه اولور و کاه اولمیش
جمله نکل معلومیدر بدینکرت تعلیمی اشرف
علوم اولدی بوز ایلدنه شرف تلاوت قرآن بر کاشند
انگرونده فضل نصیب کدنده و کدنده و لره رعایت

الف

از خانه باطنی و با خود و لغاری و فوایحی سبت
 را از طلق اولد و قمری بر منبای مؤید
 در سبب حکمت تمام انصاب قرین قبول
 اولد و صغره استادانه دقیقه دانه دولوب
 تمام دعواده قیام اید و ب دیدیلر که
 بر اطنالک رجاهی ضم اینه کلری اول زمانه
 سلم اولد که ابام اسبوعی تمام ملازمت
 مکینه فرار اتمه ده ثابت قدم اولد لر بر نلر
 اولد کاه نمارض اید و ب کاه پدر مادر نه
 ناز اید و ب کاه همسایه زده اقربا بخورده
 سر ضیافت اولدی و کاه خاخرده
 لباس ببقار لر و با خود مسافر کلمش
 ایدی با خود جوار اقربا خورده فلان نام کسینه
 سفر کیه ردی با سفر و هم کلمش ایدی دیو
 بر بهانه خونی اید فرار اید و ب بر نلر نه
 ما عذر الدوز و کاه برات و قدر و کاه منته مات
 اعیان بهانه یلر که کیم دوزخ از ادا اولوب

گاه الایر نمانشاید و گاه چنانچه
و گاه ختم کلام الله ایدر اطفال
اذا داد اولدی د فو کج خاطره کلیمه
ایده قرار اولدی بالجلد حساب اولدی
هفته ده ایکی با اوج کونه اکی مکینه ملازمت
انتمش اولدر لر بالجلد یو بهانه لر بره دفع
ایرو ب مستر او نما و هفته ده مداوم
اولدر لر خیمه بر زو نصف خیمه ایرو لم
دیر کلیمه اطفاله سینه دیر سینه بوقوله راضی
اولدر سینه دیر استنطاق اولدر قهره واقعا
خواه افته بر نیک لغیر لر و افته مطابق
واولدر نه جاری اوله کلیمه رسم قدیم اوزره
کندر لر موافق اولدر نین اکلیدوب از طبع
جوق ضرر این جکلیمه جازم اولمنه
ینه عادت سابقه اوزره هفته ده برنجوق
کونه قرار و بر نیک اوزره خواه افته بر ایله
مصالحه نیک جانم دلدر راضی اولدر لر

دسته مای عقرب
دعهم مای قاری



Süleymaniye U. Kutüphanı
Kısmi | Tümü
Yeni | Eski
Eski | 598

صوفی اوزره نجواز اولمنی و جبهی ایله
مصطفی حکم برله ماهر الراقع بالطلب
کتاب اولدی فی البدیهه
نور الدی الابرار ۶۷
سلامه

